www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

امامی که از نو باید شناخت

مهدی

مؤلف: محمد قاری بابلی

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی که از نو باید شناخت

نویسنده:

محمد قاری بابلی

ناشر چاپي:

موسسه آموزشي تاليفي ارشدان

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی که از نو باید شناخت ----- ۸
مشخصات کتاب ----- ۸
اشاره ----- ۹
فهرست ----- ۱۳
سخنی با مخاطبان ----- ۱۹
دوران پیش از ظهور ----- ۲۳
باب اول ----- ۲۳
باب دوم ----- ۲۶
باب سوم ----- ۳۲
باب چهارم ----- ۳۶
ظهور حضرت مهدی علیه السلام ----- ۴۱
باب پنجم ----- ۴۱
باب ششم ----- ۴۴
باب هفتم ----- ۴۶
باب هشتم ----- ۵۲
باب نهم ----- ۵۴
باب دهم ----- ۵۸
آغاز قیام و نهضت حضرت مهدی علیه السلام ----- ۶۲
باب یازدهم ----- ۶۲
باب دوازدهم ----- ۶۸
باب سیزدهم ----- ۷۳
باب چهاردهم ----- ۷۵
باب پانزدهم ----- ۷۸

از بیعت تا شکست سفیانی ---- ۸۱
باب شانزدهم ---- ۸۱
باب هفدهم ---- ۸۷
باب هجدهم ---- ۹۰
نزول عیسی علیه السلام و یاری حضرت ---- ۹۷
باب نوزدهم ---- ۹۷
باب بیستم ---- ۱۰۳
باب بیست و یکم ---- ۱۰۵
بیت المقدس، سرزمین مناظره ها و تحدی ها ---- ۱۰۹
باب بیست و دوم ---- ۱۰۹
باب بیست و سوم ---- ۱۱۲
باب بیست و چهارم ---- ۱۱۵
باب بیست و پنجم ---- ۱۲۲
باب بیست و ششم ---- ۱۲۷
باب بیست و هفتم ---- ۱۳۳
باب بیست و هشتم ---- ۱۳۶
باب بیست و نهم ---- ۱۴۱
باب سی ام ---- ۱۴۴
باب سی و یکم ---- ۱۵۲
دفاع در برابر بزرگترین هجوم و فتح دنیا ---- ۱۵۹
باب سی و دوم ---- ۱۵۹
باب سی و سوم ---- ۱۶۶
باب سی و چهارم ---- ۱۶۹
باب سی و پنجم ---- ۱۷۴
باب سی و ششم ---- ۱۷۸
عدالت جهانی و خشنودی اهل آسمان و زمین ---- ۱۸۱

باب سی و هفتم ---- ۱۸۱
باب سی و هشتم ---- ۱۸۴
باب سی و نهم ---- ۱۹۱
باب چهلم ---- ۱۹۴
احداث مساجد و ایجاد محله های مسجد محور ---- ۱۹۷
باب چهل و یکم ---- ۱۹۷
باب چهل و دوم ---- ۱۹۹
باب چهل و سوم ---- ۲۰۱
امنیت جهانی و عمرهای هزار ساله ---- ۲۰۷
باب چهل و چهارم ---- ۲۰۷
باب چهل و پنجم ---- ۲۰۹
رجعت ها ---- ۲۱۳
باب چهل و ششم ---- ۲۱۳
باب چهل و هفتم ---- ۲۱۷
باب چهل و هشتم ---- ۲۲۴
باب چهل و نهم ---- ۲۲۸
باب پنجاهم ---- ۲۳۲
منابع و مآخذ ---- ۲۳۵
درباره مرکز ---- ۲۴۱

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی که از نو باید شناخت

مشخصات کتاب

سرشناسه:قاری بابلی، محمد، 1362-

عنوان و نام پدیدآور:مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی که از نو باید شناخت/ مولف محمد قاری بابلی.

مشخصات نشر:تهران : موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، 1403.

مشخصات ظاهری:231 ص.؛ 5/14×5/21 س م.

شابک:2400000 ریال: 978-622-08-9165-9

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:عنوان روی جلد: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی که از نو باید شناخت: سیمای واقعی عصر ظهور....

یادداشت:کتابنامه: ص.[226] - 231.

عنوان روی جلد:مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی که از نو باید شناخت: سیمای واقعی عصر ظهور....

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع:Muhammad ibn Hasan, Imam XII

موضوع:آخرالزمان (اسلام)

(End of the world (Islam

آخر الزمان (اسلام) -- احادیث

End of the world (Islam) -- Hadiths

مهدویت

Mahdism

مهدویت-- احادیث

Mahdism-- Hadiths

رده بندی کنگره:BP224/4

رده بندی دیویی:297/462

شماره کتابشناسی ملی:9582878

اطلاعات رکورد کتابشناسی:فاپا

مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان

نام کتاب: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی که از نو باید شناخت

نویسنده: محمد قاری بابلی

ناشر: آموزشی تألیفی ارشدان

ویرایش: اول

نوبت چاپ: اول 1403

حروفچینی و صفحه آرایی: www.irantypist.com

طراح جلد: امیر داودی

شابک: 978-622-08-9165-9

شمارگان: 1000

مرکز خرید آنلاین: www.arshadan.net - www.arshadan.com

مرکز پخش و توزیع: 02147625500

قیمت: 240000 تومان

ویراستار دیجیتالی : روح اله قاسمی

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی که از نو باید شناخت

مؤلف: محمد قاری بابلی

ص: 3

فهرست

سخنی با مخاطبان ... 9

بخش اول: دوران پیش از ظهور ... 13

باب اول ... 13

باب دوم ... 16

باب سوم ... 22

باب چهارم ... 26

بخش دوم: ظهور حضرت مهدی علیه السلام ... 31

باب پنجم ... 31

باب ششم ... 34

باب هفتم ... 36

باب هشتم ... 42

باب نهم ... 44

باب دهم ... 48

بخش سوم: آغاز قیام و نهضت حضرت مهدی علیه السلام ... 52

باب یازدهم ... 52

باب دوازدهم ... 58

باب سیزدهم ... 63

باب چهاردهم ... 65

باب پانزدهم ... 68

بخش چهارم: از بیعت تا شکست سفیانی ... 71

باب شانزدهم ... 71

باب هفدهم ... 77

باب هجدهم ... 80

بخش پنجم: نزول عیسی علیه السلام و یاری حضرت ... 87

باب نوزدهم ... 87

باب بیستم ... 93

باب بیست و یکم ... 95

بخش ششم: بیت المقدس، سرزمین مناظره ها و تحدی ها ... 99

باب بیست و دوم ... 99

باب بیست و سوم ... 102

باب بیست و چهارم ... 105

باب بیست و پنجم ... 112

باب بیست و ششم ... 117

باب بیست و هفتم ... 123

باب بیست و هشتم ... 126

باب بیست و نهم ... 131

باب سی ام ... 134

باب سی و یکم ... 142

بخش هفتم: دفاع در برابر بزرگترین هجوم و فتح دنیا ... 149

باب سی و دوم ... 149

باب سی و سوم ... 156

باب سی و چهارم ... 159

باب سی و پنجم ... 164

باب سی و ششم ... 168

بخش هشتم: عدالت جهانی و خشنودی اهل آسمان و زمین ... 171

باب سی و هفتم ... 171

باب سی و هشتم ... 174

باب سی و نهم ... 181

باب چهلم ... 184

بخش نهم: احداث مساجد و ایجاد محله های مسجد محور ... 187

باب چهل و یکم ... 187

باب چهل و دوم ... 189

باب چهل و سوم ... 191

بخش دهم: امنیت جهانی و عمرهای هزار ساله ... 197

باب چهل و چهارم ... 197

باب چهل و پنجم ... 199

بخش یازدهم: رجعت ها ... 203

باب چهل و ششم ... 203

باب چهل و هفتم ... 207

باب چهل و هشتم ... 214

باب چهل و نهم ... 218

باب پنجاهم ... 222

منابع و مآخذ ... 225

سخنی با مخاطبان

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان ملل اسلامی و حتی غیراسلامی بر افکار عمومی سایه افکند. تمام واکنش های غرب در برابر اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از این آغاز شد که در ایران، به نام آن حضرت و با شعار آماده سازیِ منطقه و جهان برای ظهور او، این انقلاب انجام گرفت.

غربی ها از خیزش اسلامی که سلطه غربی ها بر ملت های مسلمان را پایان بخشد، در هراس اند؛ به همین جهت از هر عنصر تبلیغاتی به سرعت بهره می گیرند تا زنگ های خطر را در گوش ملت هایشان به صدا درآورند. آن ها تلاش می کنند تا افکار عمومی ملت های خود را برای اجرای تمام نقشه های استعماری و ضربه زدن به این کشور جلب کنند. در این میان، هدف یهودیان، که پشت ماجرا قرار دارند، افزودن هراس غربی ها از خطر مسلمانان است؛ تا بدین وسیله به آنان وانمود کنند که تمدن شان مورد هدف قرار گرفته و اسرائیل در خط مقدم دفاع از آن ها ایستاده است.

بنابراین، دشمنان اسلام چاره ای جز فعالیت گسترده تبلیغاتی علیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارند. دشمنان با استفاده از القائات هالیوودی، ایجاد جریان داعش، انواع فعالیت های رسانه ای، شبکه های مجازی و غیره به این موضوع بسیار مهم آسیب زده، آن را منحرف کرده و چهرهقیام و عدالت فراگیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را

مخدوش ساخته اند؛ تا جایی که حتی توانسته اند اندیشه و ذهنیت رایج مسلمانان را نیز تحت تأثیر القائات خود قرار دهند.

بسیاری از مردم جامعه اسلامی بر این باورند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چهره ای خشن ظهور می کند و با تکیه بر سلاح و کشتار مخالفان خود موفق به تشکیل حکومت و کسب قدرت می شود. در حالی که این افراد، از انواع مبارزه های فکری و مناظره ها، و جهاد تبیین و نرم افزاری، و ایجاد انقلاب فکری و فتح قلوب مردم بر پایه ی عطوفت و مهربانیِ حضرت بی خبرند! و غافل از اینکه، بر اثر انقلاب فکریِ ایجاد شده توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، بسیاری از کشورها توسط مردم همان سرزمین فتح می گردد.

متأسفانه بسیاری از محققان و فعالان فرهنگی کشورهای اسلامی نیز در کتاب ها و آثار خود از روایات غیرمستند و نامعتبر استفاده می کنند و گاه روی منبرها برای مردم بازگو می کنند و بدین گونه تصویری خشونت آمیز از چهرۀ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی ایشان برای مردم ترسیم می کنند.

در طول تاریخ اسلام، روایات مجعول و موهومی از سوی افراد مجهول و یا غیرموثّق جعل شده و با روایات مهدویت خلط شده که شخصیت بی نظیر آن امام رئوف را زیر سؤال برده و از سیمای نورانی و ملکوتی آن امام همام، چهره ای خشن، خون ریز و سنگ دل ترسیم کرده است. به موجب پاره ای از این روایات، که متأسفانه تعدادشان بسیار فراوان است، حضرت مهدیعجل الله تعالیفرجه الشریف به هنگام ظهور چنان با خشونت و درشتی با مردم رفتار می کند و کشتار و خونریزی به راه می اندازد که بیشتر آنان آرزو می کنند ای کاش هرگز او را نمی دیدند و عده ای دیگر نیز نسبت به ایشان دچار تردید می شوند و او را از آل محمد صلی الله علیه و آله نمی دانند و آن حضرت

بسیاری از رفتارهای خشونت آمیز را بر خلاف قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان پیشین علیهم السلام انجام می دهد!

در نتیجه، امروزه ما شاهـد نتایـج و آمار تکان دهنده ای از ذهنیت های منفیِ افراد جامعه خود علیه حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف هستیم. به عنوان نمونه در یک نظرسـنجی، هفتاد درصـد دانش آموزان دبیرسـتانی گفتنـد دل مان نمی خواهـد در این هفته ظهور باشـد؛ چون امـام می آیـد گردن ما را می زنـد! و یا در مصاحبه ای، جوانان می گوینـد که اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف به کمک ما احتیاج داشته باشد، ما حاضر به کمک کردن به او نیستیم!

بنابراین زدودن غبار دروغ و افترا از چهره قیام و حکومت مصلح و موعود آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با بیان واقعیت های قیام و حکومت ایشان، بر اساس عدالت و عطوفت و مهربانی آن حضـرت، امری بایسـته و ضروری می نماید. یکی از زوایای ناشناخته ی امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف ، مهر و محبّت آن بزرگوار نسـبت به انسان ها است. امام، پدری مهربان، همدمی شفیق و همراهی خیرخواه است. لـذا رسـالت مـا این است که آن چهره رحمـانی و صـلح طلب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را به دنیا معرفی کنیم.از این رو سـعی شده است در نگارش این کتاب، چشم اندازی از چهره واقعی قیام و حکومت جهانی آن منجی بزرگ عالم، به زبانی گویا و با تکیه بر آیات قرآن و سـخنان اهل بیت علیهم السلام ، به منتظران ظهورش ارائه شود. در بیان اسناد و مدارک نیز، معمولا به یک یا دو منبع بسـنده شده است و تصویری گزارشـی-روایی در قالب داسـتان، از دوران ظهور آن حضـرت به رشـته تحریر در آمده است. حتی المقدور سعی در سادگی عبارات شده است تا در خور فهم همه کس و مورد استفاده عموم قرار گیرد.

امیـد است، این کتاب خـدمتی برای اسـلام و پیروان پاکش باشد. همان کسانی که تشـنه معرفت رهبر موعود خویش اند. رهبری که وعده ظهورش از زبان رسول گرامی اسـلام و اهل بیت او به جهانیان داده شده است. آرزو می کنم که خداوند این اثر را در زمره تلاش هایی قرار دهد که زمینه ساز ظهور آن حجت بر حق و ولی الهی است.

ص: 12

دوران پیش از ظهور

باب اول

در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام اوضاع جهان به بدترین وضع خود می رسد و قحطی شدید، ظلم و ناعدالتی، تبعیض و تضییع حقوق دیگران گسترش می یابـد و مردم از هر کس و حکومتی ناامیـد می شوند و به دنبال روزنه امید و ندای عدالتی می گردند که آنان را از آن منجلاب ستم و از چنگال زورمداران و مستکبران نجات بخشد. مردم چنان از دست ظالمان و دروغگویان فتنه انگیز و فرصت طلب به تنگ می آیند که شب و روز آرزوی آمدن فردی را دارند که علیه ظلم و سـتم و ناعدالتی قیام کند و آن ها را از دست سـتمگران و زورگویان نجات دهد و عدالت را در جوامع آن ها برقرار کند.

ص: 13

حضرت امام باقر علیه السلام فضای تاریک جهان قبل از ظهور را این گونه بیان می کند:

(لَا یَقُومُ الْقَائِمُ اِلَّا عَلَی خَوْفٍ شَدِیدٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ یُصِیبُ النَّاسَ وَ طَاعُونٍ قَبْلَ ذَلِکَ، وَ سَیْفٍ قَاطِعٍ بَیْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِیدٍ بَیْنَ النَّاسِ وَ تَشْتِیتٍ فِی دِینِهِمْ وَ تَغْیِیرٍ فِی حَالِهِمْ، حَتَّی یَتَمَنَّی الْمُتَمَنَّی الْمَوْتَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عِظَمِ مَا یَرَی مِنْ کَلْبِ النَّاسِ وَ اَکْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً، فَخُرُوجُهُ علیه السلام إِذَا خَرَجَ یَکُونُ عِنْدَ الْیَأْسِ وَ الْقُنُوطِ مِنْ أَنْ یَرَوْا فَرَجاً)

(حضرت قائم علیه السلام قیام نمی کند، مگر در حال ترس شدید مردم و زلزله ها و فتنه و بلایی که بر آنان فرا رسد و قبل از آن، گرفتار طاعون می شوند. آن گاه شمشیر برنده میان اعراب حاکم می شود و اختلاف میان مردم و تفرقه در دین و دگرگونی احوال شان به اوج می رسد. به گونه ای که هر کس بر اثر مشاهده درنده خویی و گزندگی ای که در میان برخی از مردم نسبت به بعضی دیگر به وجود می آید، به طوری که بعضی مردم بعضی دیگر را می خورند، صبح و شام آرزوی مرگ می کنند. وقتی که یأس و ناامیدی تمام

مردم را فرا گرفت و دیگر از هر جهت خود را در بن بست احساس کردند، امام غائب علیه السلام قیام می کند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 231.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

(لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ،فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»)

(ناگزیر است که در پیش از ظهور قائم علیه السلام سالی باشد که مردم در آن گرسنه باشند. از کشته شدن، کاهش یافتن اموال و جان ها و محصولات بترسند. این در کتاب خداست که فرمود: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها، آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان. (آیه 155 سوره بقره)»)

الغیبة، نعمانی، محمد، ص 251-250.

باب دوم

جهان انـدکی قبل از ظهور، شاهـد جنگ های خونین خواهد بود که در اثر این جنگ ها، اسـتعمارگران و ابرقدرت ها به سـمت ضـعف و نابودی سوق پیدا می کنند. به عنوان مثال، «نبرد قرقیسیا» در شام روی می دهد که به جنگ جهانی تبدیل می شود. به طوری که جهان تا به حال چنین جنگ و کشتاری را به خود ندیده است و یا «آتش آذربایجان» که به جنگ جهانی تبدیل می شود و بسیاری از ابرقدرت ها بر سر آن با هم می جنگند و یا اینکه غربی ها در واقعه «هرج الروم» دچار هرج و مرج و جنگ می شوند.

بعـد از واقعه «هرج الروم» ایرانیـان بـا اسـرائیل وارد جنـگ می شونـد و آنـان را شـکست می دهنـد و اسـرائیل چنـان ضـعیف می شود و موجودیتش به خطر می افتـد تـا جـایی که برای جلوگیری از نـابودی خود، دست به دامـان هم پیمانان نظامی خود (آمریکا و غربی ها) می شود و هم پیمانان آن ها در فلسطین نیروی نظامی پیاده می کنند که به آن واقعه «مارقه الروم» می گویند.

ص: 16

در نتیجه ی این جنگ ها، ابرقدرت های جهان ضعیف شده و دچار انواع اختلافات و درگیری ها می شوند.

با ضعیف شدن ابرقدرت های دنیا و همچنین آرزوی همه مردم به آمدن فردی که جهان را از منجلاب ظلم و ستم و خونریزی نجات دهد، مقدمات ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم می شود.

احادیث و آیات باب دوم:

امام باقر علیه السلام در روایتی خطاب به «میسر» ضمن پرسش از فاصله محل اقامت او تا قرقیسیا به بزرگی و بی سابقه بودن نبردی که در این منطقه رخ خواهد داد، اشاره می کند و می فرماید:

(«يَا مُيَسِّرُ! كَمْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ قِرقِيسَا؟» قُلْتُ: «هِيَ قَرِيبٌ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ.» فَقَالَ: «أَمَّا إِنَّهُ سَ يَكُونُ بِهَا وَقْعَةٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلُهَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ لَا يَكُونُ مِثْلُهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ مَأْدُبَةٌ لِلطَّيْرِ تَشْبَعُ مِنْهَا سِبَاعُ الْأَرْضِ وَ طُيُورُ السَّمَاءِ»)

(«ای میسر! از اینجا تا قرقیسیا چقدر راه است؟» عرض کردم: «همین نزدیکی ها است. در ساحل فرات قرار دارد.» پس فرمود: «اما در این

ناحیه واقعه ای رخ خواهـد داد که ماننـد آن از زمانی که خداوند تبارک و تعالی، آسـمان ها و زمین را آفریده اتفاق نیفتاده و تا زمانی هم که آسمان ها و زمین برپا هستند مانند آن اتفاق نخواهد افتاد. سفره ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می شوند.»)

الروضة من الكافي، كلينى، محمد، ج 8، ص 295.

حدیث امام محمد باقر علیه السلام :

(... وَ يَعْقُبُهَا هَرَجُ الرُّومِ)

(... و به دنبال آن هرج و مرج و فتنه در روم (غربیان) می افتد.)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 280.

طبق احادیث ذیل و آیات سوره اسراء، جنگ با یهود اسرائیل، قبل از ظهور و به دست ایرانیان خواهد بود:

1) آیه 4 و 5 سوره اسراء:

(وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ

عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا)

(و در کتاب خبر دادیم که شما بنی اسرائیل دو بار حتماً در زمین فساد و خونریزی می کنید و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه می یابید * پس چون وقت انتقام اول فرا رسد بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را بر شما برانگیزیم تا آنجا که در درون خانه های شما نیز جستجو کنند. و این وعده (انتقام خدا) حتمی است.)

2) حدیث امام صادق علیه السلام درباره آیه فوق:

(«وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا... بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَاداً لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ...»، قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام)

(«و به بنی اسرائیل در کتاب مقرر کردیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد... پس هنگامی که وعده اولین آن ها فرا رسید... ما بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را به سوی تومی فرستیم...»، قومی که خداوند، آنان را پیش از قیام قائم علیه السلام می فرستد.)

الکافی، کلینی، محمد، ج 8، ص 206.

3) در روایات، هویت مجازات کنندگان یهود، با سه مرتبه قسم جلاله امام معصوم، «ایرانیان شیعی» معرفی شده اند:

(رَوِیَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا. قَالَ: «کُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عَلَیهِ السَّلَامِ جَالِساً إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآیَةَ: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَیْکُمْ عِبَاداً لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّیَارِ وَ کَانَ وَعْداً مَفْعُولًا (آیه 5 سوره اسراء)»» فَقُلْنَا: «جُعِلْنَا فِدَاکَ، مَنْ هَؤُلَاءِ؟» فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «هُمْ وَ اللَّهِ أَهْلُ قُمَّ»)

(بعضی از اصحاب ما روایت کرده و می گویند: «حضور امام صادق علیه السلام نشسته بودیم، امام علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «و هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را بر ضدّ شما برانگیزم. به گونه ای که برای دست یابی به تبهکاران به جستجوی خانه به خانه بپردازند. و این وعده الهی)انتقام خدا) قطعی است.»» عرض کردیم: «فدایتان گردیم، این بندگان نیرومند و پرتوان کیانند؟» سه بار فرمود: «به خدا سوگند! آنان اهل قم هستند.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 60، ص 216.

حدیث جابر از امام باقر علیه السلام که به حدیث «تمهید مباشر» شهرت یافته:

(سَيُقْبِلُ مَارِقَةُ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَة)

(و نیز خروج کنندگانی از رومی ها (همپیمانان غربی یهودیان صهیونیست) در منطقه رمله (نزدیک بیت المقدس) در فلسطین نیروی نظامی پیاده می کنند.)

الغیبة، نعمانی، محمد، ص 280.

ص: 21

باب سوم

پس از شکست اسرائیل از ایران و نابودی دولت اسرائیل، غربی ها حامیان خود را در منطقه از دست می دهند. لذا برای ایجاد دولتی جدید که حامی آنان در منطقه باشد، در سرزمین شام انقلابی را پایه گذاری می کنند. این انقلاب که توسط سفیانی انجام می شود، حرکتی عبری، عربی و غربی، بر ضد شیعه و محور مقاومت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که به کشتار عظیم و بی سابقه ای علیه شیعیان منجر می شود.

سفیانی شکم زنان حامله را پاره می کند. هر کس را که نام حسن و حسین داشته باشد بر دروازه شهر به صلیب می کشد تا مقابل دیدگان همه مردم شهر قرار گیرد و هر کس را پیدا کند که نام او محمد، علی، حسن، حسین، فاطمه، جعفر، موسی، زینب، خدیجه و رقیه است، به قتل می رساند و بچه های کوچک آنان را جمع می کند و دستور می دهد تا روغن زیتون را به جوش آورند و آن ها را درون دیگ های روغن بیندازند.آن بچه های کوچک به او می گویند: «اگر پدران ما با تو مخالفت می کنند، گناه ما چیست؟»، او اعتنا نمی کند و آن ها را می جوشاند. سپس دستور می دهد تا در همه شهرها اعلام کنند که هر

کس سـر یک نفر از شـیعیان را برایم بیاورد، هزار درهم جایزه می گیرد. در این هنگام همسایه به همسایه خود رحم نمی کنـد و به شـیعیان حمله می برند و سر آنان را می برند و به نزد سفیانی می برند تا جایزه بگیرند.

احادیث باب سوم:

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای می فرماید:

(فَيُقْتَلُ بِالزَّوْرَاءِ سَبْعِينَ أَلْفاً وَ يَبْقُرُ بُطُونَ ثَلاَثِمِائَةِ اِمْرَأَةٍ حَامِلٍ وَ يَخْرُجُ الْجَيْشُ إِلَي كوُفَانكُمْ هَذِهِ فكَمْ مِنْ بَاكٍ و بَاكِيَةٍ فَيُقْتَلُ بِهَا خَلْقٌ كَثِيرُ... اَلسُّفْيَانِيِّ يَقْتُلُ كُلَّ مَنِ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ وَ فَاطِمَةُ وَ جَعْفَرٌ وَ مُوسَي وَ زَيْنَبُ وَ خَدِيجَةَ وَ رُقَيَّة بُغْضاً وَ حَنَقاً لآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ و سَلَّمَ ثُمَّ يُبْعَثُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ فَيُجْمَعُ لَهُ الْأَطْفَالُ وَ يُغْلِي لَهُمُ الزَّيْتَ فَيَقُولُ لَهُ الْأَطْفَالُ: «إِنْ كَانَ آبَاؤُنَا عَصَوْكَ نَحْنُ فَمَا ذَنْبُنَا؟» فَيَأْخُذُ كُلُّ مَنْ اِسمُهُ عَلِيٌ مَا ذَكَرْتُ فَيُغْلِيهِمْ فِي الزَّيْتِ... وَ يَصْلِبُ عَلِيٌّ بَابَهَا كُلُّ مَنِ اسْمُهُ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ)

(سفیانی در بغداد هفتاد هزار نفر را می کشد و شکم سیصد زن حامله را می شکافد و لشکر به سوی این کوفه ی شما بیرون می رود. چه بسیارند افرادی که گریه و زاری خواهند کرد و به خاطر آن بسیار کشته خواهند شد... سفیانی به خاطر بغض و کینه و عداوتی که با آل محمد صلی الله علیه و آله دارد هر کس را بیابد که نام او محمد، علی، حسن، حسین، فاطمه، جعفر، موسی، زینب، خدیجه و رقیه باشد به قتل می رساند تا جایی که افرادش را به شهرها می فرستد و بچه های کوچک و اطفال خردسال را پیش او جمع می کنند و او دستور می دهد تا روغن زیتون را به جوش آورند و آن بچه های کوچک به او می گویند: «اگر پدران ما با تو مخالفت می کنند، گناه ما چیست؟» او اعتنا نمی کند و هر کس که آننا م ها را داشته باشد، می جوشاند... و بر دروازه شهر، همه را به نام حسن و حسین به صلیب می کشد.)

الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، یزدی حائری، علی، ج 2، ص 164-163.

ص: 24

امام صادق علیه السلام در باره سفیانی می فرماید:

(فَنَادَی مُنَادِیهِ: «مَنْ جَاءَ بِرَأْسِ شِیعَةِ عَلِیٍّ فَلَهُ اَلْفُ دِرْهَمٍ»، فَیَثِبُ الْجَارُ عَلَی جَارِهِ، وَ یَقُولُ: «هَذَا مِنْهُمْ»، فَیَضْرِبُ عُنُقَهُ وَ یَأْخُذُ أَلْفَ دِرْهَمٍ)

(سپس منادی ندا می دهد: « هر کس سر یک تن از شیعیان را بیاورد، هزار درهم پاداش اوست»؛ و در این هنگام همسایه به همسایه حمله برده و می گوید: «این شخص از شیعیان است»، پس گردن او را می زند و هزار درهم جایزه می گیرد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 215.

ص: 25

باب چهارم

اما در سطح منطقه، دو انقلاب هوادار حضرت مهدی علیه السلام در ایران و یمن رخ خواهد داد که زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس می کنند و درگیر جنگی طولانی می شوند که سرانجام در آن پیروز می شوند. اما یاران یمنی وی، همزمان با خروج سفیانی، برای حمایت از شیعیان خروج می کنند. همچنین در سرزمین حجاز که نقطه آغاز قیام حضرت است، پیش از ظهور، خلاء سیاسی به وجود می آید به طوری که شاه نابخردی از خاندان فلان! که آخرین پادشاه حجاز است کشته می شود و بر سر جانشینی او اختلاف به وجود می آید؛ به گونه ای که این اختلاف تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه خواهد یافت.

احادیث باب چهارم:

امام صادق علیه السلام فرموده است:

ص: 26

(اِذَا رَاَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ فَاْتُوهَا وَ لَوْ حَبْواً عَلَى الثَّلْجِ، فَاِنَّ حَمَلَتَهَا يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيُقَاتِلُونَ وَ يَنْتَصِرُونَ فَيُعْطَوْنَ مَا سَاَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ. كَاَنِّي بِهِمْ وَ قَدْ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَي عَوَاتِقِهِمْ حَتَّي يَدْفَعُوا رَايَاتِهِم اِلَي الْقَائِمِ الْمَهدِيِّ،اَلَا اِنَّهُمْ اَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ يُوَطِّئُونَ لَهُ سُلْطَانَهُ! قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ! فَاِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودِ تَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَاَكْرِمُوا الْفُرْسَ فَاِنَّ دَولَتَنَا فِيهِمْ!)

(هنگامي كه پرچم هاي سياه از خراسان(ايران) به راه افتاد به سويش بشتابيد ولو با سينه خيز رفتن از روي برف ها باشد، همانا صاحبان آن پرچم ها طرفداران حق هستند ولى به آنها داده نمي شود، پس نبرد مي كنند و پيروز مي شوند، آنچه مي خواستند به آنها داده مي شود ولي آنها ديگر نمي پذيرند. گويي با چشم خود مي بينم كه شمشيرها را بر خود حمايل كرده اند و پيش مي تازند تا پرچم ها را به مهدي قائم عليه السلام تسليم نمايند، آگاه باشيد كه آنها ياران مهدي عليه السلام هستند و زمينه سلطنت جهاني او را فراهم مي سازند، دل هاي آنها چون قطعات آهن است. هنگامي كه پرچم هاي سياه را مشاهده كرديد كه از سوي مشرق به حركت در آمده است، فارسيان را گرامي بداريد كه دولت ما در ميان آنها مي باشد.)

يوم الخلاص في ظل القائم المهدي عليه السلام، كامل سليمان، ص 572.

امام محمدباقر علیه السلام در حدیثی فرموده است:

(تَنْزِلُ الرَّایَاتُ السُّودُ حَتَّی تَخْرُجَ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَی الْکُوفَةِ، فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ علیه السلام بَعَثَ إِلَیْهِ بِالْبَیْعَةِ)

(پرچم های سیاهی از خراسان(ایران) خروج می کنند تا آنکه در کوفه فرود می آیند، وقتی مهدی علیه السلام ظاهر گردید، برای بیعت گرفتن به سوی آن می فرستد.)

الغیبة، طوسي، محمد، ص 452.

حدیثی از امام صادق علیه السلام است:

(... وَ خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَیْدٌ بِالْیَمَنِ)

(... و (از نشانه های ظهور) قیام مردی از فرزندان عمویم زید در یمن است.)

فلاح السائل و نجاح المسائل، سید بن طاووس، علی، ص 171.

امام سجاد علیه السلام در حدیثی فرمود:

(إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَ أَمْرُ السُّفْیَانِيِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ، وَ لَایَکُونُ قَائِمٌ إِلاَّ بِسُفْیَانِي)

(قیام قائم علیه السلام از ناحیه ی خداوند قطعی است و خروج سفیانی نیز قطعی است. هرگز قیام قائم علیه السلام بدون سفیانی نخواهد بود.)

قرب الاسناد، حمیری، ابوعباس، ص 374.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

(«إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ الْفَرَجِ حَدَثاً يَكُونُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ» قُلْتُ: «وَ أَيِّ شَيْ ءٍ يَكُونُ الْحَدَثُ؟» فَقَالَ: «عَصَبِيَّةٌ تَكُونُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ، وَ يَقْتُلُ فُلَانٌ مِنْ وُلْدِ فُلَانٍ خَمْسَةَ عَشَرَ كَبْشاً»)

(«از جمله نشانه های فرج، حادثه ای است که بین حرم مکه و مدینه رخ می دهد» پرسیدم: «آن حادثه چیست؟» فرمود: «تعصّب قبیله ای بین دو حرم به وجود می آید و فلانی از خاندان فلان، پانزده رئیس قبیله را به قتل می رساند.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 211-210.

امام صادق علیه السلام فرمود:

(يَحُجُّ النَّاسُ مَعاً عَلَيَّ غَيْرَ اِمَامٍ وَ يَعْرِفُونَ مَعاً، فَبَيْنَاهُمْ فِي مِنَى اِذْ اَخَذَهُمْ مِثْلَ الْكَلْبِ فَسَارَتِ الْقَبَائِلُ بَعْضٌ هَا اِلَي بَعْضٌ فَاقْتَتَلُوا حَتَّي تَسِ يلُ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ دَماً (وَ يَفْهَمُ مِنَ النَّصِّ أَنَّ النَّاسَ

يَعِيشُونَ حَالَةَ التَّوَتُّرِ اِلَي حَدٌّ أَنَّهُمْ بِمُجَرَّدٍ أَنْ يَكْمُلُوا أَدَاءَ مَنَاسِكِهِمْ أَوْ قَبْلَ اِكْمَالِهَا يَشْتَبِكُونَ فِي مِنَي الْمُقَدَّسَةِ!))

(مردم با هم حـج می کننـد و وقوف در عرفات شان را هم با همدیگر و بدون امام انجام می دهند. هنگامی که در منا هسـتند، فتنه سـختی برمی خیزد و همه قبایل برهم می شورنـد. جمره عقبه از خون رنگین می شود. (از متن فهمیده می شود که مردم در حالت تنش به سـر می برند تا جایی که به محض اتمام مراسم خود یا قبل از کامل کردن مراسم در منای مقدس با هم می جنگند!))

الممهدون للمهدی علیه السلام، کورانی، علی، ص 61.

ص: 30

ظهور حضرت مهدی علیه السلام

باب پنجم

در این هنگام نشانه های ظهور حضـرت مهدی علیه السلام آشکار شده و بزرگترین نشانه ی آن، ندای آسمانی است که به نام او در 23 ماه رمضان شنیده می شود. در این ندا، جبرئیل، مردم را به سوی حضرت مهدی علیه السلام فرامی خواند. ندای جبرئیل طوری است که مردم تمام دنیا آن را می شـنوند و هرکس آن را به زبان خودش می شـنود و آن صـدا آنقـدر قوی است که از ترس آن، هر کس که خوابیـده است، بیدار می شود و می ایستد و هر کس که ایستاده است، روی زمین می نشیند و هر کس که نشسته است، بر می خیزد و می ایستد.

ص: 31

احادیث باب پنجم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

(إِنَّ الْقَائِمَ لاَ يَقُومُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ تَسْمَعُ الْفَتَاةُ فِي خِدْرِهَا، وَ يَسمَعُ أَهْلُ الْمَشرِقِ وَ الْمَغْرِبِ)

(همانا قائم علیه السلام قیام نمی کند، تا منادی از آسمان ندایی دهد که دختران در سراپرده و اهل مشرق و مغرب آن را بشنوند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 285.

در حدیثی از محمد بن مسلم (از شاگردان امام باقر و امام صادق8) آمده است:

(يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السلام ، فَيَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَلَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا قَامَ وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، وَ هُوَ صَوْتُ جَبْرَئِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ)

(منادی از آسمان قائم علیه السلام را به نام صدا می زند، به طوری که مردم ما بین مشرق و مغرب آن را می شنوند و از وحشت آن، هر کس که به خواب رفته، بیدار می شود و می ایستد و هر کس که ایستاده، روی

زمین می نشیند و هر کس که نشسته، بر می خیزد، و آن صدای جبرئیل امین است.)

الغیبة، طوسي، محمد، ص 454 ؛ بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 290 ؛ اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، حر عاملی، محمد، ج 5، ص 358.

ص: 33

باب ششم

پیروان حق و حقیقت و موحـدان عالم، با شـنیدن نـدای آسـمانی بسـیار شادمان می گردنـد و آگاه می شوند که منجی ادیان بعد از قرن ها انتظار می آید و در پرتو آن، حق و عدالت، همه جا را نورانی خواهد کرد. به همین دلیل، روح تازه ای با شنیدن آن در وجودشان دمیده می شود.

جهانیـان از خود می پرسـند مـاجرا چیست؟ اذهـان عمومی دنیا متوجه امر ظهور شـده و پرس وجو از منجی، خبر اول رسانه های عالم و شبکه های تلویزیونی می شود.

حدیث باب ششم:

امام علی علیه السلام در حدیثی فرمود:

(إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: «إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ»، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَ يَشْرَبُونَ حُبَّهُ، فَلَايَكُونُ لَهُم ذِكْرُ غَيْرُهُ)

ص: 34

(هرگاه آواز دهنـده ای از آسـمان آواز داد که: «همانا حق در میان خاندان محمّد صـلی الله علیه و آله است»، در آن هنگام نام مهدی علیه السلام بر سر زبان های مردم می افتد و از جام محبّت او می نوشند و جز نام او بر زبان ندارند.)

کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، متقی هندی، علاء الدین، ج 14، ص 588.

ص: 35

باب هفتم

اما در کمال تعجب، ناگهان ورق برمی گردد و دشـمنان جنگ رسانه ای علیه ندای آسـمانی راه می اندازند و اعلام می کنند: «این سـحر و جادوی شیعیان است و شیعیان می خواهند مردم را فریب دهند و این موضوع، اصالت و واقعیت خارجی ندارد و ندای جبرئیل نیست.»

در انتهای همان روز و یا روز بعد، ندایی نیز از سـمت شـیطان به گوش می رسد که می گوید: «من به خونخواهی عثمان بن عفوان (سومین خلیفه از خلفای اهل سـنت) برمی خیزم که به سـتم کشته شد» تا با این کار بتواند مردم را فریب دهد. این ندا ملکوتی نیست و تسلط بر راه های آسمان ندارد؛ بلکه مصنوعی و از قبل طراحی شده است. این ندای شیطان، از سمت زمین است و اصلاً آسمانی نیست.

احادیث باب هفتم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

(«فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَ ذَلَّتْ رَقَبَتُهُ لَهَا، فَيُؤْمِنُ أَهْلُ الْأَرْضِ إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ: «أَلَا إِنَّ الْحَقَّ

فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ شِيعَتِهِ.»»، قَالَ: «فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَدِ صَعِدَ إِبْلِيسُ فِي الْهَوَاءِ حَتَّى يَتَوَارَى عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ يُنَادِي: «أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عُثْمَانِ بْنِ عَفَّانَ وَ شِيعَتِهِ فَإِنَّهُقُتِلَ مَظْلُوماً فَاطْلُبُوا بِدَمِهِ.»»، قَالَ: «فَيُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ عَلَى الْحَقِّ وَ هُوَ النِّدَاءُ الْأَوَّلُ وَ يَرْتَابُ يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمَرَضُ وَ اللَّهِ عَدَاوَتُنَا فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَبَرَّءُونَ مِنَّا وَ يَتَنَاوَلُونَّا فَيَقُولُونَ: «إِنَّ الْمُنَادِيَ الْأَوَّلَ سِحْرٌ مِنْ سِحْرِ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ»»)

(«در آن روز هیچ کس در زمین باقی نمی ماند مگر آنکه خاضع و تسلیم حق می شود، پس اهل زمین با شنیدن صدای آسمانی که می گوید: «همانا حق با علی ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست» ایمان می آورند.» حضرت فرمود: «سپس در فردای آن روز شیطان به آسمان می رود تا از اهل زمین پنهان شود، سپس ندا می دهد که «حق با عثمان بن عفان و پیروانش است، او به ناحق کشته شد، به خونخواهی او برخیزید.»» حضرت فرمود: «پس کسانی که به ندای اول که بر حق است ایمان بیاورند، خداوند آن ها را ثابت قدم می سازد؛ و در آن روز آن ها که در دل هایشان بیماری است شک می کنند و به خدا سوگند بیماری دشمنی ماست، سپس ما را تکذیب

می کنند و به سوی ما روی می آورند و می گویند: « اولین ندا سحری است از اهل بیت.»»)

البرهان في تفسير القرآن، بحرانی، سید هاشم، ج 4، ص 167-166.

امـام صادق علیه السـلام به عماره الهمـدانی می گویـد:(أَبِي يَقُولُ هُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَـةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِـعِينَ.»، فَيُؤْمِنُ أَهْـلُ الْأَرْضِ جَمِيعاً لِلصَّوْتِ الْأَوَّلِ. فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَـدِ صَـعِدَ إِبْلِيسُ اللَّعِينُ حَتَّى يَتَوَارَى مِنَ الْأَرْضِ فِي جَوِّ السَّمَاءِ ثُمَّ يُنَادِي: «أَلَا إِنَّ عُثْمَانَ قُتِلَ مَظْلُوماً، فَاطْلُبُوا بِدَمِهِ» فَيَرْجِعُ مَنْ أَرَادَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ سُوءاً وَ يَقُولُونَ: «هَذَا سِحْرُ الشِّيعَةِ»)

(پدرم می گوید در کتاب خدا آمده است: «اگر بخواهیم نشانه ای از آسمان بر آنان نازل می کنیم و گردن هایشان تسلیم آن می شود(آیه 4 سوره شـعراء)»، پس همه اهل زمین به صدای اول (ندای آسـمانی) ایمان می آورند. سـپس فردای آن روز شـیطان ملعون عروج می کند تا زمانی که از زمین در جو آسمان ها غایب شود. سپس ندا می دهد: «عثمان مظلومانه کشته شد، به خونخواهی او برخیزید.»، سپس کسی

که خدای تعالی و جلّ جلاله بر او بدی می خواهد بازمی گردد و می گویند: «این سحر شیعیان است.»)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 262-261 ؛ البرهان في تفسير القرآن، بحرانی، سید هاشم، ج 4، ص 167.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

(صَوْتُ جَبْرَئِيلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ صَوْتُ إِبْلِيسَ مِنَ الْأَرْضِ،فَاتَّبِعُوا الصَّوْتَ الْأَوَّلَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْأَخِيرَ أَنْ تَفْتَتِنُوا بِهِ)

(نـدای جبرئیل، از آسـمان و نـدای ابلیس، از زمین است. پس از صـدای اول پیروی کنیـد و از آخرین آن برحـذر باشـید که مبادا وسوسـه شوید.)

کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، محمد، ج 2، ص 652.

روایتی از امام صادق علیه السلام :

(زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام : «عَجِبْتُ أَصَّ لَحَكَ اللَّهُ وَ إِنِّي لَأَعْجَبُ مِنَ الْقَائِمِ كَيْفَ يُقَاتِلُ مَعَ مَا يَرَوْنَ مِنَ الْعَجَائِبِ مِنْ خَسْفِ الْبَيْدَاءِ بِالْجَيْشِ وَ مِنَ النِّدَاءِ الَّذِي يَكُونُ مِنَ السَّمَاءِ؟»

فَقَالَ: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدَعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَوْمَ الْعَقَبَةِ»)

(زراره بن اعیان از امام صادق علیه السلام پرسید: «شگفت زده شده ام! خدا شما را رحمت کند، من در شگفتم که چگونه با امام زمان علیه السلام می جنگند با وجود شگفتی ها و معجزاتی که از فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین می بینند و ندای آسمانی که می شنوند؟!» حضرت فرمود: «شیطان آنان را رها نمی کند. همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز عقبه ندا می داد.»)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 265-264.

امام باقر علیه السلام در حدیثی می فرماید:

(فَإِذَا سَمِعْتُمُ الصَّوْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشُكُّوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرَئِيلَ وَ عَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْعَذْرَاءُ فِي خِدْرِهَا فَتُحَرِّضُ أَبَاهَا وَ أَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ ... وَ الصَّوْتِ الثَّانِي مِنَ الْأَرْضِ وَ هُوَ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي بِاسْمِ فُلَانٍ أَنَّهُ قُتِلَ مَظْلُوماً يُرِيدُ بِذَلِكَ الْفِتْنَةَ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتَ الْأَوَّلَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْأَخِيرَ أَنْ تُفْتَنُوا بِهِ)

ص: 40

(پس چون ندا]ی اوّل[را در ماه رمضان شـنیدید، شک نکنید که آن، ندای جبرئیل است و نشانه آن هم این است که نام قائم علیه السـلام و نام پـدرش را نـدا می دهـد، به گونه ای که دخترِ در کنـج خانه هم آن را می شـنود و پدر و برادرش را به بیرون رفتن (و همراهی با قائم علیه السـلام) تحریک و تشویق می کنـد... و نـدای دوم، از زمین به گوش می رسـد و ندای ابلیسِ لعنت شده است و به نام فلان کس و این که مظلومانه کشـته شـده است، ندا می دهد و با این کار، قصد فتنه انگیزی دارد. پس ندای اوّل را اطاعت کنید و از ندای دوم بپرهیزید تا فریب نخورید.)

الغیبة،نعمانی، محمد، ص 254-253.

ص: 41

باب هشتم

پس از این نـدای آسـمانی، حضـرت مهدی علیه السـلام به طور سـرّی با برخی از یاران و هواداران خود در مدینه ارتباط برقرار می کند که شخص یمانی یکی از آن ها است.

حدیث و آیات باب هشتم:

نکته قرانی و حدیث:

1) در قرآن می خوانیم: «هر جا باشید، خداوند همه ی شما را حاضر می کند»:

(وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

(هر کسـی را راهی است به سوی حق که بدان راه یابد، پس بشـتابید به خیرات که هر کجا باشـید همه شما را خداوند خواهد آورد و محققاً خدا بر همه چیز تواناست.)

سوره بقره، آیه 148

2) همچنین در قرآن است:

(وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ ...)

(اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا امت معدود به تعویق اندازیم ...)

سوره هود، آیه 8

3) در تفسیر این آیات، امام باقر علیه السلام فرمود:

(یَعنِی أَصْحَابَ الْقَائِمِ عَلَیهِ السَّلَام، اَلثَّلَاثَ مِأَةَ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلاً، وَ للَّهِ هُمُ الْأُمَّةُ الْمَعدُودَةُ. یَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهِ فِی سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قُزَعٌ کَقُزَعِ الْخَرِیفِ)

((در آیه 148 سوره بقره) منظور، یاران قائم علیه السلام هستند که 313 نفرند، به خدا سوگند! منظور از امّت معدوده (در آیه 8 سوره هود) آن ها هستند. به خدا سوگند! در یک ساعت همگی جمع می شوند، همچون پاره های ابر پاییزی که بر اثر باد، جمع و متراکم می شوند.)

تفسیرنور الثقلین، عروسی حویزی، عبد علی، ج 1، ص 140-139 ؛ اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، حر عاملی، محمد، ج 5، ص 64 ؛ بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 288.

باب نهم

بعد از آنکه یاران امام به ایشان پیوستند، امام مهدی علیه السلام که قصد دارد قیام و انقلاب خود را از مکه آغاز کند، خطاب به یارانش می گوید: «اهل مکه ما را دوست ندارند. ولی من باید با آن ها صحبت و مباحثه کنم؛ چون فرستاده شده ام تا با مخالفان صحبت کنم و آن ها را هدایت نمایم.»

حضرت یکی از یاران خود که نام مستعار آن «نفس زکیه» است را فرامی خواند و به او می گوید به مکه برو و به مردم آنجا بگو: «ای اهل مکه، من فرستاده مهدی علیه السلام به سوی شما هستم و او به شما می گوید: ما اهل بیت، رحمت و منشأ رسالت و خلافت هستیم و از آل محمد صلی الله علیه و آله و از نسل پیامبران هستیم. خلافت از آن ماست و ما از زمان رحلت پیامبرمان تا به امروز مورد ظلم و آزار و اذیت و ستم قرار گرفته ایم و حق ما از ما گرفته شده است. از شما یاری می جوییم تا از ما حمایت کنید»

نفس زکیه به مکه می رود و پیام حضرت مهدی علیه السلام را به ایشان ابلاغ می کند. مردم مکه با شنیدن این پیام از امام عصر علیه السلام حمایت نمی کنند

و ایشان را نیز به شهر خود دعوت نمی کنند؛ بلکه نفس زکیه را بین رکن و مقام می کشند و سرش را از بدنش جدا می کنند.

وقتی این خبر به گوش امام می رسد، به یارانش می گوید: «آیا به شما نگفتم که اهل مکه ما را نمی خواهند؟»

این هشدار امام، تذکری است برای یاران ایشان که ناامن بودن مکه را گوشـزد می کند. چون اصـلی ترین وظیفه یاران حضرت مهدی علیه السلام حفظ جان ایشان است تا قیام امام بتواند به سرانجام برسد.

احادیث باب نهم:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

(إِنَّ الْمَهْدِيَّ لاَ يَخْرُجُ حَتَّى تُقْتَلُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ)

(مهدی علیه السلام ظهور نمی کند تا اینکه نفس زکیه کشته شود.)

يوم الخلاص في ظل القائم المهدي عليه السلام، كامل سليمان، ص 575.

ص: 45

در حدیث از امام محمد باقر علیه السلام است:

(يَقُولُ الْقَائِمُ علیه السلام لِأَصْحَابِهِ: «يَاقَوْمُ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي، وَلَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِي أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ» فَيَدْعُو رَجُلاً مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ: «اِمْضِ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ: «يَا أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ فُلَانٍ إِلَيْكُمْ وَ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ: «إِنَّا أَهْلُ بَيتِ الرَّحْمَةِ، وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سُلَالَةُ النَّبِيِّينَ، وَ إِنَّا قَدْ ظُلِمْنَا وَ اضْطَهَدْنَا، وَ قَهَرَنَا وَ ابْتُزَّ مِنَّا حَقَّنَا مُنْذُ قُبِضَ نَبِيُّنَا إِلَى يَومِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْفَانْصُرُونَا.»»»»، فَإِذَا تَكَلَّمَ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتَوْا إِلَيْهِ فَذَبَحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَ هِيَ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ، فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ الْإِمَامَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: «أَلَا أَخْبَرْتُكُم أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنَا؟»، فَلَا يَدَعُونَهُ)

(امام مهدی علیه السلام خطاب به یارانش می گوید: «ای قوم من، اهل مکه مرا نمی خواهند. اما من نزد آن ها فرستاده شده ام تا با آن ها بحث و گفتگو کنم؛ همان طور که یکی مثل من باید با آن ها مباحثه کند.» پس مردی از اصحاب خود را فرامی خواند و به او می گوید: «نزد اهل مکه برو و بگو: «ای اهل مکه، من فرستاده مهدی به سوی شما هستم و او به شما می گوید: «ما اهل بیت، رحمت و منشأ رسالت و خلافت هستیم و از آل محمد صلی الله علیه و آله و از نسل پیامبران هستیم. ما از زمان

رحلت پیامبرمان تا به امروز مورد ظلم و آزار و اذیت و ستم قرار گرفته ایم و حق ما از ما گرفته شده است. از شما یاری می جوییم، پس از ما حمایت کنید.»»» هنگامی که این جوان این سخنان را می گوید نزد او می آیند و او را بین رکن و مقام ذبح می کنند که آن شخص نفس زکیه است. وقتی این خبر به امام برسد، به یارانش می گوید: «آیا به شما نگفتم که اهل مکه ما را نمی خواهند؟» پس اهل مکه حضرت را به مکه دعوت نمی کنند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 307.

ص: 47

باب دهم

دشـمنان امام زمان علیه السـلام از ظهور آن حضـرت سـخت بیمناک می شونـد. از این رو برای دست یافتن به او، به تلاش و کوشـش می پردازند. در میان مردم شایع می شود که آن حضرت در مدینه منوره اقامت گزیده و حکومت حجاز یا نیروهای خارجی برای کنترل اوضاع داخلی حجاز، و پایان دادن به کشـمکش قبائل با حکومت وقت، لشـکریان سـفیانی را از سوریه به یاری می طلبند. سـفیانی نیز سـپاهی به مدینه می فرستد. سپاه سفیانی وارد مدینه می شوند و خانه به خانه به دنبال امام زمان علیه السلام می گردند و همه افراد سید و فرزندان اهل بیت علیهم السلام را دستگیر می کنند و به دلیل آنکه حضرت مهدی علیه السلام از قبیله بنی هاشم است، هرکسی را که از قبیله بنی هاشم باشد، چه زن و چه مرد، همه را می کشند.

در این شرایط سخت، حضرت مهدی علیه السلام برای حفظ جان خود و یارانش، به همراه یمانی به سمت مکه می گریزند. یمانی به یاران خود پیام می فرسـتد که خود را برای یاری به حضـرت مهدی علیه السـلام به مکه برسانند. یاران و لشکریان یمانی نیز از مرزهای عربستان عبور می کنند و در مکه خود را به حضرت مهدی علیه السلام می رسانند و بین رکن و مقام با ایشان بیعت می کنند.

ص: 48

سفیانی که متوجه حرکت حضرت و یارانش به سمت مکه می شود، سپاهی را به تعقیب آنان می فرستد. زمانی که لشکریان سفیانی به منطقه ای به نام بیداء (سرزمینی بیابانی و خالی از آب و گیاه، میان مکه و مدینه) می رسند، طبق وعده ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده بود، معجزه «خسف بیداء» که جزو علائم حتمی است، رخ می دهد و خداوند سپاهیان سفیانی را در زمین فرو می برد.

بنابر برخی روایات، سه نفر و بنابر برخی دیگر از روایات دو نفر از لشکر سفیانی پس از این حادثه زنده می مانند. یکی به سوی امام زمان علیه السلام می رود و در مکه خبر نابودی لشکریان سفیانی را به او می دهد و توبه می کند و جزو یاران حضرت مهدی علیه السلام می شود و دیگری به سوی سفیانی می رود تا خبر از بین رفتن لشکر را به او برساند.

احادیث باب دهم:

در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

(يُبْعَثُ بِجَيْشٍ إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْخُذُونَ مَنْ قَدَرُوا عَلَيْهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمْ وَ يَقْتُلُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ رِجَالٌ وَ نِسَاءٌ،

فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْرُبُ الْمَهْدِيُّ وَ الْمَبِيضُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ، فَيَبْعَثُ فِي طَلَبِهِمَا وَ قَدْ لَحِقَا بِحَرَمِ اللَّهِ وَ أَمْنِهِ)

((سفیانی) لشکری را به مدینه می فرستد. پس هر کس از آل محمد صلی الله علیه و آله را که توانستند، می گیرند و مردان و زنان از بنی هاشم کشته می شوند. در آن هنگام، مهدی علیه السلام و سپیدرو (یمانی) از مدینه به مکه می گریزند. سپس (سفیانی لشکری را) به دنبال آن ها می فرستد؛ در حالی که آن ها به حرم امن خدا رسیده اند.)

الفتن، مروزي، نعيم، ج 1، ص 323.

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

(وَ أَهْلُ الْيَمَنِ حَتَّى يأْتُونَهُ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ)

(اهالی یمن به سوی حضرت مهدی علیه السلام می شتابند و بین رکن و مقام در مکه و کنار خانه خدا، با ایشان، بیعت می کنند.)

التشريف بالمنن في التعريف بالفتن، سيد بن طاووس، علی، ص 281.

امام باقر علیه السلام فرمود:

(فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: «يَا بَيْدَاءُ أَبِيدِي الْقَوْمَ»، فَيَخْسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةُ نَفَرٍ...)

(زمانی که سپاه سفیانی به سرزمین بیداء برای استراحت توقف می کنند، یک منادی از آسمان ندا می دهد: «ای بیداء! این طایفه را فرو ببر.»، پس زمین تمام آن ها را فرو می برد و هیچ کس از آن ها باقی نمی ماند مگر سه نفر...)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 280.

ص: 51

آغاز قیام و نهضت حضرت مهدی علیه السلام

باب یازدهم

زمانی که حضـرت به مکه رسـید، به همراه سـیصد و سـیزده نفر از یاران خود از جنوب مسـجدالحرام وارد می شود و در کنار مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می خواند. سـپس به سـنگ حجرالاسود تکیه می دهد و نخستین سخنرانی خود را ایراد می فرماید و سخنی می گوید که هرگز کسی چنین سخنی نگفته است. حضرت مهدی علیه السلام در حالی که سیصد و سیزده نفر دور او حلقه زده اند، اولین جمله خود را می گوید که این آیه است: «بقیه الله خیرٌ لکم ان کنتم مؤمنین (باقیمانده حجت خدا برای شـما بهتر است البته اگر مؤمن باشـید)»، سـپس می فرماید: «منم بقیه الله، منم باقی مانده خدا در زمین و جانشین او، و حجت او بر شما هستم.»

سپس بین رکن و مقام می ایستد و پنج ندا سر می دهد؛ به طوری که همه جهانیان می شنوند:

– آگاه باشيد اي جهانيان كه منم امام قائم؛

– آگاه باشيد اي اهل عالم كه منم شمشير انتقام گيرنده؛

– آگاه باشيد اي اهل عالم كه جد من حسين عليه السلام را تشنه كام كشتند؛– آگاه باشيد اي اهل عالم كه جد من حسين عليه السلام را عريان روي خاك افكندند؛

– آگاه باشيد اي جهانيان كه جد من حسين عليه السلام را از روي كينه توزي پايمال كردند.

در این هنگام حدود پنجاه نفر از مردم کوفه به همراه تعدادی افراد ناشناس که اغلب همدیگر را نمی شناسند و به مکه آمده اند، به سوی حضرت مهدی علیه السلام هجوم می برند و سعی می کنند آن حضرت را ترور کنند؛ ولی سیصد و سیزده نفر از یاران حضرت با در میان گرفتن ایشان، دشمنان را دور و متفرق می سازند.

ص: 53

احادیث باب یازدهم:

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

(... حَتَّي يَخْرُجُ فَيَهْبِطُ مِنْ عَقَبَةِ طُوًى فِي ثَلَاثِ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلاً عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَسْجِدَالْحَرَامَ، فَيُصَلِّي فِيهِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، وَ يُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ الْاَسْوَدِ، ثُمَّ يُحْمِدُاللَّهِ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ، وَ يَذْكُرُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله وَ يُصَلِّي عَلَيْهِ وَ يَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ لَمْ يَتَكَلَّمْ بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ)

(... او (مهدی علیه السلام) با سیصد و سیزده مرد که به تعداد جنگجویان بدر هستند، از عقبه ذی طوی (مکانی در محدوده حرم، در جنوب مسجد الحرام) فرود می آید، داخل مسجد الحرام می شود و در جنب مقام ابراهیم، چهار رکعت نماز می خواند و به حجرالاسود تکیه می دهد. پس حمد و ثنای الهی می کند، بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله درود می فرستد و به نحوی سخن می گوید که هیچ کس بدان گونه سخن نگفته باشد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 307.

امام باقر علیه السلام فرمود:

(فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا، فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الآيَةُ: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، ثُمَّ يَقُولُ: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ»)

(در این هنگام قائم علیه السلام ما خروج می کند، در زمان خروج پشتش را به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده نفر گرد او جمع می شوند. و اولین جمله ای که ایشان (مهدی علیه السلام) با آن کلام خود را آغاز می کند این آیه است: «بقیه الله خیرٌ لکن ان کنتم مؤمنین(باقیمانده حجت خدا برای شما بهتر است البته اگر مؤمن باشید)»؛ سپس بگوید: «منم باقی مانده خدا در زمین و جانشین او و حجت او بر شما هستم.»)

کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، محمد، ج 1، ص 331.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

(إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ علیه السلام قَامَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ يُنَادِي بِنِدَاءَاتٍ خَمْسَةٍ: «اَلْأَوَّلُ: أَلاَ يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ، اَلثَّانِيُ: أَلاَ يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الصَّمْصَامُ الْمُنْتَقِمُ، اَلثَّالِثُ: أَلاَ يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّيَ الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَان، اَلرَّابِعُ: أَلاَ يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّيَ

الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ طَرَحُوهُ عُرْيَاناً، اَلْخَامِسُ: أَلاَ يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّيَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ سَحَقُوهُ عُدْوَاناً»)

(هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند، می ایستد میان رکن و مقام و پنج ندا می دهد: «اول: آگاه باشید اي جهانیان که منم امام قائم؛ دوم: آگاه باشید اي اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده؛ سوم: آگاه باشید اي اهل عالم که جد من حسین علیه السلام را تشنه کام کشتند؛ چهارم: آگاه باشید اي اهل عالم که جد من حسین علیه السلام را عریان روي خاك افکندند؛ پنجم: آگاه باشید اي جهانیان که جد من حسین علیه السلام را از روي کینه توزي پایمال کردند.»)

الزام الناصب في اثبات الحجة الغائب، یزدی حائری، علی، ج 2، ص 233.

حدیث امام سجاد علیه السلام :

(... فَيَقُومُونَ إِلَيْهِ لِيَقْتُلُوهُ، فَيَقُومُ ثَلاَ ثُ مِائَةٍ وَ يُنِيفُ عَلَى الثَّلاَ ثِ مِائَةٍ فَيَمْنَعُونَهُ، مِنْهُ خَمْسُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، وَ سَائِرُهُمْ مِنْ أَفْنَاءِ النَّاسِ لاَ يَعْرِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً اِجْتَمَعُوا عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ)

(... پس هجوم می آورند که او را بکشند، ولی سیصد و سیزده نفر از جا برمی خیزند و آن ها را از گرداگرد او عقب می رانند. (افراد مهاجم) پنجاه نفر آن ها از مردم کوفه هستند و سایر آن ها مردم

ناشناسی هستند که اغلب یکدیگر را نمی شناسند و آن ها بدون قرار قبلی در مکه جمع می شوند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 306.

ص: 57

باب دوازدهم

حضرت مهدی علیه السلام به سخنرانی خود ادامه می دهد و می فرماید:

«ای مردم! من از خانواده محمد صلی الله علیه و آله پیغمبرتان هستم. ما از هر کس به خداوند و محمد صلی الله علیه و آله نزدیک تریم. هر کس می خواهد درباره آدم علیه السلام با من گفتگو کند، بداند که من از هر کس به آدم علیه السلام نزدیک ترم. هر کس می خواهد در خصوص نوح علیه السلام با من سخن بگوید، بداند که من از هر کس به نوح علیه السلام نزدیک ترم. هر کس می خواهد درباره ابراهیم علیه السلام با من گفتگو کند، بداند من نزدیک ترین مردم به ابراهیم علیه السلام هستم. هر کس می خواهد درباره محمد صلی الله علیه و آله با من گفتگو کند، بداند که من از هر کس به محمد صلی الله علیه و آله نزدیک ترم. و هر کس که می خواهد با من درباره پیغمبران گفتگو کند، بداند که من از هر کس به پیغمبران نزدیک ترم. مگر خداوند در کتاب محکم خود نفرموده است: «انّ الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین * ذریه بعضها من بعض و الله سمیع علیم، (به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. فرزندانی که بعضی از آنان از نسل بعضی دیگرند و

خداوند شـنوای داناست. آل عمران/33-34)»، بدانیـد که من بازمانـده آدم علیه السـلام و ذخیره نوح علیه السـلام و برگزیده ابراهیم علیه السلام و منتخب محمد صلی الله علیه و آله هستم. آگاه باشید که هر کس بخواهد درباره قرآن با من سخن بگوید، بداند که من از هر کس به کتاب خدا آشـناترم. آگاه باشـید که هر کسـبخواهد درباره سـنت پیغمبر صـلی الله علیه و آله با من گفتگو کند، من از هر کس به سـنت پیغمبر صـلی الله علیه و آله آشـناترم. شـما را به خدا سوگند می دهم که هر کس سخن مرا شنید، حاضران به غایبان برسانند. من شما را به حق خدا و رسول و خودم که از دودمان رسول خدا هسـتم، قسم می دهم که ما را یاری کرده و سـتمگران را از ما دور کنید. زیرا بر ما سـتم کرده و ما و فرزندان مان را از خانه هایمان آواره کردند. به ما تعدی کردند و از رسیدن به حق خود بازداشتند. پس خدا را به نظر بیاورید و به ما آزار نرسانید؛ بلکه یاری کنید تا خدا هم شما را یاری کند.»

حدیث باب دوازدهم:

حدیث امام محمد باقر علیه السلام :

ص: 59

(وَ الْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ، وَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ، مُسْتَجِيراً بِهِ يُنَادِي: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللّهُ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ، وَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله . فَمَنْ حَاجَّنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ، وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ، وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي النَّبِيِّينَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، أَلَيْسَ اللَّهَيَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ عِمرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ، وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ، وَ مُصْطَفًى مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، أَلَا وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ، أَلَا وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ، فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَنْشُدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَّغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمُ الْغَائِبَ. وَ أَسْأَلُكُم بِحَقِّ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ بِحَقِّي- فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ- إِلَّا أَعَنْتُمُونَا، وَ مَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا، فَقَدِ اخْفِنَا وَ ظُلِمْنَا وَ طُرِدْنَا مِنْ دِيَارِنَا و أَبْنَائِنَا وَ بُغِيَ عَلَيْنَا، دُفِعنَا

عَنْ حَقِّنَا فَأَوْتَرَ أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا. فَاللّهَ اللّهَ فِينَا لاَ تَخْذُلُونَا وَانْصُرُونَا يَنْصُرْكُمُ اللّهُ»)

(در آن روز قائم علیه السلام در مکه است. او در آنجا به خانه خدا تکیه می دهد و در حالی که به آن پناه برده است، می گوید: «ای مردم! ما از خداوند و هر کس که دعوت ما را بپذیرد، یاری می کنیم. من از خانواده محمد صلی الله علیه و آله پیغمبرتان هستم. ما از هر کس به خداوند و محمد صلی الله علیه و آله نزدیک تریم. هر کس می خواهد درباره آدم علیه السلام با من گفتگو کند، بداند که من از هر کس به آدم علیه السلام نزدیک ترم. هر کس می خواهد در خصوص نوح علیه السلام با من سخن بگوید، بداند که من از هر کس به نوح علیه السلام نزدیک ترم. هر کس می خواهد دربارهابراهیم علیه السلام با من گفتگو کند، بداند من نزدیک ترین مردم به ابراهیم علیه السلام هستم. هر کس می خواهد درباره محمد صلی الله علیه و آله با من گفتگو کند، بداند که من از هر کس به محمد صلی الله علیه و آله نزدیک ترم. و هر کس که می خواهد با من درباره پیغمبران گفتگو کند، بداند که من از هر کس به پیغمبران نزدیک ترم. مگر خداوند در کتاب محکم خود نفرموده است: «انّ الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین * ذریه بعضها من بعض و الله سمیع علیم، (به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم

جهان برتری داده است. فرزندانی که بعضی از آنان از نسل بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست. آل عمران/33-34)»، بدانید که من بازمانده آدم علیه السلام و ذخیره نوح علیه السلام و برگزیده ابراهیم علیه السلام و منتخب محمد صلی الله علیه و آله هستم. آگاه باشید که هر کس بخواهد درباره کتاب خدا (قرآن) با من سخن بگوید، بداند که من از هر کس به کتاب خدا آشناترم. آگاه باشید که هر کس بخواهد درباره سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله با من گفتگو کند، من از هر کس به سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله آشناترم. شما را به خدا سوگند می دهم که هر کس سخن مرا شنید، حاضران به غایبان برسانند. من شما را به حق خدا و رسول و خودم که از دودمان رسول خدا هستم، قسم می دهم که ما را یاری کرده و ستمگران را از ما دور کنید، زیرا بر ما ستم کرده و ما و فرزندان مان را از خانه هامان آواره کردند. به ما تعدی کردند و از رسیدن به حق خود بازداشتند. پس خدا را به نظر بیاورید و به ما آزار نرسانید؛ بلکه یاری کنید تا خدا هم شما را یاری کند.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 239-238.

باب سیزدهم

پس از پایان سخنرانی، علاوه بر سیصد و سیزده نفر، تعداد کمی از افراد دیگر نیز با حضرت بیعت می کنند. عده ای هم برای بحث و احتجاج نزد حضرت مهدی علیه السلام می روند و با ایشان گفتگو می کنند که حضرت با مهربانی و عطوفت به ایشان پاسخ می دهد. سپس حضرت به همراه یاران خود نخست بر مسجدالحرام و سپس بر مکه تسلط می یابند.

حضرت بعد از قیام علنی و اعلام آغاز «خروج»، برای اقامه حکومت جهانی اسلامی، منتظر می ماند که تعداد یاران و حلقه دوم اصحاب، به ده هزار نفر برسد تا بتواند «خروج» خویش را از مکه برای فتح جهان آغاز کند و در این مدت در مکه برای هدایت مردم سخنرانی ها می کند و مباحثه ها انجام می دهد.

احادیث باب سیزدهم :

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

ص: 63

(... «وَ يُبَايِعُهُ الثَّلَاثُ مِائَةِ وَ قَلِيلٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ، ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَكُونَ فِي مِثْلِ الْحَلْقَةِ» قُلْتُ: «وَ مَا الْحَلَقَةُ؟» قَالَ: «عَشَرَةُ آلَافِ رَجُلٍ»)

(... «سپس آن سیصد نفر و عده کمی از اهل مکه با او (مهدی علیه السلام) بیعت می کنند. سپس از مکه بیرون نمی رود مگر آنکهدر میان تعدادی به اندازه حلقه باشد.» راوی سؤال می کند: «حلقه چیست؟» حضرت فرمود: «ده هزار نفر.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 307.

روایتی از امام صادق علیه السلام :

(... و قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ بِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلاً، فَيُبَايِعُوهُ، وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّي يُتِمُّ أَصْحَابِهِ عَشْرُ آلَافِ نَفْسٍ، ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَيَّ الْمَدِينَةُ)

(... سیصد و سیزده نفر به حضورش می رسند و بیعت می کنند. او در مکه می ماند تا آنکه شمار یارانش به ده هزار نفر برسد، سپس از آنجا به مدینه می رود.)

الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد، ج 2، ص 383-382.

باب چهاردهم

بسیاری از مردم به دلیل وجود تعداد زیادی از مدعیان دروغینِ قیام حضرت در قبل از ظهور و همچنین بعد از شنیدن ندای شیطان، تا آن زمان به راستین بودن حضرت مهدی علیه السلام و قیامش یقین نمی کنند، تا آنکه با دیدن حادثه فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین که معجزه بسیار بزرگی است و آشکارا و به صراحت بر حقانیت حرکت امام و عادلانه بودن دعوتش تأکید می کند، به حضرت ایمانمی آورند. لذا گروهی از مؤمنان شام و جماعتی از عراق به سوی مکه می روند و بین رکن و مقام با حضرت بیعت می کنند. این معجزه نتایجی را نیز به دنبال دارد که مهمترین آن ها، ورود بدون تنش و درگیري امام علیه السلام به عراق است و حتی این اتفاق، بر خودِ سفیانی نیز تأثیر می گذارد و حسن نیت و عطوفت او را نسبت به امام علیه السلام برمی انگیزد و می گوید: «به خدا سوگند خداوند این مرد (امام مهدی علیه السلام) را مایه عبرت من قرار داده است. چون من لشکري انبوه و مقتدر و مجهز را به سوي او فرستادم؛ اما در زمین فرو رفتند. این مایه عبرت و بصیرت است.»

ص: 65

احادیث باب چهاردهم:

ام سلمه، همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

(وَ يُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ مِنَ الشَّامِ، فَيُخْسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ، فَإِذَا رَأَى النَّاسُ ذَلِكَ أَتَاهُ أَبْدَالُ الشَّامِ، وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَيُبَايِعُونَهُ)

(و نیرویی نظامی از شام به سوي او گسیل می شود اما در منطقه بیداء که بین مکه و مدینه است در زمین فرو می روند. وقتی مردم این حادثه را ببینند، گروهی از مؤمنان واقعی شام و جماعتی از اهل عراق به سوي او می روند و با او بیعت می کنند.)

مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، قاری، ملا علی، ج 8، ص 3440.

از امام محمّد باقر علیه السلام نقل شده :

(فَيَقُولُ الَّذِي بَعَثَ الْجَيْشَ حِينَ يَبْلُغُهُ الْخَبَرُ بِإِيلِيَاء: «لَعَمْرُ اللَّهِ لَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ فِي هَذَا الرَّجُلِ عِبْرَةً. بَعَثْتُ إِلَيْهِ مَا بَعَثْتُ، فَسَاخُوا فِي الْأَرْضِ، إِنَّ هَذَا لَعِبْرَةً وَ بَصِيرَةً»)

(آن که لشکر را گسیل داشته (سفیانی) وقتی از فرو رفتن آن ها در زمین با خبر می شود، می گوید: «به خدا سوگند خداوند این مرد (امام

مهـدي عليه السـلام) را مـايه عبرت قرار داده چون من لشـكري انبوه و تـا دنـدان مسـلح را به سوي او فرسـتادم امـا زمين در كام خود فرو بردشان.»)

الفتن، مروزی، نعیم، ج 1، ص 347.

ص: 67

باب پانزدهم

وقتی تعداد یاران حضـرت از ده هزار نفر فراتر رفت، حضرت یک سپاه به سوی شهر مدینه روانه می کند و خود با سپاهش از مکه به سمت عراق می رود.

وقتی حضرت قائم علیه السلام می خواهد به سمت عراق برود، منادیش فریاد می زند که کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود برندارد.

با شنیدن این صدا، بعضی از یاران امام که ایمانشان ضعیف تر است، با خود می گویند: «این چه دستوری است؟ نکند می خواهد ما را از تشنگی و گرسنگی هلاک کند؟!»

امام که سـنگ حضـرت موسی علیه السلام به وزن یک بار شتر همراهش است، به همراه یارانش در هر منزلی که فرود می آیند، چشمه آبی از آن سـنگ می جوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب می کند و همان سنگ توشه آن هاست تا هنگامی که در نجف به پشت کوفه فرود می آیند و بدین سان به نزدیکی لشکریان سفیانی می رسند.

ایرانیان نیز با پرچم های سیاه به سمت کوفه حرکت کرده و با رساندن خود به حضرت، با ایشان بیعت می کنند.

احادیث باب پانزدهم:

امام صادق علیه السلام می فرماید:(فَيَظْهَرُ عِنْدَ ذَلِکَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَيُبَايِعُهُ النَّاسُ ... وَ يُقْبِلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَ يَبْعَثُ جَيْشاً إِلَى الْمَدِينَةِ)

(در این هنگام امام علیه السلام ظهور می کند و مردم با او بیعت می کنند... او یک سپاه به سوی شهر مدینه روانه می کند و خود با سپاهش به سمت عراق می رود.)

الکافی، کلینی، محمد، ج 8، ص 225.

امام باقر علیه السلام فرمود:

(إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادِيهِ: «أَلَا لَا يَحْمِلْ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَاماً وَ لَا شَرَاباً»، وَ يَحْمِلُ حَجَرَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ وِقْرُ بَعِيرٍ فَلَا يَنْزِلُ مَنْزِلًا إِلَّا انْبَعَثَ عَيْنٌ مِنْهُ فَمَنْ كَانَ جَائِعاً شَبِعَ وَ مَنْ كَانَ ظَامِئاً رَوِيَ فَهُوَ زَادُهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجَفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ)

(چون حضـرت قائم علیه السـلام در مکّه قیام کند و قصد رفتن به سـمت کوفه را دارد، منادی اش فریاد کشد: «کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود برندارد»، و سـنگ حضـرت موسـی علیه السـلام که به وزن یک بار شتر است با آن حضـرت است. در هر منزلی که فرود آیند، چشـمه آبی از آن سـنگ بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند و همان سنگ توشه آن هاست تا هنگامی که در نجف به پشت کوفه فرود آیند.)

الکافی، کلینی، محمد، ج 1، ص 231.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

(تَنْزِلُ الرَّایَاتِ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بَعَثَ إِلَيهِ بِالْبَيعَةِ)

(بیرق هاي سیاهي که از خراسان خروج مي کنـد، به کوفه نازل خواهنـد شـد. پس چون مهـدي علیه السـلام ظاهر شـد، آنان با او بیعت خواهند نمود.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 217.

از بیعت تا شکست سفیانی

باب شانزدهم

سفیانی که خبر فرو رفتن لشکرش در زمین را می شنود، تحت تأثیر این معجزه قرار می گیرد. ولی همچنان حبّ قدرت مانع بیعت و تسلیم او به حضرت مهدی علیه السلام می شود.

امام مهدی علیه السلام یکی از نمایندگان خود را به سوی سفیانی در کوفه می فرستد و برای اینکه حجت بر آن لشکریان تمام شود تلاش می کند که با آنان گفت و گو کند تا شاید برخی از آن ها هدایت شوند. به همین دلیل سفیانی را دعوت به مذاکره می کند؛ ولی سفیانی نمی پذیرد. ولی اهل شام که معجزه فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء آن ها را تحت تأثیر قرار داده است سفیانی را تحت فشار قرار می دهند که با حضرت بیعت کند و از ایشان پیروی کند؛ در غیر این صورت او را خواهند کشت. سرانجام سفیانی در برابر این فشارها تسلیم می شود و

عده ای را به نمایندگی از خود، برای بیعت به سوی حضرت مهدی علیه السلام می فرستد.

وقتی این افراد نزد امام زمان علیه السلام می رسند، حضرت آنان را دعوت به حق می کند و آن ها را قسم می دهد که حقیقت اصلی مظلوم است و تحریف شده است و هرکس می خواهد با من درباره خدا و دین گفتگو و مباحثه کند، من سزاوارترین مردم به خدا هستم. آن افراد می گویند که ما نیازی به مباحثه و گفتگو نداریم و بعد از آن حوادث، شما را شناخته ایم و می خواهیم از طرف سفیانی با تو بیعت کنیم. سپس آنان با امام زمان علیه السلام بیعت می کنند و به سوی سفیانی بازمی گردند.

در این هنگام، رعب و ترس شدیدی از لشکریان امام، همه را فرا می گیرد تا جایی که عرب و عجم و جنگجویان و سلسله های مختلف دیگر از وی اطاعت می کنند و جنگ و جدالی در برابر تسلیم آن ها به دست حضرت مهدی علیه السلام پیش نمی آید. لذا حضرت که رفته رفته بر تعداد سپاهیانش افزوده می شود، بعد از بیعت سفیانی، دیگر سرزمین های منطقه شام را بدون هیچ گونه جنگ و خونریزی فتح می کند تا آنجا که برخی از شهرها با تکبیر فتح می شوند و مردم با شنیدن صدای تکبیر آن حضرت و یارانش تسلیم حق می شوند و

حکومت و ولایت آن حضرت را می پذیرند و در نهایت حضرت بدون هیچ گونه درگیری وارد بیت المقدس می شود.

احادیث باب شانزدهم:

امیرمؤمنان علیه السلام در حدیثی فرمود:

(اِذَا بَعَثَ السُّفْيَانِيُّ اِلَي الْمَهْدِيِّ جَيْشاً فَخُسِفَ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ، وَ بَلَغَ ذَلِكَ اَهْلَ الشَّامِ، قَالُوا لِخَلِيفَتِهِمْ: «قَدْ خَرَجَ الْمَهْدِيُّ فَبَايِعْهُ وَ ادْخُلْ فِي طَاعَتِهِ وَ اِلَّا قَتَلْنَاكَ»، فَيُرْسِلَ اِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ، وَ يَسِيرُ الْمَهْدِيُّ حَتَّي يَنْزِلُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، وَ تُنَقِّلُ اِلَيْهِ الْخَزائِنُ، وَ تَدْخُلُ الْعَرَبُ وَ الْعَجَمُ وَ اَهْلِ الْحَرْبِ وَ الرُّومِ وَ غَيْرِهِمْ فِي طَاعَتِهِ مِنْ غَيْرِ قِتَالٍ حَتَّي تَبْنِيَ الْمَسَاجِدَ بِالْقُسْطَنْطَنِيَّةِ وَ مَا دُونَهَا)

(وقتی سفیانی لشکری برای نبرد به سوی مهدی علیه السلام می فرستد، لشکریان او در «بیداء» دچار خسف می شوند و در زمین فرو می روند. این خبر و بیچارگی که به اطلاع اهل شام می رسد، آن ها به خلیفه خود (سفیانی) می گویند: «مهدی علیه السلام ظهور کرده است باید با او بیعت کنی و از وی اطاعت نمایی و در غیر این صورت تو را می کشیم.» پس سفیانی عده ای را جهت بیعت نزد آن حضرت می فرستد. حضرت مهدی علیه السلام از آنجا حرکت می کند تا وارد بیت المقدس می شود و خزانه های آنجا را در اختیار درمی آورد و در این

هنگام عرب و عجم و جنگجویان و رومیان و سلسله های مختلف دیگر از وی اطاعت می کنند و جنگ و جدالی در برابر تسلیم آن ها به دست مهدی علیه السلام پیش نمی آید تا آنجا که مسجدهایی در اسلامبول و امکنه دیگر بنیان می کنند.)

معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، کورانی، علی، ج 3، ص 119 ؛ الفتن، مروزی، نعیم، ج 1، ص 349 ؛ شرح احقاق الحق، مرعشی، سید شهاب الدین، ج 29، ص 445-444 ؛ الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، سید بن طاووس، علی، ص 66 ؛ الفتاوی الحدیثیة، هیتمی، احمد، ص 30.

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

(يَقْدِمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَأْتِيَ النَّجَفَ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مِنَ الْكُوفَةِ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ وَ أَصْحَابُهُ وَ النَّاسُ مَعَهُ، وَ ذَلِكَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ. فَيَدْعُوهُمْ وَ يُنَاشِدُهُمْ حَقَّهُ وَ يُخْبِرُهُمْ أَنَّهُ مظْلُومٌ مَقْهُورٌ وَ يَقُولُ: «مَنْ حَاجَّنِي فِي اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ...»، فَيَقُولُونَ:«اِرْجِعْ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ، قَد خَبَّرْنَاكُمْ واخْتَبَرْنَاكُمْ»، فَيَتَفَرَّقُونَ مِنْ غَيْرِ قِتَالٍ)

(قائم علیه السلام می آید تا به نجف می رسد. پس لشکر سفیانی و اصحابش از کوفه به سمت او خارج می شوند و مردم با حضرت هستند، و آن در روز چهارشنبه است. پس حضرت آنان را دعوت به حق می کند و

به حقش سوگنـد می دهـد و به آنان خبر می دهـد که مظلوم و مقهور است و می فرمایـد: «هر کس می خواهـد با من درباره خدا گفتگو و مباحثه کنـد، من سـزاوارترین مردم به خـدا هسـتم ...»، پس می گوینـد: «از همان جا که آمدی برگرد که حاجتی به گفتگوی با تو نداریم و شما را شناختیم و امتحان کردیم.»، پس بدون جنگ متفرق می شوند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 387.

امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند:

(لَا تُبْقِي مَدِينَةٌ دَخَلَهَا ذُو الْقَرْنَيْنِ اِلَّا دَخَلَهَا الْمَهْدِيُّ وَ يَاتِي اِلَي مَدِينَةٌ فِيهَا اَلْفِ سُوقٍ فِي كُلِّ سُوقٍ مِائَةُ دُكَّانٍ، فَيَفْتَحُهَا وَ يَاتِي مَدِينَةٌ يُقَالُ لَهَا الْقَاطِعُ عَلَي الْبَحْرُ الْمُحِيطُ، طُولُهَا اَلْفِ مِيلٍ وَ عَرْضُهَا خَمْسُ مِائَةِ مِيلٍ، فَيُكَبِّرُونَ اللَّهَ ثَلَاثاً فَتَسْقُطُ حِيطَانُهَا، فَيَخْرُجُ مِنْهَا اَلْفِ اَلْفِ مُقَاتِلٍ ثُمَّ يَتَوَجَّهُ اِلَي الْقُدْسِ الشَّرِيفِ)

(هیچ شهری باقی نمی ماند که ذو القرنین وارد آن شده باشد؛ مگر اینکه مهدی علیه السلام نیز وارد آن خواهد شد. او وارد شهری می شود که هزار بازار و هر بازاری صد مغازه دارد. پس آن را فتحمی کند و وارد شهری می شود که گفته می شود آن شهر قاطع بحر محیط

(شـهری در کنار رود نیل) است، طول این شـهر هزار میل و عرض آن پانصـد میل است. سـربازان حضـرت سه بار تکبیر می گویند که به وسـیله آن دیوارهـای این شـهر می ریزد و در نتیجه یـک میلیون جنگجو از آن خارج می شود و سـپس امام به طرف بیت المقـدس حرکت خواهد کرد.)

الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، نباطی، علی، ج 2، ص 257 .

ص: 76

باب هفدهم

وقتی سفیانی به نزد هم پیمانانش بازمی گردد، مورد مواخذه قرار می گیرد. گروه تندرویی از قبیله مادری سفیانی که از قبیله کلب است بیعت او با حضرت را نکوهش می کنند و می گویند: «تو پادشاه و امیر لشکر و منطقه شام بودی، چگونه از پادشاهی خود دست کشیدی و پیرو و زیر دست این مرد (حضرت مهدی علیه السلام) شدی؟!»

از طرفی دیگر، قدرت های بزرگ غربی (مسیحیان) و یهودیان که به دلیل جنگ های جهانی ِپیش از ظهور، ضعیف و فرسوده و بی رمق شده اند و جرأت رویارویی با حضرت مهدی علیه السلام را ندارند و سفیانی خطّ مقابله و سپر برای این دولت هاست، او را مورد مؤاخذه قرار می دهند و ترغیب به جنگ با حضرت مهدی علیه السلام می کنند.

در نتیجه، سفیانی بیعت خود با حضرت را می شکند و با تقویت سپاه خود به نبرد با حضرت می رود و وقتی لشکرش به بیت المقدس می رسد، نزد امام زمان علیه السلام می رود و می گوید: «آمده ام تا بیعتم را پس بگیرم!»، حضرت مهدی علیه السلام در جواب می فرماید: «همانا من برای تو خطری

نـدارم»، سـفیانی می گویـد: «می دانم»، حضـرت می گوید: «آیا دوست داری با تو بجنگم؟»، سـفیانی می گوید: «آری، می خواهم با تو بجنگم».

وقتی تلاش های امام برای منصـرف نمودن سـفیانی از جنگ بی نتیجه می ماند، سـفیانی به سـمت لشـکر خود برمی گردد تا دستور جنگ بدهد.

حدیث باب هفدهم:

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

(إِذَا سَـمِعَ الْعَائِـذَ الَّذِي بِمَكَّةَ بِالْخَسْفِ خَرَجَ مَعَ إِثْنَى عَشَـرَ أَلْفاً، فِيهِمُ الْأَبْدَالُ حَتَّى يَنْزِلُوا إِيلِيَاءَ، فَيَقُولُ الَّذِي بَعَثَ الْجَيْشَ حِينَ يَبْلُغُهُ الْخَبَرُ بِإِيلِيـاءَ: «لَعَمْرُو اللَّهِ لَقَـدْ جَعَـلَ اللَّهُ فِي هَـذَا الرَّجُـلِ عِبْرَةً، بَعَثْتُ إِلَيْهِ مَـا بَعَثْتُ، فَسَـاخُوا فِي الْأَرْضِ. إِنَّ هَـذَا لَعِبْرَةٌ وَ بَصِـيرَةٌ»، وَ يُؤَدِّي إِلَيْهِ السُّفَيـانِي الطَّاعَـةَ، ثُمَّ يَخْرُجُ حَتَّى يَلْقَى كَلْبـاً وَ هُمْ أَخْوَالُهُ، فَيُعَيِّرُونَهُ بِمَـا صَـنَعَ وَ يَقُولُونَ: «كَسَـاكَ اللَّهُ قَمِيصـاً فَخَلَعْتَهُ؟» فَيَقُولُ: «مَا تَرَوْنَ؟ أَسْـتَقِيلُهُ الْبَيْعَـةَ؟» فَيَقُولُونَ: «نَعَمْ» فَيَـأْتِيهِ إِلَى إِيلِيَـاءَ فَيَقُولُ: «أَقِلْنِي»، فَيَقُولُ: «إِنِّي غَيْرُ فَاعِـلٍ»، فَيَقُولُ: «بَلَى» فَيَقُولُ: «لَهُ أَتُحِبُّ أَنْ أُقِيلَكَ؟» فَيَقُولُ: «نَعَمْ» فَيُقِيلُهُ)

(وقتی آن پناهنده به مکه (حضـرت مهدی علیه السـلام) خبر فرو رفتن در زمین بیداء را می شنود با دوازده هزار نفر که در میان آن ها ابدال نیز حضور دارند قیام می کند و از مکه خارج می شود تا آن که در ایلیاء (بیت المقدس) فرود آید. زمانی که سـفیانی این خبر را می شـنود، می گویـد: «به خـدا سوگنـد، خداوند در این مرد عبرتی قرار داده است، من سـپاهی مقتدر و مجهز را به سوی او فرسـتادم امّا در زمین فرو رفتند. این امر مایه عبرت و بصـیرت است.» از این رو سفیانی تسلیم وی (حضرت مهدی علیه السلام) می شود و پیروش می گردد. او از آنجا بیرون می رود تا آنکه به دایی هایش از طایفهکلب بر می خورد. آن ها او را سـرزنش می کننـد و می گویند: «خدا پیراهن (سـروری و فرماندهی) را بر تنت کرده بود امّا تو خود آن را بیرون آوردی؟!» می گوید: «نظر شما چیست؟ آیا بیعتش را پس دهم؟» می گویند: «آری» سپس سـفیانی به ایلیـا به نزد امام می رود و می گویـد: «بیعتم را پس بگیر.» حضـرت می فرمایـد: «همانا من برای تو خطری نـدارم»، می گوید: «آری (می دانم)» حضرت می گوید: «آیا چنین دوست می داری که با تو بجنگم؟» می گوید: «آری»، پس امام او را می کشد.)

معجم الاحادیث الامام المهدي علیه السلام، کورانی، علی، ج 3، ص 313 ؛ الفتن، مروزی، نعیم، ج 1، ص 347.

باب هجدهم

قبل از شـروع نبرد، حضـرت مهدی علیه السـلام به یاران خود می فرماید: «شـتاب نکنید تا بر آن ها حجت اقامه کنم». سپس شخصی از یـاران خویش را مأمور اتمام حجت با سـپاهیان سـفیانی می کنـد و قرآنی را به او می دهـد و می فرمایـد: «این قرآن را به سوی سـفیانی و لشکریانش ببر و آن ها را به آنچه در آن است، فراخوان و به آنها بگو آیا شما با من بیعت نکردید؟ پس چه چیز سبب شد بیعت مرا بشکنید؟ در حالی که این قرآن، میان من و شما حکم می کند.»

آن شـخص مقابل سـپاه سـفیانی می ایسـتد و قرآن را باز می کند و می گوید: «این کتاب خداست و حضرت مهدی علیه السلام شما را به آنچه در آن است، فرامی خواند... چه شده است که از بیعت خود دست کشیده اید؟ و ... »، ولی لشکر سفیانی سخنان آن شخص را قبول نمی کنند.

آن شـخص نزد حضـرت باز می گردد و حضـرت مهدی علیه السـلام برای بار دوم این شـخص را برای هدایت و اتمام حجت نزدشان می فرستد، ولی آنان بی توجه به سخنانش، به او تیراندازی و او را شهید می کنند و بدین سان

نبرد آغاز می شود. جنگ سختی بین دو لشکر در می گیرد که دامنه آن تا شهر کوفه را فرا می گیرد.

سپس سفیانی به دست حضرت کشته می شود. سپاه سفیانی نیز شکست می خورد و باقیمانده سپاه، به داخل خانه های کوفه می گریزند.

حضرت در میان سپاه فریاد می زند: «هیچ فراری را نکشید و دنبال نکنید. مجروحان را نکشید. کسی را هتک حرمت نکنید. زنی را نترسانید و کشته ای را تکه تکه و قطع عضو نکنید.» و حضرت مهدی علیه السلام با باقیمانده سپاه سفیانی، با گذشت و رحمت رفتار می کند.

احادیث و نقل تاریخی باب هجدهم:

امام صادق علیه السلام در روایتی با اشاره به درگیری سپاه امام مهدی علیه السلام با سپاه سفیانی می فرماید:

(... فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ يُعَاوِدُ، فَيَجِئُ سَهْمٌ فَيُصِيبُ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَقْتُلُهُ، فَيُقَالُ: «إِنَّ فُلَاناً قَدْ قُتِلَ»... فَيَحْمِلُ عَلَيْهِمْ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ فَيَمْنَحُهُمُ اللَّهُ أَكْتَافَهُمْ وَ يُوَلُّونَ، فَيَقْتُلُهُم حَتَّى يُدْخِلَهُمْ أَبْيَاتَ الْكُوفَةِ، وَ يُنَادِي مُنَادِيهِ: «أَلَا لَا تَتْبَعُوا مُوَلِّياً وَ لَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ»، وَ يَسِيرَ بِهِمْ كَمَا سَارَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْبَصْرَةِ)

(... وقتی روز جمعه (روز شکستن بیعت) فرا می رسد، باز حضرت آنان را دعوت می کند. پس تیری از کمان بیرون می آید و به مردی از مسلمانان خورده و او را می کشد، و گفته می شود: «فلان مسلمان کشته شد»... پس حضرت و یارانش بر آنان حمله می کنند و خدا آن ها را بر لشکر سفیانی مسلط می کند و آنان را می کشد تا به درون خانه های کوفه داخل می کند و منادی حضرت ندا می دهد: «هیچ فراری را تعقیب نکنید و مجروحی را نکشید»، و با آنان مانند سیره علی علیه السلام در روز بصره (جنگ جمل) رفتار می کند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 388-387.

رفتار امام علی علیه السلام در روز بصره :

(وَ سَأَلَهُ (سَأَلَ عَلِی عَلَیْهِ السَّلَام) عَمَّارٌ حِینَ دَخَلَ الْبَصْرَةَ فَقَالَ: «یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ بِأَیِّ شَیْءٍ تَسِیرُ فِی هَؤُلَاءِ؟» فَقَالَ: «بِالْمَنِّ وَ الْعَفْوِ کَمَا سَارَ النَّبِیُّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِی أَهْلِ مَکَّةَ حِینَ افْتَتَحَهَا بِالْمَنِّ وَ الْعَفْوِ»)

(چون امام علی علیه السلام به بصره وارد شدند، عمار عرض کرد: «ای امیر مؤمنان با اینها چگونه رفتار خواهی کرد؟» حضرت فرمود: «با گذشت و رحمت. همچنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون مکه را فتح کرد، با گذشت و رحمت با آن ها رفتار کرد.»)

دعائم الاسلام، مغربی، نعمان، ج 1، ص 394-393.

نقل تاریخی :

امام علی علیه السلام در پگاه روز یازدهم جمادی الاول در حالی که در میمنه سپاه، مالک اشتر و در میسره آن، عمار یاسر حضور داشت و پرچم به دست فرزندش محمد حنیفه بود، به سمت سپاه جمل حرکتکرد. آنگاه حضرت بر جایگاهی ایستاد و با صدای بلند خطاب به سپاه خود فرمود: «شتاب نکنید تا بر آن ها حجت اقامه کنم» پس ابن عباس را خواند و قرآنی به او داد و فرمود: «این قرآن را به سوی طلحه، زبیر و عایشه ببر و آن ها را به آنچه در آن است، فراخوان و به طلحه و زبیر بگو آیا شما با من بیعت نکردید؟ پس چه چیز سبب شد بیعت مرا بشکنید؟ در حالی که این قرآن، میان من و شما حکم می کند.»

(ابن عباس برای بار اول از سوی امام علی علیه السلام برای گفتگو و اتمام حجت به سوی طلحه و زبیر و عایشه رفت، ولی آنان قبول نکردند. حضرت او را برای بار دوم فرستاد که ابن عباس می گوید: به خدا سوگند هنوز از جایم حرکت نکرده بودم که تیرهایشان همچون ملخ های پراکنده به سویم باریدن گرفت. به علی علیه السلام عرض کردم: «ای امیر مؤمنان تا کی با ما چنین کنند؟! اجازه دهید از خود دفاع کنیم.»

حضرت فرمود: «بگذارید بار دیگر بر آن ها حجت تمام کنم» سپس فرمود: «چه کسی این قرآن را می گیرد و آن ها را به آن فرامی خواند

و بداند که کشته می شود و من ضمانت بهشت او را از سوی خداوند بر عهده می گیرم.» هیچ کس از جای خود برنخواست جز جوانی کم سن از عبدالقیس که قبای سفیدی بر تن داشت و نامش مسلم بود. او گفت: «ای امیر مؤمنان من این کار را انجام می دهم و جان خود را به خاطر خدا بر این کار می گذارم.»

حضرت از سر دلسوزی از او روی بازگرداند و فرمود: «چه کسی این قرآن را می گیرد و بر آن ها عرضه می کند و بداند که کشته می شود و بهشت برای اوست.» مسلم دوباره سخن خود را تکرار کرد و گفت: «من چنین می کنم.» امام برای سومین بار سخن خود را تکرار کرد و غیر از آن جوان، کسی به پا نخاست. علی علیه السلام قرآن را به او داد و فرمود: «به سوی آنان برو و قرآن را بر آن ها عرضه نما و به آنچه در قرآن است دعوت شان کن» او حرکتکرد و مقابل سپاه جمل ایستاد و قرآن را باز کرد و گفت: «این کتاب خداست و امیرمؤمنان شما را به آنچه در آن است، فرامی خواند» عایشه گفت: «خداوند صورتش را زشت کند با نیزه بزنیدش» و آن ها نیز بر نیزه زدن به او بر یکدیگر سبقت گرفتند و از هر سو نیزه اش زدند... .

امام در این حال آماده نبرد شدند و پرچم را به فرزندشان محمد بن حنیفه دادند و در میان سپاه فریاد زدند: «هیچ فراری را نکشید و

مجروحی را از پای در نیاورید. پرده کسی را ندرید. زنی را نترسانید و کشته ای را مثله (تکه تکه) نکنید.» آن حضرت در حال سفارش به لشکر بودند که مردی از اصحاب شان کشته شد. آن حضرت با مشاهده این واقعه فرمود: «خدایا تو شاهد باش.»

الجمل و النصرة لسيد العترة في حرب البصرة، مفيد، محمد، ص 342-336.

ص: 85

نزول عیسی علیه السلام و یاری حضرت

باب نوزدهم

یهودیـان و مسـیحیان غربی که به طور ناگهـانی بـا شـکست سـفیانی و نیروهای پشتیبان آن ها، به دست با کفایت آن حضـرت، مواجه می شوند؛ آتش خشم شان برافروخته می شود و علیه امام علیه السلام اعلام جنگ می کنند تا اینکه اتفاق بزرگ دیگری رخ می دهد.

حض-رت مه-دي علیه السـلام در آغ-از قی-ام خ-ود، نم-از جماعات باش-کوهی در بیت المقـدس، قبله ی اول مسـلمانان، برگزار می کند. او ب-ا ای-ن ح-ال که سـختی هاي اوایل قیام را پ-یش رو دارد، از ای-ن عم-ل مه-م، ک-ه عظمت اسـلام را به امت هاي دیگر نشان می ده-د، غاف-ل نخواه-د ب-ود. تا آنکه ناگهان حضـرت عیسـی علیه السـلام نزول می کند (البته مکان نزول حضرت عیسی علیه السلام مورد اختلاف است) که این امر موجب شگفتی همگان می شود. نزول حضرت مسیح علیه السلام بعد از آنکه زمانی در زمین

زنـدگی کرده است، سـپس به آسـمان بالا می رود و در آنجا بیش از هزار و نهصـد سال زنـدگی می کنـد و مجـدداً به زمین بازمی گردد، از عجیب ترین عجایب و مهم ترین حوادث و عظیم ترین نشانه ها برای مردم است.

حضـرت عیسـی علیه السلام زمانی که فرود می آید، وارد بیت المقدس می شود و بر بالای منبر برای مردم سخنرانی می کند. سیلجمعیت مسـلمانان و مسـیحیان و یهودیان بر او وارد می شوند. آنچنان که می خواهند پا بر سـر همدیگر بگذارند. مردم به سـخنان حضـرت عیسی علیه السلام گوش می دهند تا آنکه هنگام نماز صبح مسلمانان فرامی رسد و سپس مؤذن می آید و نماز برپا می شود.

زمانی که حضـرت مهدی علیه السلام برای اقامه نماز جماعت وارد بیت المقدس می شود، با دیدن حضرت عیسی علیه السلام ، همدیگر را در آغوش می گیرند و حضـرت مهدی علیه السـلام از روی تواضع عقب می رود و از حضـرت عیسـی علیه السلام می خواهد تا امامت نماز را بر عهده گیرد و می فرماید: «بیایید بر ما امامت کنید.» ولی حضـرت عیسی علیه السلام نمی پذیرد و دلیل آن را احت-رام حضرت مهدي علیه السلام نزد امت می داند و به صراحت، به منصب ام-ارت و امامت ایشان اشاره می کند و می گوید: «شما بر ما ولایت

دارید و پادشاهی و امیری شـما بر مردم، عنایت بزرگی از سـمت خداست. کسی را نرسد که بر ائمه اهل البیت:تقدم بجوید و حق تقدم با شماست. پس تو امامت کن و من ب-ه تو اقتدا می کنم.». سپس نماز جماعت باشکوهی به امامت حضرت مهدی علیه السلام برگزار می شود که حضـرت عیسـی علیه السـلام به ایشان اقتدا می کند. بعد از اقامه نماز، حضـرت عیسی علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کند و حضـرت ولی عصـر علیه السـلام ایشان را به عنوان وزیر و جانشین خود قرار می دهد و مقام قضاوت بین مردم را به ایشان می دهد و همچنین خزانه داری خود را نیز به ایشان می سپارد.

احادیث باب نوزدهم:

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

(یَنْزِلُ عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ عِنْدَ قِیَامِ السَّاعَةِ، وَ یَکُونُ نُزُولُهُ عَلَی الْمَنَارَةِ الْبَیْضَاءِ الَّتِی بِشَرْقِ جَامِعِ دَمِشْقَ... فَإِذَا نَزَلَ یَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَ یَقْعُدُ عَلَی الْمِنْبَرِ، فَتَتَسَامَعَ النَّاسُ بِهِ فَیَدْخُلُ عَلَیْهِ الْمُسْلِمُونَ وَ النَّصَارَی وَ الْیَهُودُ، فَیَزِدُ حَمُونَ هُنَاكَ حَتَّی یَطَأَ

بَعْضُهُمْ رَأْسَ بَعْضٍ، فَيَأْتِي مُؤَذِّنُ الْمُسْلِمِينَ فَيُقِيمُ الصَّلَاةَ وَ هِيَ صَلَاةُ الْفَجْرِ، فَيُصَلِّي عِيسَى مَأْمُوماً مُقْتَدِياً بِالْمَهْدِيِّ)

(عیسی بن مریم علیه السلام در آن هنگام فرود می آید، و نزولش بر مناره سپید مشرق مسجد دمشق است... و چون فرود می آید داخل مسجد می شود و بر منبر می نشیند و مردم به سخنان او گوش می دهند و مسلمانان و مسیحیان و یهودیان بر او وارد می شوند تا جایی که می خواهند پا بر سر همدیگر بگذارند. سپس مؤذن مسلمانان می آید و نماز برپا می شود. و آن نماز، همان نماز صبح است. عیسی علیه السلام نیز نماز می خواند و به امامت مهدی علیه السلام اقتدا می کند.)

معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، کورانی، علی، ج 1، ص 530-529.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جریان نزول حضرت عیسي علیه السلام چنین آمده است:

(يَنْزِلُ عِيسَى عَلَيَّ ثَنِيَّةٌ (أَيْ عَقَبَةِ) بِالْأَرْضِ الْمُقَدَّسَةِ يُقَالُ لَهَا: «أَفِيقُ»، فَيَأْتِي بَيْتَ الْمُقَدَّسِ وَ النَّاسُ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ. فَيَتَأَخَّرَالْإِمَامَ - أَيِّ الْمَهْدِيُّ عليه السلام - فَيُقَدِّمُهُ عِيسِي وَ يُصَلِّي خَلْفَهُ عَلَي شَرِيعَةُ مُحَمَّدٍ وَ يَقُولُ: «أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَتَقَدَّمُكُمْ أَحَدٌ!»)

ص: 90

(عيسي عليه السلام در گردنه اي به نام «افيق» در سرزمين مقدّس فرود مي آيد. وارد بيت المقدّس مي شود؛ در حالي كه مردم براي نماز صبح صف كشيده باشند. پس امام (حضرت مهدي عليه السلام) عقب مي رود، ولي عيسي عليه السلام او را جلو مي اندازد و خود به او اقتدا می کند و پشت سرش طبق شريعت محمّدي نماز مي خواند و مي فرمايد: «شما اهل بيتي هستيد كه احدي نمي تواند بر شما پيشي بگيرد.»)

يوم الخلاص في ظل القائم المهدي عليه السلام، كامل سليمان، ص 289.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

(يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ: «تَعَالَ صَلِّ بِنَا»، فَيَقُولُ: «أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أُمَرَاءُ تَكْرِمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ»)

(عيسى بن مريم عليه السلام نازل می شود و پيشوای آن ها مهدی عليه السلام می گويد: «بياييد بر ما امامت كنيد.»، حضرت عيسی عليه السلام می گويد: «بعضی از شما بر بعضی ديگر امارت دارد و اين عنايت خداوند نسبت به اين امت است.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 85.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

(وَ اللَّهِ لَيَنْزِلَنَّ اِبْنُ مَرْيَمَ حَكَماً عَادِلاً، فَلْيَكْسِرَنَّ الصَّلِيبَ)

(به خدا قسم حضرت مسیح علیه السلام مقام قضاوت در بین مردم را به عهده خواهد گرفت و به دست اوست که صلیب ها از بین می رود.)

ینابیع المودة لذو القربی، قندوزی، سلیمان، ج 3، ص 357.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

(يَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عِنْدَ اِنفِجَارِ الصُّبْحِ... وَ يَقْبِضُ اَمْوَالَ الْقَائِمِ... وَ هُوَ وَزِيرُ الْأَيْمَنِ لِلْقَائِمِ، وَ حَاجِبُهُ وَ نَائِبُه)

(عیسی بن مریم علیه السلام سحرگاه نزول می کند... خزانه دار حضرت مهدی علیه السلام می شود... او وزیر دست راست امام زمان علیه السلام و جانشین اوست.)

حلية الابرار في احوال محمد و آله الاطهار، بحرانی، سید هاشم، ج 5، ص 429 ؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، کورانی، علی، ج 1، ص 530.

باب بیستم

فرود آمدن حضرت مسیح علیه السلام برای جهان علامت و نشانه ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت های مسیحی و یهودی می شود. چون به غیر از مسلمانان که معتقد به رجعت و بازگشت حضرت عیسی علیه السلام هستند، مسیحیت و یهود نیز معتقد به قیام مسیح علیه السلام در آخرالزمان هستند. به طوری که در اعتقاد مسیحیان، منجی آخرالزمان که جهان را پر از عدل و داد می کند، حضرت عیسی علیه السلام است که در بازگشت دوم خود دنیا را در صلح و دوستی و یکتاپرستی وارد می کند. در اعتقاد یهودیان نیز فرد منجی آخرالزمان شخصی به نام «مسیح» است که با مسیحِ مسیحیت متفاوت است.

وقتی یهودیان و مسیحیان غربی خواستار جنگ با حضرت مهدی علیه السلام می شوند، امام از حضرت عیسی علیه السلام می خواهد تا با آنان صحبت کند و آنها را از جنگ منصرف نماید تا آنکه در نهایت با وساطت حضرت عیسی علیه السلام ، میان حضرت مهدی علیه السلام و غربی ها قرار داد صلحی بسته می شود.

ص: 93

حدیث باب بیستم:

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

(بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ الرُّومِ أَرْبَعُ هُدَنٍ یَوْمُ الرَّابِعَةِ عَلَی یَدِ رَجُلٍ مِنْ آلِهِرَقْل، یَدُومُ سَبْعَ سِنِینَ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ عَبدِالْقَیْسِ یُقَالُ لَهُ: اَلْمَسْتَوْرِدِ بْنِ غِیلَانَ: «یَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ إِمَامُ النَّاسِ یَوْمَئِذٍ؟» قَالَ: «اَلْمَهْدِیُّ عَلَیْهِ السَّلاَمُ مِنْ وَلَدِي»)

(بین شما و روم چهار پیمان صلح برقرار می شود که چهارمین آن ها به دست مردی از خاندان هرقل است و هفت سال به طول می انجامد. و مردی از عبدالقیس به نام سئودبن غیلان پرسید: «در آن روز پیشوای مردم چه کسی خواهد بود؟» حضرت فرمود: «مهدی علیه السلام از فرزندان من است.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 80.

ص: 94

باب بیست و یکم

سپس گروه های زیادی از مسیحیان غربی و یهودیان و حتی عده ای از کشور چین به سمت بیت المقدس حرکت می کنند و نزد حضرت عیسی علیه السلام می آیند تا با ایشان دیدار و گفتگو کنند. حضرت عیسی علیه السلام با آنان مناظره و برایشان سخنرانی می کند و مواضع خود را هم سو با حضرت مهدی علیه السلام اعلام می کند و به منکران امام زمان علیه السلام می گوید: «همانا قائم مهدی علیه السلام از اولاد علی علیه السلام است که از نظر خلقت و رفتار و ظاهر و هیبت، شبیه ترین مردم به عیسی بن مریم (من) است. خداوند متعال آنچه را که به پیامبران داده است به او هم داده است، و حتی بیشتر هم داده است که بر آنان برتری دارد. قائم از فرزندان علی علیه السلام است که غیبتی مانند غیبت یوسف و بازگشتی مانند بازگشت عیسی بن مریم دارد.»

این سخنان حضرت عیسی علیه السلام موجب می شود که گروهی از مسیحیان، مسلمان شوند و به حضرت مهدی علیه السلام بپیوندند. ولی تعدادی دیگر از مسیحیان مخالفت می کنند و با آن حضرت به بحث و مجادله می پردازند و حتی عده ای با دیدن مواضع حضرت عیسی علیه السلام ، منکر

ص: 95

پیامبری او می شوند و فرود عیسی علیه السلام را سحر و فریب شیعیان برمی شمرند.

احادیث باب بیست و یکم:

در روایت آمده است:

(عِیسَی بْنَ مَرْیَمَ یَحْتَجُّ عَلَی نَصَارَی الرُّومِ وَ الصِّینِ: «إِنَّ الْقَائِمِ الْمَهْدِیَّ مِنْ نَسْلِ عَلِیٍّ أَشْبَهُ النَّاسِ بِعِیسَی بْنِ مَرْیَمَ خَلْقاً وَ خُلُقاً وَ سِیمَاءَ وَ هَیْئَةً، یُعْطِیهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جلَّ مَا أَعْطَی الْأَنْبِیاءَ، وَ یَزِیدُهُ و یُفَضِّلُهُ. إِنَّ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِ عَلِیٍّ، لَهُ غَیْبَةٌ کَغَیْبَةِ یُوسُفَ وَ رَجْعَةٌ کَرَجْعَةِ عِیسَی بْنِ مَرْیَمَ»)

(حضرت عیسی علیه السلام با مسیحیان روم و چین بحث و مناظره می کند که: «قائم مهدی علیه السلام از اولاد علی علیه السلام است که از نظر خلقت و رفتار و ظاهر و هیبت، شبیه ترین مردم به حضرت عیسی بن مریم است. خداوند متعال آنچه را که به پیامبران داده است به او هم داده است، و حتی بیشتر هم داده است که بر آنان برتری دارد. قائم علیه السلام از فرزندان علی علیه السلام است که غیبتی مانند غیبت یوسف علیه السلام و بازگشتی مانند بازگشت عیسی بن مریم دارد.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 226.

حدیث امام صادق علیه السلام :

(... وَ إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا: «سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ»)

(... و اگر همچنان معجزه ای ببینند روی برمی گردانند و می گویند: «این ها سحر مستمر است.»)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 261-260.

ص: 97

بیت المقدس، سرزمین مناظره ها و تحدی ها

باب بیست و دوم

مردم سـرزمین های دیگر نیز اعـم از مسلمانان سنی و شیعه و همچنین سایر ادیان، گروه گروه به بیت المقدس می آیند و با حضرت مهدی علیه السلام دیدار می کنند.

عده ای از دانشـمندان و علما و اندیشـمندان جهان نیز محضر حضرت رفته و می گویند که اگر واقعاً تو مصلح آخرالزمان هستی باید بتوانی مشـکلات بزرگ علمی و فرهنگی و اجتمـاعی و... کـه جهـان بـا آن گریبـانگیر است را حـل نمـایی و به آن پاسـخ درست بـدهی. تمـام ایـدئولوژی هـای بشـری شـکست خورده است و دنیـا به بن بست رسـیده است؛ آن وقت تو می گویی که برنامه ای برای سـعادت و کمال بشریت داری و برنامه زندگی کامل داری! پس برنامه خود را برای ما شرح بده و سؤالات ما را پاسخگو باش.

حضـرت آنان را دعوت به شـرح برنامه و قانون سـعادت مندی بشـر و همچنین مناظرات در سطوح مختلف علمی می کند و در زمینه های مختلف تمدن اسـلامی اعم از برنامه اسلام در حوزه فرد و اجتماع، خانواده و حقوق، اقتصاد اسلامی، فرهنگ اسلامی و غیره با آنان بحث و گفتگو می کند، و فلسفه ی هرکدام و منفعت های آن ها برای انسان و جامعه را برایشان بازگو می کند.

در جلساتِ مناظره و مباحثه ی حضرت با علما و اندیشمندان بزرگ دنیا، این افراد به گره ها و مشکلات کور و بزرگ دنیا اشاره می کنند. از مشکلات علوم نجومی و فلکی، مسائل پزشکی، اتمی و... گرفته تا مشکلات اجتماعی و سعادت بشری، که اندیشمندان سال ها برای حل آن ها زحمت کشـیده اند، اما به بن بست رسـیده بودند. ولی حضـرت یکی پس از دیگری آن ها را می شـکافد و پاسخ می دهد و از برنامه سعادت بشری اسلام و قرآن می گوید و بدین سان چشمه ای از معجزات علمی خود را نمایان می سازد.

بدین وسیله تعداد زیادی از اندیشمندان و بزرگان و صاحبان فکر و فرهنگ به حضرت ایمان می آورند.

ص: 100

حدیث باب بیست و دوم:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

(اَلْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفاً فَجَمِيعُ مَاجَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمَ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفاً فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ، وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ، حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةً وَ عِشْرِينَ حَرْفاً)

(علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز به آن دو حرف آشنایی ندارند. و هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد؛ آن را بین مردم نشر و گسترش می دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می سازد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 336.

ص: 101

باب بیست و سوم

در میان افراد رجوع کننده نزد حضـرت مهدی علیه السلام ، بسیاری از علمای ادیان مختلف حضور دارند. سؤالات و نکته نظرهایی دارند. ابهاماتی دارند و در بسیاری از زمینه های اسلامی انتقادهای شدیدی دارند که حضرت مهدی علیه السلام در کثرت رجوع مردم برای بحث و مناظره و ارائه سؤالات خود، آنان را دعوت می کند تا در زمانی مشخص به همراه بزرگان دین خود برای مناظره ای بزرگ به بیت المقدس بیایند.

مناظره حضـرت مهدی علیه السـلام با عالمان دینی و اندیشمندان اهل کتاب و علمای ادیان غیرالهی، یکی از طولانی ترین مناظره هاست که بسیار به طول می انجامد و بیشترین اذیت و آزار حضرت از مسلمانانی است که دارای عقاید تحریف شده و تغییر یافته اسلام هستند. تا جایی که علمای سـنی، وهابی، داعشی و... با برداشت های سطحی از قرآن با حضرت مباحثه و مشاجره می کنند و در مقابلِ سخنانِ حق و منطقی حضـرت مهـدی علیه السـلام مقـاومت می کننـد و علی رغم نمایان شـدن اسـلام حقیقی، به دلیل عناد و لجبازی و نفرت علیه شیعیان، همچنان با اسلام ناب مخالفت می کنند! حضرت طوری اسلام مترقی را به آنان معرفی

می کند و عمق مطالب را می شکافد که گویی دین جدیدی از اسلام آورده است!

احادیث باب بیست و سوم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

(«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهَلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ جُهَّالِ الْجَاهِلِيَّةِ» فَقُلْتُ: «وَ كَيْفَ ذَلِكَ؟» قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخُشُبَ الْمَنْحُوتَةَ، وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ، وَ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ»)

(«هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام کند، از مردم جاهل بیش از آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله از جاهلان دوران جاهلیت ناراحتی دید، رنج و ناراحتی خواهد دید.» پرسیدم: «چگونه و چرا؟» فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله در روزگاری مبعوث شد که مردم سنگ و چوب و بت های تراشیده شده را می پرستیدند، ولی قائم علیه السلام ما در روزگاری قیام می کند که با قرآن علیه حضرت احتجاج می کنند و آیات را علیه آن حضرت تأویل می کنند.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 362.

حدیثی است از امام محمد باقر علیه السلام :

(عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام ، فَقُلْتُ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟»، فَقَالَ: «يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللهعلیه و آله وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»»)

(عبد الله بن عطاء گوید: «از امام باقر علیه السلام سوال کردم: «حضرت حجت علیه السلام پس از ظهور، چه سیره و روشی در حکومت خواهند داشت؟»، امام علیه السلام پاسخ می دهند: «درست مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله ، تمام آنچه را که به نام اسلام بر دنیا حاکم است، از بین خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد که گویی اسلام جدیدی است.»»)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 233-232.

ص: 104

باب بیست و چهارم

در منـاظره بـا عالمـان دینی، بعضـی از علمای مسـلمان از حضـرت نشانه هایی برای صـدق حرف ها و اثبات امامت دوازدهم ایشان می خواهند و سـلاح ها و وسایل جنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از ایشان طلب می کنند و می گویند که اگر واقعا جانشین دوازدهم پیامبر صلی الله علیه و آله هستی باید اینها به تو به ارث رسیده باشد، در غیر اینصورت امامت تو را نمی پذیریم.

حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «همه اینها نزد من است»، سپس این وسایل جنگی اعم از شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، پرچم جنگ ایشان، زره و کلاهخود ایشان و بقیه وسایل جنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رونمایی می کند. حضرت مهدی علیه السـلام حتی قرآنی را که امام علی علیه السـلام جمع آوری کرده بود و نزد ایشان بود، صحیفه جامعه، صحیفه فاطمه علیها السلام و غیره را نیز نمایان می کند و در معرض دید همگان قرار می دهد که در نهایت، بسیاری از علما و مردم به حضرت ایمان می آورند.

ص: 105

احادیث و نقل تاریخی باب بیست و چهارم:

امام صادق علیه السلام در حدیثی به سعید سمان فرمود:

(إِنَّمَا مَثَلُ السِّلَاحِ فِينَا مَثَلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ بَنُوإِسْرَائِيلَ أَيُّ أَهْلِ بَيْتٍ وُجِدَ التَّابُوتُ عَلَى بَابِهِمْ أُوتُوا النُّبُوَّةَ فَمَنْ صَارَ إِلَيْهِ السِّلَاحُ مِنَّا أُوتِيَ الْإِمَامَةَ)

(همانا داستان سلاح در خاندان ما همانند داستان تابوت در میان بنی اسرائیل است که بر در هر خاندانی که تابوت پیدا می شد، نشانه اعطای نبوّت به او بود. پس سلاح به هر کس از ما خانواده رسد امامت به او داده می شود.)

الکافی، کلینی، محمد، ج 1، ص 238.

متن بخشی از حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، به شرح ذیل است:

(وَ إِنَّ عِنْدِي لَسَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ، وَ إِنَّ عِنْدِي لَرَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ دِرْعَهُ وَ لَامَتَهُ وَ مِغْفَرَتُهُ، فَإِنْ كَانَا صَادِقَيْنِ فَمَا عَلَامَةٌ فِي دِرْعِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ؟ وَ إِنَّ عِنْدِي لَرَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمِغْلَبَةَ، وَ إِنَّ عِنْدِي أَلْوَاحَ مُوسَى وَ عَصَاهُ، وَ إِنَّ عِنْدِي لَخَاتَمَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ، وَ إِنَّ عِنْدِي الطَّسْتَ الَّذِي كَانَ مُوسَى

يُقَرِّبُ بِهِ الْقُرْبَانَ، وَ إِنَّ عِنْدِي الْاِسْمِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِذَا وَضَعَهُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُشْرِكِينَ لَمْ يَصِلْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِلَى الْمُسْلِمِينَ نُشَّابَةٌ، وَ إِنَّ عِنْدِي لَمِثْلَ الَّذِي جَاءَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ، وَ مَثَلُ السِّلَاحِ فِينَا كَمَثَلِالتَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ فِي أَيِّ أَهْلِ بَيْتٍ وُجِدَ التَّابُوتُ عَلَى أَبْوَابِهِمْ أُوتُوا النُّبُوَّةَ وَ مَنْ صَارَ إِلَيْهِ السِّلَاحُ مِنَّا أُوتِيَ الْإِمَامَةَ، وَ لَقَدْ لَبِسَ أَبِي دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَخَطَّتْ عَلَى الْأَرْضِ خَطِيطاً وَ لَبِسْتُهَا أَنَا فَكَانَتْ وَ كَانَتْ، وَ قَائِمُنَا مَنْ إِذَا لَبِسَهَا مَلَأَهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ)

(همانا شمشير رسول خدا صلى الله عليه و آله ، پرچم و جوشن و زره و خُود پيامبر صلى الله عليه و آله نزد من است، اگر راست می گويند، پس چه علامتی بر زره رسول خدا صلى الله عليه و آله است؟ پس همانا پرچم ظفربخش پيامبر صلى الله عليه و آله ، الواح موسي عليه السلام و عصاي او، انگشتر سلمان بن داوود عليه السلام ، طشتي كه موسي عليه السلام قرباني را در آن انجام داد، اسمي كه نزد پيامبر صلى الله عليه و آله بود و چون آن را ميان مسلمانان و كفار مي گذاشت كه از مشركان به مسلمين نشانه اي نرسد و من آن را مي دانم و هرآنچه را كه فرشتگان آورده اند نزد من است. داستان سلاح در خاندان ما همان داستان تابوت است در بني اسراييل، و بر در هر خانه اي كه تابوت پيدا مي شد، نشانه اعطاي نبوت بود و سلاح به هركس از خانواده ما

رسد امامت به او داده مي شود. همانا پدرم، امام باقر عليه السلام ، زره رسول خدا صلى الله عليه و آله را پوشيد، دامنش اندكي به زمين مي كشيد و من آن را پوشيدم همچنان بود. قائم ما، امام مهدي عليه السلام ، كسي است كه چون آن را پوشد به اندازه قامتش باشد ان شاءالله.)

الكافى، كلينى، محمد، ج 1، ص 233-232 ؛ بحارالانوار، مجلسى، محمد باقر، ج 26، ص 202-201.

از ابوذر روايت شده است:

(لَمَّا تُوَفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله جَمَعَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلاَ مُ الْقُرْآنَ وَ جَ اءَ بِهِ اِلَي الْمُهَاجِرِينَ وَ الْاَنْصَارِ وَ عَرَضَهُ عَلَيْهِمْ لِمَا قَ دْ اَوْصَاهُ بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ، فَلَمَّا فَتَحَهُ اَبُوبَكْرٌ... عُمَرُ وَ قَالَ: «يَا عَلِيُّ اُرْدُدْهُ فَلَا حَاجَةَ لَنَا بِهِ.» فَأَخَذَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ انْصَ رَفَ (اِلَي مَنْزِلَهُ)...، فَلَمَّا اسْ تَخْلِفَ عُمَرُ سَالَ عَلِيّاً اَنْ يَ دْفَعَ اِلَيهُمُ الْقُرْآنُ... فَقَالَ: «يَا اَبَا الْحَسَنِ اِنْ جِئْتَ بِالْقُرْآنِ الَّذِي كُنْتَ قَدْ جِئْتَ بِهِ اِلَيَّ اَبِي بَكْرٍ حَتَّي نَجْتَمِعُ عَلَيْهِ.» فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هَيْهَاتَ لَيْسَ اِلَي ذَلِكَ سَبِيلٌ اِنَّمَا جِئْتَ بِهِ لِيَقُومَ الْحُجَّةُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَ ةِ اَنَا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ. اَوْ تَقُولُوا مَا جِئْتَنَا بِهِ. اِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي عِنْدِي لَا يَمَسُّهُ اِلَّا الْمُطَهَّرُونَ و الْاَوْصِيَاءُ مِنْ وَلَدِي.» قَالَ عُمَرُ: «فَهَلْ

لِاِظْهَارُهُ وَقْتٌ مَعْلُومٌ؟» فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَعَمْ اِذَا قَامَ (الْقَائِمُ) مِنْ وُلْدِي يُظْهِرَ»)

(چون رسول خدا صلی الله علیه و آله درگذشت، علی علیه السلام بنابر وصیت پیامبر قرآن را جمع نمود و نزد مهاجرین و انصار برد و آن را به ابوبکر عرضه نمود.... عمر گفت: «ای علی، این قرآنرا به جای خود برگردان. ما نیازی به آن نداریم.» حضرت آن را گرفت و به خانه برگشت... هنگامی که عمر به خلافت رسید، روزی به علی علیه السلام گفت: «اگر بخواهی، می توانی قرآنی که نزد ابوبکر آوردی اکنون بیاوری تا گرد آن جمع شویم.» حضرت فرمود: «هیهات، راهی برای رسیدن به آن نیست. من در زمان ابوبکر چنان کردم تا بر شما اتمام حجت کرده باشم و در روز قیامت نگویید ما از این غافل بودیم یا برای ما نیاوردی. اکنون این قرآن نزد من است و جز پاکان و جانشینان من کسی به آن دست نمی زند.» عمر گفت: «آیا زمانی برای اظهار این قرآن وجود دارد؟» حضرت فرمود: «آری، هنگامی که قائم علیه السلام از فرزندانم ظهور کند.»)

الشیعة و الرجعة، طبسی، محمد رضا، ج 1، ص 419.

حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام :

(وَ اللَّهِ عِنْدَنَا مَا لَا نَحْتَاجُ إِلَى النَّاسِ وَ إِنَّ النَّاسَ لَيَحْتَاجُونَ إِلَيْنَا، إِنَّ عِنْدَنَا الصَّحِيفَةَ سَبْعُونَ ذِرَاعاً بِخَطِّ عَلِيٍّ وَ إِمْلَاءِ رَسُولِ

اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلَى أَوْلَادِهِمَا فِيهَا مِنْ كُلِّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ، وَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَنَا فَتَدْخُلُونَ عَلَيْنَا فَنَعْرِفُ خِيَارَكُمْ مِنْ شِرَارِكُمْ)

(به خدا سوگند ما چیزی داریم که به مردم نیاز نداریم و مردم به ما نیاز دارند. همانا نزد ما صحیفه جامعه است که هفتاد ذراع است. به خط علی علیه السلام و املای رسول خدا صلی الله علیه و آله است. و همچنین نوشته های فرزندان شان نیز در آن است. در آن ازهر حلال و حرام وجود دارد، و اگر نزد ما بیایی و بر ما وارد شوی، ما بهترین شما را از بدترین شما می شناسیم.)

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، صفار، محمد، ص142.

نقل تاریخی:

1) صحیفه جامعه کتبی است که در آن هر آنچه مردم از علوم نیاز دارند و تمامی حلال ها و حرام ها در آن وجود دارد که این علوم توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده و امام علی علیه السلام نیز آن ها را بر روی پوست شتر یا گوسفند نوشته است. و این گفتن و شنیدن به صورت خصوصی و ویژه بوده است. اندازۀ این صحیفه، از نظر طول هفتاد ذراع (حد فاصل آرنج تا سر انگشت میانی) ، به اندازۀ ذراع پیامبر صلی الله علیه و آله است. گرچه شاید ابتدا به نظر برسد مراد از هفتاد ذراع

تعبیری غیرحقیقی و به صورت مجازی برای جامع و طویل بودن آن صحیفه باشد و از باب تمثیل و تشبیه بیان شده است، اما قرائنی که در برخی روایات آمده، نشان می دهد، تعبیر هفتاد ذراع تعبیری حقیقی است و جامعه، صحیفه یا کتابی قطور و حجیم بوده است.

2) فاطمه علیها السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز عمر کردند و به خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله اندوه فراوانی را تحمل می کردند. در این مدت جبرئیل بر ایشان نازل می شد و ایشان را به نیکوئی تسلی و تسلیت می داد و از پیامبر صلی الله علیه و آله و جایگاه آن حضرت برای او تعریف می کرد و همچنین از اخبار آینده که مربوط به فرزندان آن حضرت بود، خبر می داد و امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن را می نوشت. لذا در صحیفه فاطمه علیها السلام اوضاع آینده جهان و اخبار غیبی در مورد سرنوشت فرزندان حضرت فاطمه علیهاالسلام و جنایات خلفا و پادشاهان ستمگر و سایر مسائل غیرفقهی به ثبت رسیده و آن کتاب جزو ودایع امامت است که هم اکنون در محضر امام زمان علیه السلام است.

باب بیست و پنجم

حضـرت مهـدی علیه السـلام که از ادیان مختلف دعوت کرده بود همگی با کتاب های خود برای مناظره بیاینـد، در روز مناظره، هرکس با منابع و کتب تحریف شده خود حاضـر می شود و شـروع به مناظره با حضـرت می کند و حضرت مهدی علیه السلام به همراهی حضرت عیسـی علیه السـلام با کتاب های تحریف شـده در دست شان به سؤالات شان پاسخ می دهند. چنان مناظره ای انجام می دهند که گویی حضـرت مهدی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام تمام کتاب های تحریف یافته آن ها را از حفظ اند و تمامی علما و بزرگان ادیان مختلف، با کتاب های خودشان یکی پس از دیگری مغلوب می شوند. سـپس حضـرت مهدی علیه السـلام به حضرت مسیح علیه السلام می فرماینـد که به انطاکیه (دومین شـهر مقدس مسـیحیان) برود و از داخل غار انطاکیه، نسـخه های اصـلی تورات و انجیل و زبور و دیگر کتب را بیرون بیاورد.

سپس حضـرت مهدی علیه السـلام نسـخه های اصـلی کتاب پیامبران شامل ده صحیفه حضرت آدم علیه السلام ، پنجاه صحیفه حضرت شیث علیه السلام ، سی صحیفه حضرت ادریس علیه السلام ، ده صحیفه حضرت ابراهیم علیه السلام ، تورات حضرت

موسـی علیه السـلام ، انجیل حضـرت عیسـی علیه السلام و قرآن حضرت رسول صلی الله علیه و آله را که در نزدش است را رونمایی می کند. بدین وسیله حضرت مهدی علیه السلام در ادامه مناظرات خود با رونمایی از این معجزه بزرگ، نسخه های اصلی این کتب را در بیت المقـدس در معرض دیـدگان همه می گـذارد و دوباره با علمای ادیان مناظره می کند و تحریف های کتب آنان را گوشـزد می کند. با دیدن اینمعجزات و کتاب های اصلی، تعداد بسیاری از یهودیان و مسیحیان و دیگر ادیان به حضرت ایمان می آورند.

احادیث باب بیست و پنجم:

از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

(فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيَّ لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرٍ خَفِيٍّ، يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَاةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةَ، فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَاةِ بِالتَّوْرَاةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ)

(او را مهـدی علیه السـلام می گویند، زیرا به امر پوشـیده هدایت می کند. او تورات (حقیقی) و سایر کتب آسـمانی را از غاری در انطاکیه بیرون

می آورد، آنگاه با پیروان تورات طبق تورات، با اهل انجیل طبق انجیل، با اهل زبور طبق زبور و با مسلمانان مطابق قرآن حکم می کند.)

علل الشرایع، صدوق، محمد، ج 1، ص 161 ؛ بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 29.

در حدیث است :

(إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيَّ لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَسْفَارٍ مِنْ أَسْفَارِ التَّوْرَاةِ يَسْتَخْرِجُهَا مِنْ جِبَالٍ، يَدْعُو اِلَيْهَا الْيَهُودَ، فَيُسْلِمُ عَلَى تِلْكَ الْكُتُبِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ ثُمَّ ذَكَرَ نَحْوَ ثَلَاثِينَ اَلْفاً)

(او را مهدی علیه السلام می نامند. زیرا به کتاب هایی از کتاب های تورات راهنمایی می کند که از کوه ها استخراج می کند، یهودیان را به آن دعوت می کند. پس گروه زیادی از مردم با دیدن آن کتاب ایمان می آورند که تعدادشان را حدود سی هزار نفر (در وهله اول) ذکر کرده است.)

الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، سید بن طاووس، علی، ص 69.

در روایتی درباره زبور حضرت داود علیه السلام و اینکه این کتاب نیز جزء مواریثی است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سپس به ائمه و در نهایت به دستِ مبارکِ امام عصر علیه السلام رسیده، می خوانیم:

(عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ»، «مَا الزَّبُورُ وَ مَا الذِّكْرُ؟»، قَالَ: «اَلذِّكْرُ عِنْدَ اللَّهِ وَ الزَّبُورُ الَّذِي أُنْزِلَ عَلَى دَاوُدَ وَ كُلُّ كِتَابٍ نَزَلَ فَهُوَ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ نَحْنُ هُمْ»)

(ابن سنان گوید از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عزوجل: «ما درکتاب زبور پس از ذکر نوشتیم، (آیه 105 سورهانبیاء)» پرسیدم که: «زبور چیست و ذکر کدام است؟» حضرت علیه السلام فرمود: «ذکر، نزد خداست (لوح محفوظ) و زبور آن است که بر داود نازل شد و هر کتابی که نازل گشته است نزد اهل علم است و اهل علم ما هستیم.»)

الكافي، کلینی، محمد، ج 1، ص 226-225.

از ابوذر روایت شده است:

(قُلْتُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ مِن كِتَابٍ؟» قَالَ: «مِائَةٌ وَ أَرْبَعَةُ كُتُبٍ، أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْهَا عَلَى آدَمَ علیه السلام عَشْرَ صُحُفٍ، وَ عَلَى شِيْثٍ

خَمْسِينَ صَحِيفَةً، وَ عَلَى أَخْنُوخَ وَ هُوَ إِدْرِيسُ ثَلَاثِينَ صَحِيفَةً، وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ خَطَّ بِالْقَلَمِ، وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ عَشْرُ صَحَائِفَ، وَ التَّوْرَاةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الزَّبُورَ وَ الْفُرْقَانَ»)

(عرضه داشتم: «یا رسول الله صلی الله علیه و آله ، خدای تعالی چند کتاب نازل کرده؟» فرمود: «صد و چهار کتاب، که ده صحیفه از آن بر آدم علیه السلام ، و پنجاه صحیفه بر شیث علیه السلام ، و سی صحیفه بر اخنوخ علیه السلام ، که همان ادریس علیه السلام است، و او اولین کسی است که با قلم خط نوشت، و ده صحیفه بر ابراهیم علیه السلام و چهار صحیفه باقی تورات و انجیل و زبور و قرآن است.»)

مجمع البيان في تفسير القرآن، طبرسی، فضل، ج10، ص 332 ؛ الميزان في تفسير القرآن، طباطبایی، سید محمد حسین، ج 20، ص 271-272.

باب بیست و ششم

بعضی از علمای مسیحی و یهودی و بعضی از ادیان دیگر که هنوز به حضرت ایمان نیاورده اند و به دنبال بهانه تراشی برای تکذیب حضرت هستند، می گویند که اگر تو راست می گویی و واقعاً وارث همه انبیا و امامان هستی و کسی نزدیک تر و آشناتر از تو به ایشان نیست، باید وارث اشیاء پیامبران نیز باشی. کدام یک از این اشیاء و وسایل را از پیامبران داری تا ما به ادعاهای تو اعتماد کنیم؟ آیا صندوق عهد که از پیامبری به پیامبر دیگر رسیده و نشانه صدق پیامبران بود را به همراه داری؟! آیا عصای موسی علیه السلام نزد توست؟ از نوح علیه السلام چه داری؟ از یوسف علیه السلام چه داری؟ از ابراهیم و اسماعیل8چیزی به همراه داری؟ از سلیمان علیه السلام چیزی به تو رسیده است؟ از آدم علیه السلام چه چیزی به ارث داری؟

حضرت مهدی علیه السلام در جواب می گوید که همه ی اینها نزد من است و بسیاری از میراث اشیاء پیامبران را برایشان می آورد:

حضرت مهدی علیه السلام پیراهن حضرت آدم علیه السلام ، آلت نجاری حضرت نوح علیه السلام که با آن کشتی ساخت، تبر حضرت ابراهیم علیه السلام که با آن بت ها

را شکست، کمربند حضرت ابراهیم علیه السلام و مجموعه اشیای به ارث رسیده از حضرت آدم و نوح و ابراهیم:را برایشان می آورد و در بیت المقدس جلوی دیدگان شان قرار می دهد.

حدیث و نقل تاریخی باب بیست و ششم:

حدیث امام صادق علیه السلام به مفضل:

(قَالَ الْمُفَضَّلُ: «يَا سَيِّدِي فَهَذَا كُلُّهُ فِي السَّفَطِ؟» قَالَ: «يَا مُفَضَّلُ وَ تَرِكَاتُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ حَتَّى عَصَاةُ آدَمَ وَ آلَةُ نُوحٍ وَ تَرِكَةُ هُودٍ وَ صَالِحٍ وَ مَجْمَعُ إِبْرَاهِيمَ وَ صَاعُ يُوسُفَ وَ مَكَائِيلُ شُعَيْبٍ وَ مِيرَاثُهُ وَ عَصَا مُوسَى وَ تَابُوتُ الَّذِي فِيهِ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِكَةُ وَ دِرْعُ دَاوُدَ وَ عَصَاتُهُ وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ وَ تَاجُهُ وَ إِنْجِيلُ عِيسَى وَ مِيرَاثُ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فِي ذَلِكَ السَّفَطِ»)

(مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: «ای آقای من، چه چیزی در آن بقچه (نزد امام زمان علیه السلام) است؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «ای مفضل، به خدا سوگند تمام ترکه جمیع پیغمبران، حتی عصای آدم علیه السلام و آلت نجاری نوح علیه السلام و ترکه هود و صالح8و مجموعه ابراهیم علیه السلام و

پیمانه یوسف علیه السلام و ترازوی شعیب علیه السلام و میراثش و عصای موسی علیه السلام و تابوتی که در اوست و بقیه آنچه از آل موسی علیه السلام و آل هارون ماند که ملائکه آن را حمل می کنند و زره داود علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و تاج او و انجیل عیسی علیه السلام و میراث تمامی انبیا نزد امام زمان علیه السلام در آن بقچه است.)

الهدایة الکبری، خصیبی، حسین، ص 404.

نقل تاریخی:کمربند حضرت ابراهیم علیه السلام جزو مواریث انبیاست که انبیاء بزرگ آن را از همدیگر ارث می بردند و خاصیت این کمربند این بود که هر کس این کمربند را می دزدید غلام می گشت. به این صورت که هر وقت آن را کسی می دزدید جبرئیل فرود می آمد و خبر می داد و کمربند از او گرفته می شد و به بندگی در می آمد:

(عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: «سَأَلَ أَبَا مُحَمَّدٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ» رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ وَ أَنَا عِنْدَهُ حَاضِرٌ. فَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ علیه السلام : «مَا سَرَقَ يُوسُفُ، إِنَّمَا كَانَ لِيَعْقُوبَ علیه السلام مِنْطَقَةٌ وَرِثَهَا مِنْ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ كَانَتْ تِلْكَ الْمِنْطَقَةُ لَا يَسْرِقُهَا أَحَدٌ إِلَّا اسْتُعْبِدَ، وَ كَانَتْ إِذَا سَرَقَهَا إِنْسَانٌ نَزَلَ جَبْرَئِيلُ علیه السلام وَ أَخْبَرَهُ بِذَلِكَ فَأُخِذَتْ مِنْهُ وَ أُخِذَ عَبْداً. وَ إِنَّ

الْمِنْطَقَةَ كَانَتْ عِنْدَ سَارَةَ بِنْتِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ كَانَتْ سَمِيَّةَ أُمِّ إِسْحَاقَ، وَ إِنَّ سَارَةَ هَذِهِ أَحَبَّتْ يُوسُفَ وَ أَرَادَتْ أَنْ تَتَّخِذَهُ وَلَداً لِنَفْسِهَا، وَ إِنَّهَا أَخَذَتِ الْمِنْطَقَةَ فَرَبَطَتْهَا عَلَى وَسَطِهِ ثُمَّ سَدَلَتْ عَلَيْهِ سِرْبَالَهُ، ثُمَّ قَالَتْ لِيَعْقُوبَ: «إِنَّ الْمِنْطَقَةَ قَدْ سُرِقَتْ»، فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ: «يَا يَعْقُوبُ إِنَّ الْمِنْطَقَةَ مَعَ يُوسُفَ»، وَ لَمْ يُخْبِرْهُ بِخَبَرِ مَا صَنَعَتْ سَارَةُ لِمَا أَرَادَ اللَّهُ. فَقَامَ يَعْقُوبُ إِلَى يُوسُفَ فَفَتَّشَهُ، وَ هُوَ يَوْمَئِذٍ غُلَامٌ يَافِعٌ وَ اسْتَخْرَجَ الْمِنْطَقَةَ. فَقَالَتْ سَارَةُ ابْنَةُ إِسْحَاقَ: «مِنِّي سَرَقَهَا يُوسُفُ فَأَنَا أَحَقُّ بِهِ»، فَقَالَ لَهَا يَعْقُوبُ: «فَإِنَّهُ عَبْدُكِ عَلَى أَنْ لَا تَبِيعِيهِ وَ لَا تَهَبِيهِ»، قَالَتْ: «فَأَنَا أَقْبَلُهُ عَلَى أَلَّا تَأْخُذَهُ مِنِّي»، وَ أُعْتِقُهُ السَّاعَةَ فَأَعْطَاهَا إِيَّاهُ فَأَعْتَقَتْهُ. فَلِذَلِكَ قَالَ إِخْوَةُ يُوسُفَ: «إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ»»»)

(داود بن قاسم جعفری می گوید: «مردی از اهل قم از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد آیه:«برادران گفتند که اگر این دزدی کند بعید نیست چون برادرش یوسف نیز پیش از این دزدی کرد، (آیه 77 سوره یوسف)» پرسید و من حاضر بودم. حضرت علیه السلام فرمود: «خود یوسف علیه السلام سرقت نکرد، بلکه حضرت کمربندی داشت که از ابراهیم علیه السلام به ارث رسیده بود و هر کس این کمربند را می دزدید غلام می گشت. به این صورت که هر وقت آن را کسی می دزدید

جبرئیل فرود می آمد و خبر می داد و کمربند از او گرفته می شد و به بندگی در می آمد. این کمربند نزد ساره دختر اسحاق بن ابراهیم بود و سمّیه هم مادر اسحاق بود و این ساره (عمه حضرت یوسف علیه السلام)، یوسف علیه السلام را دوست می داشت (و یوسف علیه السلام نزد عمه اش زندگی می کرد. حضرت یعقوب علیه السلام برای خواهرش پیغام فرستاد که یوسف علیه السلام را نزد وی برگرداند، و بار دیگر به نزد او خواهد فرستاد) ساره که می خواست او را برای خود فرزند قرار دهد (برای برادرش پیغام فرستاد که اجازه دهید یوسف علیه السلام امشب در نزد من بماند و صبح او را نزد شما خواهم فرستاد و چون صبح شد) کمربند را برداشت و به کمر یوسف علیه السلام بست. پیراهنش را روی آن کشید (و نزد پدرش فرستاد) بعد به یعقوب علیه السلام گفت: «کمربند دزدیده شده است.» پس جبرئیل آمد و گفت: «ای یعقوب! کمربند نزد یوسف است.» و طبق اراده الهی جبرئیل آنچه راکه ساره انجام داده بود، به او نگفت. یعقوب علیه السلام برخاست و یوسف علیه السلام را تفتیش کرد و او در این هنگام نوجوان بود و کمربند را پیدا کرد. ساره دختر اسحاق گفت: «یوسف آن را از من دزدیده پس من سزاوارترم به او.» یعقوب علیه السلام به او گفت: «یوسف غلام توست به شرط اینکه او را نفروشی و به کسی نبخشی.» ساره گفت: «من قبول می کنم؛ به شرط

اینکه او را از من نگیری» والسّاعه او را آزاد کرد. به این خاطر، برادران یوسف علیه السلام گفتند: «اگر او اکنون دزدی کرد، برادرش هم قبلاً دزدی کرده بود!»»»»)

الخرائج و الجرائح، راوندی، قطب الدین، ج 2، ص 739-738.

ص: 122

باب بیست و هفتم

سپس حضـرت مهدی علیه السـلام کمان حضـرت اسماعیل علیه السلام را برایشان می آورد. کمانی که خداوند به حضرت اسماعیل علیه السـلام عطا فرموده بود و چون حضـرت اسماعیل علیه السلام بدان تیر می انداخت و هرچه را نشانه می گرفت، تیر بر آن اصابت می کرد. جدّ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز امانت دار این کمان بوده و از آن کمان در هنگام هجوم ابرهه به خانه خدا استفاده کرده است.

حضـرت مهدی علیه السلام همچنین لباس حضرت اسماعیل علیه السلام در هنگام ذبح که پارچه سفیدی بود و به عنوان کفن پوشیده بود را در جلوی دیدگان شان می گذارد و گلیم حضـرت هاجر را نیز که حضـرت ابراهیم علیه السـلام زیر حضرت اسماعیل علیه السلام برای ذبح پهن کرده بود برایشان به نمایش در می آورد. در ادامه، حضـرت مهدی علیه السلام پیراهن حضرت یوسف علیه السلام ، صاع و پیمانه یوسف علیه السـلام و ترازوی حضرت شعیب علیه السلام را جلوی دیدگان شان قرار می دهد. حضرت شعیب علیه السلام نخستین فردی بود که میزان و ترازو را در زمان خود ساخت.

ص: 123

حدیث و نقل تاریخی باب بیست و هفتم:

حدیث امام صادق علیه السلام به مفضل:

(قَالَ الْمُفَضَّلُ: «يَا سَيِّدِي فَهَذَا كُلُّهُ فِي السَّفَطِ» قَالَ: «يَا مُفَضَّلُ وَ تَرِكَاتُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ حَتَّى عَصَاةُ آدَمَ وَ آلَةُ نُوحٍ وَ تَرِكَةُ هُودٍ وَ صَالِحٍ وَ مَجْمَعُ إِبْرَاهِيمَ وَ صَاعُ يُوسُفَ وَ مَكَائِيلُ شُعَيْبٍ وَ مِيرَاثُهُ وَ عَصَا مُوسَى وَ تَابُوتُ الَّذِي فِيهِ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِكَةُ وَ دِرْعُ دَاوُدَ وَ عَصَاتُهُ وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ وَ تَاجُهُ وَ إِنْجِيلُ عِيسَى وَ مِيرَاثُ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فِي ذَلِكَ السَّفَطِ»)

(مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: «ای آقای من، چه چیزی در آن بقچه (نزد امام زمان علیه السلام) است؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «ای مفضل، به خدا سوگند تمام ترکه جمیع پیغمبران، حتی عصای آدم علیه السلام و آلت نجاری نوح علیه السلام و ترکه هود و صالح8و مجموعه ابراهیم علیه السلام و پیمانه یوسف علیه السلام و ترازوی شعیب علیه السلام و میراثش و عصای موسی علیه السلام و تابوتی که در اوست و بقیه آنچه از آل موسی علیه السلام و آل هارون ماند که ملائکه آن را حمل می کنند و زره داود علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و

تاج او و انجیل عیسی علیه السلام و میراث تمامی انبیا نزد امام زمان علیه السلام در آن بقچه است.»)

الهدایة الکبری، خصیبی، حسین، ص 404.

نقل تاریخی:

صاع و پیمانه حضـرت یوسف علیه السلام همان پیمانه پادشاه مصر است که دست حضرت یوسف علیه السلام بود. جنسش از طلاست و در حکومت آن زمان، دارای ارزش فراوانی بوده است. حضـرت یوسف علیه السـلام با توجه به الهامات خداونـد، زمانی که برادرانش در حال برگشت از مصر بودند، پیمانه پادشاه مصر را مخفیانه در محموله بار بنیامین گذاشت تا بدین وسیله از بازگشت برادرش بنیامین به مصر جلوگیری کند.

ص: 125

باب بیست و هشتم

در ادامه، حضرت مهدی علیه السلام از تابوت سکینه (صندوق عهد) رونمایی می کند که نشان نبوت انبیا بوده است. همچنین عصای حضرت موسی علیه السلام ، الواح موسی علیه السلام ، سنگ موسی علیه السلام ، طشت موسی علیه السلام و مابقی ترکه و ارثیه حضرت موسی علیه السلام را در بیت المقدس به نمایش همگان می گذارد.

احادیث و نقل تاریخی و نکات باب بیست و هشتم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

(اِنَّهُ عَلَی یَدَیِ الْمَهْدِیِّ ظَهَرَ تَابُوتُ السَّکِینَةِ مِنْ بُحَیْرَةِ طَبَرِیَّةَ، حَتَّی یُحْمَلَ فَیُوضَعَ بَیْنَ یَدَیْهِ الْبَیْتُ الْمُقَدَّسُ، فَاِذَا نَظَرَتْ اِلَیْهِ الْیَهودُ أَسْلَمْتُ إِلَّا قَلِیلٌ مِنْهُمْ)

(همانا صندوق مقدس از دریاچه طبریه به دست امام مهدی علیه السلام آشکار می شود، و آن را می آورند و در پیشگاه مقدس او

در بیت المقدس قرار می دهند، و چون یهودیان آن را مشاهده می کنند به جز اندکی، بقیه آنان ایمان می آورند.)

الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، سید بن طاووس، علی، ص 71.

نکته:

در مورد مکان استخراج تابوت عهد در احادیث اختلاف است. بعضی از داخل غار انطاکیه گفته اند و بعضی دیگر از دریاچه طبریه ذکر کرده اند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

(وَ إِنَّ عِنْدِي أَلْوَاحَ مُوسَى وَ عَصَاهُ، وَ إِنَّ عِنْدِي لَخَاتَمَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ، وَ إِنَّ عِنْدِي اَلطَّسْتَ الَّذِي كَانَ يُقَرِّبُ بِهَا مُوسَى الْقُرْبَانَ، وَ إِنَّ عِنْدِي اَلْاِسْمَ الَّذِي كَانَ إِذَا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَضَعَهُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُشْرِكِينَ لَمْ يَصِلْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِلَى الْمُسْلِمِينَ نُشَّابَةٌ)

(همانا الواح و عصای موسی علیه السلام و خاتم سلیمان علیه السلام نزد من است. طشتی که حضرت موسی علیه السلام در آن برای خدا قربانی می کرد، نزد من است. نامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای حفظ مسلمانان از تیرهای مشرکان، آن را میان صفوف قرار می داد، پیش من است.)

بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد، صفار، محمد، ص 175.

نکته:

مواریث ذکر شده در حدیث بالا، همان طور که به دست امام صادق علیه السلام رسیده است، هم اکنون در دست مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ تا در زمان قیام خود برای هدایت انسان ها از آن استفاده کند.

نقل تاریخی:

1) «صندوق عهد» همان است که مادر موسی علیه السلام طبق الهام الهی، آن را ساخت و موسی علیه السلام را که در آن هنگام نوزاد بود، برای حفظ از گزند دژخیمان فرعون، در میان آن نهاد وبه رود نیل انداخت. آب صندوق را حرکت داد و مأموران فرعون صندوق را دیدند. آن را گرفتند و به فرعون تحویل دادند. صندوق را باز کردند و نوزادی در آن یافتند. «آسیه» همسر فرعون، باعث شد گزندی به نوزاد نرسد و او را نگهداری و تربیت کرد. از آن پس صندوق، در خانه فرعون نگهداری می شد. پس از هلاکت فرعون و فرعونیان، صندوق در اختیار بنی اسرائیل قرار گرفت. آنان احترام ویژه ای به صندوق پرخاطره که روزی وسیله نجات موسی علیه السلام گردید، می گذاشتند و آن را مقدس می شمردند و بی حرمتی به آن را گناه نابخشودنی می دانستند. تا آن جا که موسی علیه السلام در روزهای آخر عمر، الواح

مقدس تورات را که احکام خدا در آن نوشته شده بود، به ضمیمه زره خود و یادگارهای دیگری در آن نهاد و به وصی خود «یوشع بن نون علیه السلام » سپرد. به این ترتیب، صندوق اهمیّت بیشتری درمیان بنی اسرائیل پیدا کرد که به آن تبرّک می جستند و در جنگ ها آن را همراه می بردند. صندوق مایه آرامش و دلگرمی بنی اسرائیل بود و نسل به نسل از پیغمبری به پیغمبر دیگر می رسید و نشانه صدق پیامبران بود. یعنی اگر پیامبری از دنیا می رفت و صندوق در خانه شخصی پیدا می شد، دلیل آن بود که وی پیامبر بعدی است.

2) الواح موسی علیه السلام دو لوحی است که در طور سیناء بر حضرت موسی علیه السلام نازل شد و ده فرمان بر آن نوشته شده بود. حضرت موسی علیه السلام پس از دیدن گوساله پرستی بنی اسرائیل، عصبانی شد و آن الواح را بر زمین زد. بنابر منابع اسلامی تکه های شکسته شده الواح در میان بنی اسرائیل باقی ماند و در تابوت عهد قرار داده شد.

3) سنگ حضرت موسی علیه السلام ، همان سنگی است که وقتی موسی علیه السلام برای قوم خود به دنبال آب می گشت خداوند به او وحی فرمود که عصای خود را بر این سنگ بزن. پس با زدن عصا بر آن

سنگ، دوازده چشـمه از آن سـنگ شـروع به جوشیدن کرد. به گونه ای که هر کدام از قبیله های حضرت موسی علیه السلام می دانستند که آبشخور آنان کدام است.

ص: 130

باب بیست و نهم

حضـرت مهدی علیه السـلام زره حضرت داود علیه السلام را برایشان نمایان می کند. حضرت داود اولین کسی بود که زره را ساخت و به تن کرد.

حضـرت مهدی علیه السـلام سپس انگشتر، تاج، منبر و عصای حضرت سلیمان علیه السلام را برایشان می آورد و در جلوی دیدگان آن ها قرار می دهد.

حدیث و نقل تاریخی باب بیست و نهم:

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

(إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ علیه السلام ظَهَرَ بِرَایَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَاتَمِ سُلَیْمَانَ وَ حَجَرِ مُوسَی وَ عَصَاهُ)

(هنگامی که قائم علیه السـلام ظهور کند همراهش پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله ، انگشتری سلیمان علیه السلام و سنگ و عصای موسی علیه السلام خواهد بود.)

الغیبة، نعمانی، محمد، ص 238.

ص: 131

نقل تاریخی:

1) بر روی انگشتری سـلیمان علیه السلام مهر حضرت سلیمان علیه السلام است که گویند اسم اعظم الهی بر آن نقش بسته بودو سلطنت وی بر انس و جن، وابسـته به آن بود. به طوری که هرگاه آن انگشتر را در دست می کرد جمیعِ جنّ و انس و شیاطین و مرغان هوا و وحشیانِ صحرا نزد او حاضـر می شدند و او را اطاعت می کردند و خداوند پرنده و باد و فرشتگان را مسخّرِ او می ساخت. این انگشتر ویژگی خاصّ دیگری نیز دارد که بعـد از ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام نمایان می شود و آن اینکه بین کافر و مؤمن نشانه ایجاد کرده و جـدایی می اندازد.

2) حضـرت داود علیه السـلام طبق وحی الهی خواست حضـرت سلیمان علیه السلام را خلیفه و جانشین خود قرار دهد. هنگامی که این موضوع را به بزرگان بنی اسرائیل خبر داد، از این خبر ناراحت شدند و فریاد اعتراض برآوردند و به داود گفتند: «آیا جوانی را خلیفه خود قرار می دهی با اینکه بزرگ تر از او در میان ما وجود دارد؟» حضرت داود علیه السلام سران طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل را احضار کرد و به آن ها فرمود: «اعتراض شما به من رسید، شما

عصاهـای خود را بیاوریـد و نـام خود را روی آن عصا بنویسـید، سـلیمان علیه السـلام نیز عصایش را می آورد و نامش را روی آن عصا می نویسـد. همه این عصاها را درون اتاقی بگذارید و درِ آن را ببندید و قفل کنید و شـما سـران و رؤسای طوایف یک شب از این اتاق نگهبانی کنید تا کسـی وارد آن نشود. فردا صـبح درِ اتاق را باز کنید. عصای هر کسی که سبز شده و میوه داده باشد، صاحب آن عصا رهبر مردم بعد از من است.» سران قوم این پیشنهاد را پذیرفتند و عصاهای خود را آوردند و در میان اتاقی مخصوص قرار دادند و در آن را بستند و یک شب در آنجا نگهبانی دادنـد. صـبح فردای آن شب، به امامت داود علیه السـلام نماز خوانـده شد. بعد از نماز درِ آن اتاقرا باز کردند و دیدند تنها عصای سـلیمان علیه السـلام سبز شده و میوه داده است. آن را به داود علیه السـلام تسلیم کردند. داود علیه السلام آن را به همه نشان داد و همه این نشانه را پذیرفتند.

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 14، ص 68-67.

باب سی ام

با دیدن این همه معجزات حضرت مهدی علیه السلام ، مردم به شگفت می آیند و تعداد بسیار کثیری از آن ها به حضرت ایمان می آورند. ولی همچنان عـده ای از معانـدان و مخالفان حضـرت که در جبهه باطل هسـتند نمی خواهنـد به هیچ قیمتی حقایق را بپذیرند و شـروع به شایعه پراکنی می کنند و به همه اعلام می کنند که: «حضـرت مهدی علیه السـلام ساحری توانمند و جادوگری ماهر است که با استفاده از فنون و تکنولوژی مدرن توانسـته است ندای آسـمانی ایجاد کند، لشـکر سفیانی را در زمین فرو بَرَد و در زمین رانش ایجاد کند، با جادوگری توانسـته است با زدن سـنگی بر زمین، از زمین چشـمه آب بجوشاند و یا اینکه وسایلی را به عنوان اشیاء و وسایل انبیا بیاورد، و همه اینها در تکنولوژی و حیطه علم امروزی است و ما می توانیم مانند آن و حتی قوی تر از آن را ایجاد کنیم و برایتان بیاوریم!»

این افراد مدّعی، کسانی هسـتند که از زمان شـنیده شدن ندای آسـمانی تا به آن روز هر معجزه ای که از حضرت مهدی علیه السلام ببینند، می گویند که اینها سحر و جادوی مستمر و ادامه دار حضرت مهدی علیه السلام و شیعیان

است و مـا می توانیم ماننـد آن را انجام دهیم و با پیشـرفت علم و تکنولوژی انجام دادن این کارها امری محال و ناممکن نیست و همه این کارها را امام زمان علیه السـلام به همراه شـیعیانش با اسـتفاده از تکنولوژی روز انجام داده اند و شما را فریب داده اند و به دروغ گفته اند که اینها معجزات الهی است!

در این زمان حضـرت مهدی علیه السـلام این جماعت مدعی را دعوت به تحدّی و مبارزه می کند. به این صورت که به آنها می گوید:«در روزی معین، با تمام تکنولوژی ها و علوم تان بیاییـد، من هـم حاضـر می شوم تا مشـخص گردد کدام یک از ما بر دیگری غالب و پیروز می شود».

این پیشـنهاد در سرتاسر دنیا رسانه ای می شود و معاندان غربی که از تکنولوژی های در دست خود اطمینان دارند این خبر را رسانه ای می کنند و هیجان عجیبی بر جهان غالب می شود و همه منتظر روز موعود می شوند تا آنکه جمعیت کثیری در آن روز در بیت المقدس جمع می شونـد. دانشـمندان غربی که با علوم روز در صـحنه آماده شـده اند، آخرین تکنولوژی های روز را برای مردم نمایان می کنند و زلزله ای ایجاد می کنند که باعث ترس همگان می شود. سپس صدایی آسمانی شنیده می شود و با استفاده از تکنولوژی های روز دنیا و ایجاد

تصاویر سه بعدی، صـحنه هایی ایجاد می کنند که مردم آن ها را در چشم خود به صورت حقیقی می بینند و همگان را تحت تأثیر قرار می دهند و ترس عجیبی بر مردم حاکم می شود. سـپس تمام لوازم و اشـیاء به ارث رسیده از پیامبران –که حضرت مهدی علیه السلام از آن ها رونمایی کرده بود– را برای مردم نمایش می دهنـد تا نشان بدهنـد که آنان هم می تواننـد مانند آن را ایجاد کنند. این دانشـمندان، از زمین و آسـمان، ابزارهای مدرن را به کار می گیرند و چنان صحنه ای ایجاد می کنند که همه مردم به ترس و وحشت می افتند و تحت تأثیر نمایش آنان قرار می گیرند.

در این هنگام حضـرت مهـدی علیه السـلام که عصای موسـی علیه السـلام به همراه اوست، عصایش را می انـدازد، عصایی که گویی هم اکنون از درخت چیده شده است و کاملا سبز و تازه می باشد. عصا تبدیل به اژدها می شود، اژدهایی به مراتب ترسناک تر و وحشتناک تر از صـحنه ای که دانشـمندان ایجادکرده اند که این اژدها دو سر دارد.یک سر آن در زمین و سر دیگر آن در آسمان است. اژدها هر سلاح و تکنولوژی که دشـمن آورده است را در زمین و آسمان می بلعد و دروغین بودن همه آن ها را مشخص می کند و بدین سان حضرت مهدی علیه السلام حقانیت معجزات خود را به اثبات می رساند و همه مردم متحیر می شوند و با دیدن این

صحنه ها گروه های زیادی از مردم به حضرت ایمان می آورند. ولی عده ای، علی رغم مشخص شدن حق از باطل، همچنان لجاجت می کنند و ایمان نمی آورند.

احادیث باب سی ام:

حدیث امام صادق علیه السلام :

(«فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَ ذَلَّتْ رَقَبَتُهُ لَهَا. فَيُؤْمِنُ أَهْلُ الْأَرْضِ إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ: «أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ شِيعَتِهِ»»، قَالَ: «فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَدِ صَعِدَ إِبْلِيسُ فِي الْهَوَاءِ حَتَّى يَتَوَارَى عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ يُنَادِي: «أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عُثْمَانِ بْنِ عَفَّانَ وَ شِيعَتِهِ فَإِنَّهُ قُتِلَ مَظْلُوماً فَاطْلُبُوا بِدَمِهِ»»، قَالَ: «فَيُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ عَلَى الْحَقِّ وَ هُوَ النِّدَاءُ الْأَوَّلُ وَ يَرْتَابُ يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمَرَضُ وَ اللَّهِ عَدَاوَتُنَا فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَبَرَّءُونَ مِنَّا وَ يَتَنَاوَلُونَّا فَيَقُولُونَ: «إِنَّ الْمُنَادِيَ الْأَوَّلَ سِحْرٌ مِنْ سِحْرِ أَهْلِ هَذَاالْبَيْتِ.»»، ثُمَّ تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا: «سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ.»»)

(«در آن روز هیـچ کس در زمین باقی نمی ماند مگر آنکه خاضع و تسـلیم حق می شود. پس اهل زمین با شـنیدن صدای آسـمانی که می گوید: «همانا حق با علی ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست.» ایمان می آورند.»، حضرت فرمود: «سپس در فردای آن روز شیطان به آسـمان می رود تـا از اهـل زمین پنهان شود. سـپس نـدا می دهـد که: «حق با عثمان بن عفان و پیروانش است. او به ناحق کشـته شـد. به خونخواهی او برخیزیـد.»»»، حضـرت فرمود: «پس کسانی که به نـدای اول که بر حق است ایمان بیاورنـد، خداونـد آن ها را ثابت قدم می سازد. و در آن روز آن ها که در دل هایشان بیماری است شک می کننـد و به خدا سوگند بیماری دشـمنی ماست. سـپس ما را تکذیب می کنند و به سوی ما روی می آورند و می گویند: «اولین ندا سـحری است از اهل بیت.»»»، سـپس حضـرت این آیه را خواند: «و اگر همچنان معجزه ای ببینند روی برمی گردانند و می گویند: «این ها سحر مستمر است، (آیه 2 سوره قمر)»)

الغيبة، نعماني، محمد، ص261-260.

امام صادق علیه السلام به عماره الهمدانی می گوید:

(أَبِي يَقُولُ هُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»، فَيُؤْمِنُ أَهْلُ الْأَرْضِ جَمِيعاً

لِلصَّوْتِ الْأَوَّلِ، فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَدِ صَعِدَ إِبْلِيسُ اللَّعِينُ حَتَّى يَتَوَارَى مِنَ الْأَرْضِ فِي جَوِّ السَّمَاءِ، ثُمَّ يُنَادِي: «أَلَا إِنَّ عُثْمَانَ قُتِلَمَظْلُوماً فَاطْلُبُوا بِدَمِهِ»، فَيَرْجِعُ مَنْ أَرَادَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ سُوءاً وَ يَقُولُونَ: «هَذَا سِحْرُ الشِّيعَةِ» وَ حَتَّى يَتَنَاوَلُونَا وَ يَقُولُونَ: «هُوَ مِنْ سِحْرِهِمْ» وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا: «سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ»»)

(پدرم می گوید در کتاب خدا آمده است: «اگر بخواهیم نشانه ای از آسمان بر آنان نازل می کنیم و گردن هایشان تسلیم آن می شود، (آیه 4 سوره شعراء)»، و همه اهل زمین به صدای اول (ندای آسمانی) ایمان می آورند. سپس فردای آن روز شیطان ملعون عروج می کند تا زمانی که از زمین در جو آسمان ها غایب شود. سپس ندا می دهد: «عثمان مظلومانه کشته شد. به خونخواهی او برخیزید.»، سپس کسانی که خدای تعالی و جلّ جلاله برایشان بدی می خواهد بازمی گردند و می گویند: «این سحر شیعیان است» تا اینکه رو به ما کنند و بگویند: «این جادوی آنها است.» و این گفته خداوند عزّ و جلّ است که فرمود: «و اگر معجزه ای ببینند روی برمی گردانند و می گویند: «این جادوی مستمر است، (آیه 2 سوره قمر)»)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 262-261.

ص: 139

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود:

(كَانَتْ عَصَا مُوسَي لِادَمَ علیه السلام فَصَاوَتَ اِلَي شُعَيْبٌ ثُمَّ صَارَتِ اِلَي مُوسَي بْنَ عِمْرَانَ وَ اِنَّهَا لَعِنْدَنَا وَ اَنَّ عَهْدِي بِهَا آنِفاً، وَ هِيَ خَضْرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتُزِعَتْ مِنْ شَجَرَتِهَا، وَ اِنَّهَا لَتَنْطِقُ اِذَا اسْتُنْطِقَتْ اُعِدَّتْ لِقَائِمِنَا علیه السلام يَصْنَعُ بِهَا مَا كَانَ يَصْنَعُ مُوسَي، وَ اِنَّهَا لَتَرُوعُ وَ تَلْفِقُ مَا يَافِكُونَ وَ تَصْنَعُ مَا تُوْمِرُ بِهِ اِنَّهَاحَيْثُ اِقْبَلَتْ تَلْفِقُ مَا يَأْفِكُونَ يُفْتَحُ لَهَا شُعْبَتَانِ اِحْدَاهُمَا فِي الْاَرْضِ وَ الْاُخْرَي فِي السَّقْفِ وَ بَيْنَهُمَا اَرْبَعُونَ ذِرَاعاً تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا)

(عصای موسی علیه السلام از آنِ آدم علیه السلام بود که به شعیب علیه السلام رسید و سپس به موسی بن عمران علیه السلام رسید. آن عصا نزد ماست و اندکی پیش نزدم بود. این عصا سبز است؛ همان گونه که از درختش بریده شده. هرگاه بخواهی، این عصا سخن می گوید و برای قائم ما علیه السلام آماده گشته است. او با آن همان کار که موسی علیه السلام می کرد، انجام دهد. آن عصا ترسناک و هراس آور است. هرچه بیاورند می بلعد. هر دستوری به او داده شود؛ انجام خواهد داد. وقتی حمله می کند، هر چه را که به نیرنگ ساخته اند می بلعد، و برایش دو شعبه باز خواهد شد که یکی در زمین و دیگری در سقف باشد، و میان آن ها (میان دو

فکش) چهـل ذراع فاصـله باشـد، و نیرنـگ سـاخته ها را با زبانش می بلعـد (چنانچه در زمان موسـی علیه السـلام جادوهای جادوگران را بلعید.))

الکافی، کلینی، محمد، ج 1، ص 231.

ص: 141

باب سی و یکم

این معجزه حضـرت مهدی علیه السـلام نیز شکست بزرگ دیگری را بر مخالفان حضرت تحمیل می کند. سران کفر و معاندان که متوجه ضعف و ناتوانی خود در رویارویی مسـتقیم با حضـرت مهدی علیه السـلام می شوند، از طریق مقابله غیرمستقیم وارد عمل می شوند. این افراد توسط منافقان، شـبکه های نفوذ را در لشـکریان و طرفـداران حضـرت مهـدی علیه السـلام ایجاد می کنند تا بتوانند ضـربه نهایی را بر حضـرت وارد کننـد. این شـبکه ها شـروع به شـبهه افکنی می کنند و چنان فتنه ای ایجاد می کنند که تشـخیص حق از باطل در آن بسـیار سخت خواهد بود تا بدین وسـیله بتوانند سپاه حضرت مهدی علیه السلام را از هم بپاشند و جبهه حق را شکست دهند. این فتنه بسیاری از افراد و یاران حضرت مهدی علیه السلام را در اختلاف می اندازد و سختی بزرگ و موقعیت بسیار خطرناکی را ایجاد می کند.

اختلافات در بین سـپاه حضـرت بالا می گیرد و در تشـخیص حق از باطل با هم درگیر می شوند چنانکه راه را برای ادامه نهضت حضـرت مهدی علیه السلام و یاران ایشان بسیار سخت می کند و ادامه این وضعیت می تواند به از هم پاشیدن سپاه حضرت بینجامد!

ص: 142

حضرت مهدی علیه السلام و یاران خاص ایشان در این فتنه، سخنرانی ها و روشنگری ها می کنند تا بتوانند این فتنه پیچیده را برای همگان تبیین کننـد. در نهایت، حضـرت مهدی علیه السـلام ، برای وارد کردن ضـربه نهایی به این شـبکه های نفوذی و نابودی منافقان، از عصای حضـرت موسـی علیه السـلام و انگشتر حضـرت سـلیمان علیه السـلام اسـتفاده می کند. حضرت مهدی علیه السلام ، عصایموسی علیه السـلام را می اندازد و صورت اهل ایمان نورانی می شود؛ و انگشتر سـلیمان علیه السـلام را نیز بر روی افراد مظنون می گذارد. اگر آن فرد مؤمن باشد این کلام بر آن نقش می بندد: «این مؤمن حقیقی است» و اگر کافر باشد برآن نوشـته می شود: «این کافر حقیقی است» و افراد منافق شـناسایی و رسوا می گردنـد تا جایی که فرد مؤمن نـدا سـر می دهـد: «ای کافر! وای برتو» و کافر نـدا کنـد: «ای مؤمن! خوشا بر تو، دوست داشـتم که امروز مثل تو بودم و به پیروزی بزرگ می رسـیدم» و بدین سان افراد منافق عضو شـبکه های نفوذی حضرت شناخته می شوند و سپاه حضرت پاکسازی می شود.

ص: 143

احادیث و نکته باب سی و یکم:

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از صحبت درباره دجّال فرمود:

(«يَقْتُلُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِالشَّامِ عَلَى عَقَبَةٍ تُعْرَفُ بِعَقَبَةِ أَفِيقٍ لِثَلَاثِ سَاعَاتٍ مَضَتْ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ عَلَى يَدِ مَنْ يُصَلِّي الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام خَلْفَهُ أَلَا إِنَّ بَعْدَ ذَلِكَ الطَّامَّةَ الْكُبْرَى»، قُلْنَا: «وَ مَا ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟» قَالَ: «خُرُوجُ دَابَّةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنْ عِنْدِ الصَّفَا مَعَهَا خَاتَمُ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ عَصَا مُوسَى عليه السلام يَضَعُ الْخَاتَمَ عَلَى وَجْهِ كُلِّ مُؤْمِنٍ فَيَنْطَبِعُ فِيهِ: «هَذَا مُؤْمِنٌ حَقّاً»، وَ يَضَعُهُ عَلَى وَجْهِ كُلِّ كَافِرٍ فَيَنْكَتِبُ: «هَذَا كَافِرٌ حَقّاً»، حَتَّى إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُنَادِي: «اَلْوَيْلُ لَكَ يَا كَافِرُ»، وَ إِنَّ الْكَافِرَ يُنَادِي: «طُوبَى لَكَ يَا مُؤْمِنُ وَدِدْتُ أَنِّي الْيَوْمَ كُنْتُ مِثْلَكَ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»»)

(«خدا می کشد (دجّال را) به دست کسی که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند (یعنی امام زمان علیه السلام) هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته است و بدانید که بعد از آن سختی بزرگی واقع خواهد شد.»،گفتیم:«یا امیرالمؤمنین علیه السلام آن چیست؟» فرمود:«خروج دابّه الارض (منظور امام زمان علیه السلام) از کوه صفا که همراه او انگشتر سلیمان علیه السلام و عصای موسی علیه السلام است. آن انگشتر را بر روی هر مؤمنی

که بنهد این کلام بر آن نقش می بندد: «این مؤمن واقعی است» و بر روی هر کافری بنهد برآن نوشته شود: «این کافر واقعی است» تا جایی که مؤمن نـدا سـر می دهد: «ای کافر! وای برتو»، و کافر ندا کند: «ای مؤمن! خوشا برتو، دوست داشـتم که امروز مثل تو بودم و به پیروزی بزرگ می رسیدم.»»)

کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، محمد، ج 2، ص 527.

پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره ظهور امام زمان علیه السلام فرمود:

(تَخْرُجُ الدَّابَّةُ وَ مَعَهَا عَصَى مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ فَتَجْلُو وَجْهَ الْمُؤْمِنِ بِالْعَصَا وَ تَخْتِمُ اَنْفَ الْكَافِرِ بِالْخَاتَمِ)

(بیرون می آید در حالتی که عصای موسـی علیه السـلام و انگشتر سـلیمان علیه السـلام در دست اوست. پس به وسـیله عصای موسیعلیه السلام صورت های اهل ایمان روشن می شود و به وسیله انگشترسلیمان دماغ کفّار و دشمنان حق مهر می شود.)

الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، سید بن طاووس، علی، ص 100.

ص: 145

نکته :

«دابه الارض» در لغت به معنای «جنبنده ی زمینی» است، یعنی جنبنده ای که از زمین خارج می شود. این عبارت در قرآن نیز وجود دارد ولی به صورت مبهم گویی و سربسته بیان شده است و از اسرار قرآن است؛ لذا مفسرین برای تفسیر «دابه الارض» به احادیث رجوع کرده اند که مبحثی بسیار تخصصی است.

نتیجه ی این بحث، این است که «دابه الارض» یک مفهوم گسترده ای است که به همه ی افراد ذیل اطلاق می شود؛ و این افراد در زمان ها و مکان های مختلف از زمین خارج می شوند :

1) امام زمان علیه السلام :

احادیثی داریم که می گوید «دابه الارض» از کوه صفا در مکه خارج می شود و همراه او انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام و عصای حضرت موسی علیه السلام است. احادیث دیگری نیز داریم مبنی بر اینکه، حضرت مهدی علیه السلام از مکه خروج و قیام می کند و یا اینکه انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام و عصای حضرت موسی علیه السلام اکنون نزد حضرت مهدی علیه السلام می باشد. لذا بر این اساس ، امام زمان علیه السلام یکی از مصادیق «دابه الارض» است.

2) امیرالمؤمنین علیه السلام :

بعضی از احادیث، امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان «دابه الارض» معرفی می کند که مربوط به رجعت آن حضرت می باشد.

1) دیگر ائمه اطهارعلیهم السلام :

بعضی از مفسرین، بر اساس آیات و احادیث، دیگر ائمه اطهار:را نیز از مصادیق «دابه الارض» در هنگام رجعتشان می دانند.

ص: 147

دفاع در برابر بزرگترین هجوم و فتح دنیا

باب سی و دوم

دشـمنان و معاندان حضـرت مهدی علیه السلام که در تمامی نبردهای نرم با حضرت شکست خورده اند، هنگامی که می بینند با گذشت زمان، مردم گروه گروه به حضـرت ایمان می آورنـد و آنان روز به روز ضـعیف تر می شونـد و از تعـدادشان کاسـته می شود و بر طرفداران حضـرت مهدی علیه السلام افزوده می شود و اگر اوضاع به همین منوال پیش برود، نابودی آن ها قطعی خواهد بود؛ لذا تنها راه بقای خود را در جنگ نظامی با حضـرت مهدی علیه السلام می بینند و تصمیم به شکستن صلح با امام عصر علیه السلام و جنگ با ایشان می گیرند. در این شـرایط، دشمنان حضرت، که اکثراً از یهودیان و مسیحیان غربی هستند، با هشتاد لشکر که حدود یک میلیون نفر است، برای جنگ با امام مهدی علیه السلام به راه می افتند و از راه زمین و دریا به سمت بیت المقدس حرکت می کنند. وقتی به ساحل

می رسند، فرمانروای آنها کشتی هایشان را به آتش می کشد و به یاران خود می گوید: «از سرزمین و کشورتان دفاع و مبارزه کنید.»

وقتی لشکریان به روستایی در ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف می رسند، جوانان اصحاب کهف به همراه سگ شان از خواب بیدارمی شوند و از غار بیرون می آیند. لشکریان، اصحاب کهف را می بینند و بعد از پرس و جو، اطمینان پیدا می کنند که ایشان همان اصحاب کهف هستند، لذا به آن ها ایمان می آورند و این معجزه را نشانه ای برای حقانیت خود و پیروزی علیه مسلمانان می شمارند. اصحاب کهف به آن ها می پیوندند و به سوی لشکر مسلمانان پیش می روند. وقتی که لشکر غربی ها به سپاه امام عصر علیه السلام می رسد، جوانان اصحاب کهف نزد حضرت مهدی علیه السلام می روند و با حضرت بیعت می کنند و میراث هایی که با خود دارند (میراث اصحاب کهف) را تقدیم آن حضرت می کنند که این موضوع باعث تحیر و عصبانیت لشکریان غربی می شود و مدعی می شوند که این فریب و سناریوی از قبل طراحی شده توسط شیعیان و حضرت مهدی علیه السلام است.

حضرت مهدی علیه السلام بعد از بیعت با اصحاب کهف، یکی از آنان به نام ملیخا را به سوی لشکریان غربی می فرستد تا با آن ها صحبت کند و با

استفاده از میراث خود، حقانیت خود را ثابت نماید و آن ها را به اسلام دعوت کند و از جنگ منصرف نماید. ملیخا به نزد رومیان غربی می رود و با آن ها گفتگو و مباحثه می کند ولی موفق نمی شود. سپس حضرت مهدی علیه السلام فرد دیگری از اصحاب کهف به نام خملاها را به سوی لشکریان غربی می فرستد تا با آن ها صحبت کند. خملاها نیز اطاعت کرده و با لشکر دشمن گفتگو می کند که در این گفتگو و مباحثه پیروز می شود و با میراث اصحاب کهف، حقانیت خود و همراهانش را اثبات می کند و سپاه دشمن را به دین اسلام دعوت می کند. بدین وسیله خملاها موفق می شود، تعدادی از افراد لشکر دشمن را مسلمان و به سپاه حضرت ملحق کند.

باقیمانده لشکر غربی ها که دوباره متحمل شکست شده اند و مصمم به جنگیدن با امام هستند، وارد نبرد سنگینی با امام عصر علیه السلام می شوند. این نبرد آنقدر بزرگ و گسترده است که کلیه جبهه های مقاومت و حتی شیعیان یمن و کلیه سپاهیان حضرت با آنان وارد جنگ می شوند. همچنین امدادهای الهی نیز به کمک آنان می آید و بعد از یک نبرد سخت و نفس گیر، یهودیان و مسیحیان غربی شکست سختی می خورند و بسیاری از آنان کشته می شوند و پیروزی بزرگ و آشکاری نصیب مسلمانان می شود.

احادیث باب سی و دوم:

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

(يَا عُوفُ، اُعْدُدْ سِتَّةً بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ... وَ فِتْنَةٌ لاَ يَبْقَى بَيْتٌ مِنَ الْعَرَبِ إِلاَّ دَخَلَتْهُ، وَ هُدْنَةٍ وَ تَكُونَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ بَنِي الْأَصْفَرِ، ثُمَّ يَغْدِرُونَكُمْ فَيَأْتُونَكُمْ تَحْتَ ثَمَانِينَ غَايَةً تَحْتَ كُلِّ غايةٍ اِثْنَا عَشَرَ اَلْفاً)

(ای ع-وف، پیش از رستاخیز شش حادثه را متذکر باش... از جمله فتنه و آشوبی را ك-ه خ-ان-ه ای از ع-رب خ-الی از آن ف-ت-ن-ه ن-خ-واهد بود. حادثه بعدی صلح است، میان شما و بنی اصفر (غربی ها)، سپس با شما پیمان شکنی می کنند و با هشتاد لشکر که هر يك متشکل از 12 هزار سرباز است به شما حمله ور می شوند.)

بشارة الاسلام في علامات المهدي عليه السلام، کاظمی، سید مصطفی، ص 54-53.

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود:

(وَ يُنَادِيَ مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ عِنْدَ الْفَجْرِ: «يَا أَهْلَ الْهُدَى اِجْتَمِعُوا!» وَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ الْمَغْرِبِ بَعْدَ مَا

يَغِيبُ الشَّفَقُ: «يَا أَهْلَ الْبَاطِلِ اِجْتَمِعُوا!»... وَ تَخْرُجُ دَابَّةُ الْاَرْضِ، وَ تُقْبِلُ الرُّومُ إِلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ عِنْدَ كَهْفِ الْفِتْيَةِ ، فَيَبْعَثُ اللّهُ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ، مِنْهُمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: مَلِيخَا وَ آخَرُ خَمْلَاهَا، وَ هُمَا الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

(در ماه رمضان به هنگام صبح از ناحيه مشرق ندا دهنده اي بانگ برمي آورد كه: «اي اهل ايمان گرد هم آييد» و از ناحيه مغرب پس از ناپديد شدن شفق، ندا كننده اي ندا سر دهد: «اي اهل باطل گرد هم جمع شويد»... و حضرت مهدی علیه السلام خروج می کند، و روميان (غربی ها) به ساحل دريا نزديك غار اصحاب كهف (جهت نبرد) روي می آورند و خداوند آن جوانان را با سگ شان از غارشان برمي انگيزد، در بين آنان دو مرد به نام مليخا و خملاها هستند كه اين دو تسليم اوامر حضرت قائم عليه السلام خواهند بود.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 275-274.

حديث أميرالمؤمنين عليه السلام :

(يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ بِخُرُوجِ دَابَّةِ الْأَرْضِ، وَ تُقْبِلُ الرُّومُ إِلَى قَرْيَةٍ بِسَاحِلِ الْبَحْرِ عِنْدَ كَهْفِ الْفِتْيَةِ، وَ يَبْعَثُ اللَّهُ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ إِلَيْهِمْ، مِنْهُمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مَلِيخَا وَ الآخَرُ كمسلمينا وَ هُمَا

الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ. فَيَبْعَثُ أَحَدَ الْفِتْيَةِ إِلَى الرُّومِ فَيَرْجِعُ بِغَيْرِ حَاجَةٍ وَ يَبْعَثُ بِالآخَرِ فَيَرْجِعُ بِالْفَتْحِ)

(با خروج حضرت قائم علیه السلام ، حقّ و باطل از هم جدا می شود، و رومیان (غربی ها) به سمت روستایی در ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف (جهت نبرد) رو می آورند، و خدا جوانان را از غارشان به سمت آنان برمی انگیزد. مردی از آنان به نام «ملیخا» و مرد دیگری به نام «کمسلمینا» (خملاها) هستند که دو شاهد تسلیم شونده ی قیام قائم علیه السلام هستند. آن حضرت یکی از اصحاب کهف را به سمت روم می فرستد و او نمی تواند کاری بکند، و فرد دیگری(خملاها) را می فرستد که فاتحانه برمی گردد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 85.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

(يَكُونَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ بَنِي الْأَصْفَرِ الرُّومُ هُدْنَةً، فَيَغْدِرُونَ بِكُمْ فِي حَمْلِ اِمْرَأَةٍ، يَأْتُونَ فِي ثَمَانِينَ غَايَةً فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَحْتَ كُلِّ غَايَةٍ إِثْنَا عَشَرَ أَلْفاً حَتَّى يَنْزِلُوا بَيْنَ يَافاً وَ عُكّاً، فَيُحْرِقُ صَاحِبُ مَمْلِكَتِهِمْ سَفُنَهُمْ، يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: «قَاتِلُوا عَنْ بِلَادِكُمْ»، فَيَلْتَحِمُ الْقِتَالَ وَ يَمُدُّ الْأَجْنَادُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً حَتَّى يُمِدَّكُمْ مَنْ بِحَضْرَمَوْتَ

مِنَ الْيَمَنِ، فَيَوْمَئِذٍ يَطْعَنُ فِيهِمُ الرَّحْمَنُ بِرُمْحِهِ وَ يَضْرِبُ فِيهِمْ بِسَيْفِهِ وَ يَرْمِي فِيهِمْ بِنُبْلِهِ وَ يَكُونُ مِنْهُ فِيهِمُ الذَّبْحِ الْأَعْظَمُ)

(بین شـما و زرد پوسـتان روم (غربی ها) صلحی برقرار می شود که آن ها به مدت بارداری زنی (بعد از 9 ماه) به شما خیانت می کنند و با هشـتاد لشـکر از راه زمین و دریا به شـما حمله ور می شوند که هر لشـکر شامل دوازده هزار سرباز است که بین یافا و عکا فرود می آیند و فرمانروای آن ها کشتی هایشان را به آتش می کشاند و به یاران خود می گوید: «از سرزمین و کشورتان دفاع و مبارزه کنید.»، آنگاه جنگ و کشـتار از دو طرف آغاز می شود. و سـربازان و سـپاهیان به کمك یکدیگر می شـتابند. حتی کسانی که در حضـرموت یمن (شیعیان یمن) هسـتند به یاری شـما می آیند. در آن روز خداوند با نیزه و شمشیر و تیر خودشان به آن ها ضربه می زند و آسیب می رساند (امداد الهی) و در میان آن ها بزرگترین کشتار رخ خواهد داد.)

الفتن، مروزی، نعیم، ج 2، ص 505.

باب سی و سوم

با شکست یهودیان و مسیحیان غربی، آنان تسلیم امام مهدی علیه السلام می شوند و از ایشان امان می خواهند. حضرت نیز به ایشان امان می دهـد و با عطوفت و رحمت با ایشان برخورد می کنـد. حضـرت مهدی علیه السـلام اجازه می دهد که هر کس با هر عقیده و دینی که دارد، در امنیت کامل در حکومت جهانی زندگی کند؛ ولی مانع اجرای عدالت جهانی نشود و در جامعه به کسـی ظلمی روا ندارد و مخل امنیت نشود و به قوانین اجتماعی پایبند باشد. همچنین باید در ازای برخورداری از حمایت حکومت، به دولت اسلامی جزیه بدهد.

از طرفی دیگر حضـرت مهدی علیه السـلام به مسلمانان هم دستور می دهد و می گوید: «آنان جزو شهروندان شما هستند و حق اذیت و آزار و هرگونه تعرضی به آنان را ندارید و باید به حقوق شهروندی آنان احترام بگذارید.»

حدیث و نکات باب سی و سوم:

حدیث از امام صادق علیه السلام :

ص: 156

(... قُلْتُ: «فَمَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الـذِّمَّةِ عِنْـدَهُ؟» قَالَ: «يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللّهِ صـلی الله علیه و آله ، وَ يُؤَدُّونَ الْجِزْيَـةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ»)

(... (ابوبصـیر می گوید) به امام صادق علیه السـلام عرض کردم: « اهل ذمّه در نظر امام مهدی علیه السلام چگونه خواهند بود؟» فرمود: «با آنان از راه مدارا و مسالمت وارد می شود و صلح می کند. همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان صلح کرد و در حالی که تسلیم هستند (در قبال مدارا) مأمور به پرداخت جزیه می شوند.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 376 ؛ المزار الکبیر، مشهدی، محمد، ص 135 .

ذکر دو نکته:

1) اهل ذمه، به غیرمسلمانانِ اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و صابئین و ...) می گویند که با مسلمانان عهد و پیمان بسته اند تا در کشور اسـلامی و در پناه دولت اسـلام در امان باشـند و شـرایطی را که دولت اسـلامی برای آن ها تعیین می کنـد، می پذیرنـد. دولت اسـلامی از اهل ذمه به عنوان شـهروند حمایت می کنـد و هیـچ مسـلمانی حق تعرض به آنان را ندارد. اهل ذمه نیز متعهد می شوند که به دولت اسلامی جزیه بدهند و از هرآنچه که با امنیت و صلح

منافات دارد، مانند جنگ و آزار رساندن به مسلمانان، همچنین تظاهر به محرمات اسلامی و... بپرهیزند.

2) با اینکه در آخرالزمان، اسلام به صورت آیین رسمی، همه جهان را زیر لوای حکومت واحد اسلامی فراخواهد گرفت، هیچ مانعی ندارد که اقلیتی از یهود و نصارا در پناه حکومت مهـدی علیه السـلام زنـدگی کنند. چنانکه از برخی از آیات قرآن، نظیر آیه 14 سوره مائده و آیه 55 سوره آل عمران، باقی ماندن پیروان مسیحیت و یهودیت تا دامنه قیامت استفاده می شود.

ص: 158

باب سی و چهارم

امام مهـدی علیه السـلام که هماننـد پـدری دلسوز برای مردم و راهنمای هـدایت و نجات دهنـده مردم از جهالت و بلاها است و رسالت هدایت بشر به سمت کمال و سعادت واقعی را دارد، نمایندگانی از یاران شایسته و متقی خود، به سرتاسر دنیا می فرستد تا بدین طریق مردم دنیا را با تنها راه سعادت بشری یعنی اسلام حقیقی آشنا کنند و بزرگترین رسالت امام عصر علیه السلام که ایجاد عدالت و امنیت جهانی و صلح بین المللی است، را به آنان عرضه نمایند.

حضـرت مهدی علیه السـلام ، قبل از فرسـتادن نمایندگان خود به سرتاسـر دنیا، به کمک حضرت مسیح علیه السلام آن ها را تحت تعالیم سنگین خود قرار می دهـد که مهمترین آن تعالیم، آموزش قضاوت بین مردم است. به طوری که آن ها باید با هر کس طبق کتاب خودشان قضاوت کنند و این لازمه ایجاد عدالت و امنیت و صـلح بین المللی است. سـپس حضرت مهدی علیه السلام دستی بر سر آنان می کشد؛ به طوری که عقل ها و افکار و اخلاق شان کامل می شود. همچنین امام عصـر علیه السـلام به آن ها می فرماید که وظایف هر یک از شما در کف دست تان است، پس هرگاه برایتان

جریانی پیش آمد که نمی دانستید باید چه کار کنید و چگونه قضاوت کنید به کف دست تان نگاه کنید و طبق آنچه در آن وجود دارد عمل و قضاوت کنید.

نمایندگان حضـرت مهدی علیه السلام ، اسلام حقیقی را به مردم عرضه می کنند و در مقابل، تبلیغ عقاید برای مردم آزاد است و هیچ گونه اجباری در پذیرش اسـلام نیست. ولی هیچ کدام از این عقایداز لحاظ منطقی تاب مقاومت در برابر عقاید نمایندگان حضـرت مهدی علیه السـلام را ندارد که این خود دلیلی بر حقانیت مکتب راستین اسـلام در برابر چشـمان جهانیان است. همچنین نمایندگان حضـرت مهدی علیه السـلام برنامه عـدالت جهانی امام عصـر علیه السـلام را بر مردم جهان عرضه می کننـد و هشـدار می دهنـد که این خط قرمز دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و بر اساس آن کسی حق تجاوز به حقوق دیگران یا ظلم در حق کسی را ندارد و با هرگونه فعالیت علیه صلح و امنیت و عدالت برخورد می شود.

احادیث و نکته باب سی و چهارم:

امام رضا علیه السلام در توصیف امام می فرماید:

(اَلْإِمَامُ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَ السِّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ النَّجْمُ الْهَادِي

فِي غَيَاهِبِ الدَّجَى وَ أَجْوَازِ الْبُلْدَانِ وَ الْقِفَارِ وَ لُجَجِ الْبِحَارِ، اَلْإِمَامُ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمَإِ وَ الدَّالُّ عَلَى الْهُدَى وَ الْمُنْجِي مِنَ الرَّدَى... اَلْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ الْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ، وَ مَفْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّآدِ)

(امام، ماه کامل نورانی و چراغ روشن و نور درخشان و ستاره راهنما در اعماق تاریکی ها و گذرگاه ها و بیابان ها و ژرفای دریاهاست. امام، آب گوارا برای تشنگان، راهنمای هدایت و نجات دهنده از بلا است... امام، انیس و دوست مردم است و همانند پدری دلسوز و برادری مهربان و مادری پرعاطفه نسبت به فرزند کوچکشبه آن ها مهر می ورزد، امام، به منزله یک پناهگاه امن برای مردم در هنگام وقوع پیشامدهای ناگوار است.)

الکافی، کلینی، محمد، ج 1، ص 200.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلاً، يَقُولُ: «عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ، فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَاتَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فيهِ، فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ، وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا»)

(آن زمان که قائم علیه السلام قیام کند در هر قسمتی از قسمت های زمین مردی را می فرستد و می فرماید: «پیمان تو (آنچه را که وظیفه داری

انجام دهی) در کف دست توست. پس هر گاه جریانی برایت واقع شـد که آن را نفهمیـدی و ندانستی که درباره آن چگونه قضاوت کنی، به کف دستت نگاه کن و به آنچه در آن وجود دارد قضاوت نما.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 365.

امام سجاد علیه السلام در حدیثی می فرماید:

(إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرٍ خَفِيٍّ وَ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَاةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَةَ وَ يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَاةِ بِالتَّوْرَاةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ)

(مهـدی علیه السـلام برای این مهـدی علیه السـلام نامیـده شـده که به امری پنهان هدایت می کند و تورات و سایر کتاب های (آسـمانی) خدای عزّوجلّ را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و میان اهل تورات با تورات و میان اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و میان مسلمانان با قرآن قضاوت می کند.)

الغیبة، نعمانی، محمد، ص 237.

امام باقر علیه السلام فرمود:

(إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ)

(هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می نهد و عقل های ایشان را با آن جمع می کند و افکارشان با او کامل می شود.)

الکافی، کلینی، محمد، ج 1، ص 25.

نکته:

حضرت مهدی علیه السلام دست قدرت، مهربانی، نعمت و ولایت خود را بر سر بندگان قرار می دهد؛ و دست قدرت و عطوفت او همان دست قدرت و مهربانی خدای تعالی است.

همچنین امام باقر علیه السلام در حدیثی دیگر فرمود:

(إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ)

(هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می نهد و عقل های ایشان را با آن جمع می کند و اخلاق شان با آن کامل می شود.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 336 ؛ الخرائج و الجرائح، راوندی، قطب الدین، ج 2، ص 840.

باب سی و پنجم

وقتی نماینـدگان حضـرت مهدی علیه السـلام پیام های خود را به مردم جهان رساندند، با رسـیدن اسـلام حقیقی و پیام حضـرت به گوش جهانیان، این پیام در دل انسان های خسـته و مأیوس، نور امیدی می تاباند و انسان های تشـنه معنویت و عدالت و خسته از پوچی و ظلم و فسـاد را به جنبش و تحرک وامی دارد تـا جـایی که حتی در درون کشورهای مسـیحی و یهودی، گروه ها و جماعت های زیادی به صورت خودجوش شـکل می گیرد و خود را برای کمـک به امـام آمـاده می کننـد. در نتیجه، بسـیاری از کشورهـا به وسـیله ی انقلاـب ملت های خودشان فتـح می شوند. چرا که ملت ها حکومت های خود را که مخالف حضـرت مهدی علیه السـلام و حضـرت مسـیح علیه السـلام است، سـرنگون می سازنـد و حکومت های طرفدار آن حضـرت را بر پا می دارند. بدین وسـیله دروازه های پیروزی برای فتح اروپا و غرب مسیحیت به روی آن حضرت گشوده می شود.

با شـکل گرفتن این گروه ها و جماعت ها، حکومت های این مناطق، هرچند هم که مصـمم بر مقاومت و جنگ باشند، ناگزیر از نرمش و اقدام مسالمت آمیز خواهند بود؛ چرا که حاکم در چنین شرایطی مانند

شخص غیرمسـلحی است که هیـچ توان و نیرویی نـدارد و تـدریجاًدولت های کافر درمی یابنـد که آینـده جهان در دست امام مهدی علیه السـلام خواهد بود و این حقیقتی است که گریزی از آن نیست یا اینکه دست کم حکومت امام مهدی علیه السلام هم چون دولت بزرگی خواهد بود که جبهه گیری و رویارویی با او بسیار مشکل است.

وقتي حضـرت مهدي عليه السلام جايي را قصد كند، دشمن پيشاپيش دچار ترس و وحشت می شود و توان رويارويي و ايستادگي در برابر سپاهيان حضـرت را از دست مي دهد. وقتي لشـكريان حضرت مهدی عليه السلام از جايي حركت مي كنند، كسي جرأت شورش ندارد. زيرا دشـمن از لشـكريان حضـرت دچار وحشت مي شود. بنابراين بهترين روش دولت ها نزديک شدن به حضـرت مهدی عليه السـلام و داشتن برخوردی محترمانه است.

با وجود چنين نرمشـی از سوی دولت ها، حضـرت مهـدی عليه السـلام كه پيشاپيش سـپاه خود صـندوق عهد را حمل می كند، به كمک صنـدوق عهـد شـهرها را می گشايـد و بدون درگيری، كشورها را فتح می كند و زمين، مانند تكه كاغذی كه در دست می پيچد، در اختيار حضرت مهدی عليه السلام قرار می گيرد و اين نقطه عطفی در تاريخ زندگانی بشريت است.

ص: 165

با قیام و فتح دنیا توسط آن حضرت، مقدمه تاریخ بشریت به اتمام می رسد و فصل جدیدی از زندگی حقیقی مردم در جهان آغاز می شود.

احادیث باب سی و پنجم:

حدیث امام صادق علیه السلام :(يُؤَيِّدُهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ بِالْمَلَائِكَةِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الرُّعْبُ)

(خداوند، حضرت قائم علیه السلام را با سه لشکر یاري مي دهد: فرشتگان، مؤمنان و رعب (ترس انداختن در دل دشمن))

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 356.

امام صادق علیه السلام در حدیثی مي فرماید:

(اَلْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ)

(قائم علیه السلام ما اهل بیت با ترس و رعب یاري مي شود.)

مستدرك الوسائل، نوری، حسین، ج 12، ص 335.

امام باقر عليه السلام مي فرمايد:

(لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ... وَ الرُّعْبُ يَسِيرُ مَسِيرَةَ شَهْرٍ أَمَامَهُ وَ خَلْفَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ)

(هنگامی که حضـرت مهدی علیه السـلام قیام کرد، توسط فرشـتگان یاری می شود... و رعب و ترس به فاصله یک ماه پیشاپیش او، پشت سر او و از راست و چپ او حرکت می کند.)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 234.

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود:

(اَلْقائِمُ مِنّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَي لَهُ الْأَرْضُ)

(مهـدی علیه السـلام مـا با رعب و وحشتی که در دل دشـمنانش افکنـده می شود، یاری و پیروز مي شود. زمین چون تکه کاغـذی که در دست می پیچد، در اختیارش قرار می گیرد.)

المحجة البيضاء، فيض كاشانی، محمد، ج 4، ص 341.

باب سی و ششم

حضـرت مهدی علیه السـلام برای تشـکیل حکومت جهانی، کوفه را محل حکومت خود و مسجد جامع کوفه را محل حکم فرمایی خود قرار می هد. همچنین آن حضـرت، مسجد سهله را برای زندگی خود انتخاب می کند و این مسجد را محل تقسیم بیت المال قرار می دهد. مسـجد سـهله در شـرق نجف، یعنی در شـهر کوفه قدیم، قرار دارد که فاصله آن تا مسجد کوفه دو کیلومتر است. محل استراحت و خلوت حضرت مهدی علیه السلام نیز در تپه های سفید شهر نجف است.

احادیث باب سی و ششم:

مفضّل می گوید: خدمت امام صادق علیه السـلام بودم، عرض کردم: ای مولای من، خانه حضـرت مهدی علیه السلام و محل اجتماع به دور آن کجا خواهد بود؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

(دَارِ مُلْکِهِ الْکُوفَـةُ، وَ مَجلِسُ حُکْمِهِ جَامِعُهَـا، وَ بَیْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْـلِمِینَ مَسْـجِدُ السَّهْلَـةِ، وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الـذَّکَوَاتُ الْبِیْضُ مِنَ الْغَرِیِّینَ)

ص: 168

(محل حکومت او کوفه و محل حکم فرمایی او مسجد جامع کوفه و محل تقسیم بیت المال، مسجد سهله و محل خلوت (استراحت آن حضرت)، تپه های سفید و درخشان نجف است.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 11.

ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

(«يَا بَا مُحَمَّدٍ كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عَيَالِهِ»، قُلْتُ: «يَكُونُ مَنْزِلَةً؟» قَالَ: «نَعَمْ، هُوَ مَنْزِلُ إِدْرِيسَ عليه السلام وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً إِلَّا وَ قَدْ صَلَّى فِيهِ، وَ الْمُقِيمُ فِيهِ كَالْمُقِيمِ فِي فُسْطَاطِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله »)

(«ای ابا محمد، گویا من فرود آمدن قائم علیه السلام با اهل و عیالش را در مسجد سهله می بینم»، پرسیدم: «منزل او در مسجد سهله است؟» فرمود: «بله و آنجا منزل ادریس علیه السلام است. خدا هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر اینکه در این مسجد نماز خواند و کسی که در آن اقامت کند، مانند کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله اقامت گزیده است.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 317.

عدالت جهانی و خشنودی اهل آسمان و زمین

باب سی و هفتم

حضـرت مهدی علیه السـلام پس از فتح تمام دنیا حکومت عدالت و صلح جهانی را اجرا می کند. در حکومت جهانی ایشان خریداری و آزاد کردن تمام اسـرا و بنـدگان در دسـتور کار قرار می گیرد تا جایی که هیچ فرد اسـیری در دنیا باقی نمی ماند جز آنکه آزاد شود. همچنین دسـتور می دهد بدهکاری همه افراد بدهکار بررسـی و پرداخت شود و بدین وسـیله هیچ فرد بدهکاری باقی نمی ماند. به دسـتور حضرت قائم علیه السـلام مظلمه و حقوق تضـییع شده انسان ها بررسـی می شود و به صاحبان آنان بازگردانده می شود. حضرت حتی خون بهای کشتگان انقلاب جهانی خود را نیز می پردازد و حقوق آن ها را تضیع نمی کند.

حضـرت مهـدی علیه السـلام دسـتور می دهد که همه خرابی ها و ویرانی ها که در اثر جنگ ها و درگیری ها ایجاد شده است را از نو و به روش اسلامی

بسازند و آباد کنند تا جایی که هیچ ویرانه ای بر روی زمین باقی نماند.

احادیث باب سی و هفتم:

از حضرت علی علیه السلام نقل است که فرمود:

(فَلَا يَتْرُكُ عَبْداً مُسْتَلِماً إِلَّا اِشْتَرَاهُ وَ أَعْتَقَهُ، وَ لَا غَارِماً إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ، وَ لَا مَظْلِمَةَ لِاَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا، وَ لَا يُقْتَلُ مِنْهُمْ عَبْدٌ إِلَّا أَدَى ثَمَنَهُ دِيَةً مُسَلَّمَةً إِلَى أَهْلِهَا، وَ لَا يُقْتَلُ قَتِيلٌ إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَ الْحَقَّ عَيَالُهُ فِي الْعَطَاءِ حَتَّى يَمْلَأَ الْاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً وَ عُدْوَاناً)

(برده ای نمی ماند، مگر اینکه امام او را خریداری و آزاد می کند؛ و بدهکاری نمی ماند، جز اینکه بدهی او پرداخت می شود. مظلمه و حقی بر گردن کسی نمی ماند، جز اینکه به صاحب حق بازگردانده می شود. کشته ای نمی ماند، مگر اینکه دیه آن را می پردازد؛ و مقتولی نمی ماند، مگر اینکه قرض او را می پردازد و به کسان او کمک می کند، تا زمین را پر از عدل و داد کند. همان گونه که از ظلم و ستم و تجاوز پر شده بود.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، جلد 52، ص 225-224.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

(... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ)

(... (در زمان حکومت مهدی علیه السلام) در تمام زمین، هیچ ویرانه ای نمی ماند، جز اینکه آباد گردد.)

کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، محمد، ج 1، ص 331.

ص: 173

باب سی و هشتم

تمـام اموال دنیـا از دل زمین و روی زمین، نزد حضـرت مهـدی علیه السـلام جمع می شود و زمین گنـج های خود را برای امام زمان علیه السلام خارج می سازد. حضرت مهدی علیه السلام به مردم می گوید: «بیایید به سوی مال و اموالی که به خاطر آن با هم دشمنی کردید و دوستی هایتان را بر هم زدیـد و خون ها ریختیـد و مرتکب انواع حرام ها و جنایت ها شدید.»، سـپس حضـرت بخششـی می کند که هیچ کس پیش از او چنین بخششی نکرده است!

حضـرت اموال را به صورت مساوی میان مردم تقسـیم می کنـد و چنان ثروتی به مردم دنیا می رسـد که تا کنون به هیـچ ثروتمندی در دنیا چنین دارایی و ثروتی نرسـیده است؛ حتی ثروتمندترین افراد دنیا! مردم چنان مرفه و ثروتمند می شوند که فقیری در زمین برای کمک یافت نمی شود و مسـلمانان کسـی را برای دادن صدقات و کمک های مالی پیدا نمی کنند. پس مال زکات را در کیسه می کنند و میان خانه های مردم می چرخانند و به آنان عرضه می کنند؛ اما آنان می گویند نیازی به اموال شما نداریم.

ص: 174

حضرت دستور می دهد همه جا اعلام کنند: «کسی هست که به مالی نیاز داشته باشد؟»، هیچ کس در دنیا اعلام نیاز نمی کند، به جز یک نفر که نزد حضـرت مهدی علیه السـلام می رود و می گوید که من نیازمندم! آن حضرت نیز به او می گوید: «نزد خزانه دار برو و هرچه می خواهی از او بگیر.» این فرد نزد خزانه دار می رود و خزانه دار نیز مـال را به او می دهـد. این فرد مـال را می گیرد، در حالی که در دنیا جز او کسـی متقاضـی این اموال نبوده است و این موجب عذاب وجدان وی می شود و با خود می گوید: «دارایی هایی که به من رسـیدهکمتر از بقیه مردم نبوده است، پس چرا من مـال بیشتری طلب کرده ام؟! حتمـاً من جزء حریص ترین افراد در دنیـا هسـتم.»، لـذا از این کـار خود پشیمان می شود و مال را برمی گرداند. اما حضرت مهدی علیه السلام مال را از او پس نمی گیرد و می گوید: «چیزی که بخشیدیم باز پس نمی گیریم.»

حضـرت مهدی علیه السلام دو بار در ماه به مردم روزی می دهد و در هر سال دو بار به آن ها اموال می دهد و در میان مردم با حقوق برابر رفتار می کند.

ص: 175

احادیث باب سی و هشتم:

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

(... وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ)

(... (در زمان حکومت مهدی علیه السلام) گنج ها بر او ظاهر می شود.)

کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، محمد، ج 1، ص 331.

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود:

(وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الـدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا، فَيَقُولُ لِلنَّاسِ: «تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»، فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطَهُأَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً وَ نُوراً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً وَ شَرّاً)

(تمام اموال دنیا از دل زمین و روی زمین، نزد او (قائم علیه السلام) جمع می شود. پس به مردم می گوید: «بیایید به سوی آنچه (مالی که به خاطر آن) قطع رحم می کردید و خون حرام می ریختید و آنچه خداوند عزوجل حرام کرده بود، مرتکب می شدید.»، پس بخششی می کند که هیچ کس پیش از او نبخشیده بود و زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همچنان که از ظلم و جور و شر پر شده بود.)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 238-237.

ص: 176

در حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

(يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيماً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبِرُّ وَ الْفَاجِرُ)

(همه امت من در زمان ظهور او چنان مرفه زندگی کنند که قبل از وی هیچ نیکوکار و یا فاسقی بدان نعمت نرسیده باشند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 78.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

(يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ علیه السلام نِعْمَةٍ لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا)

(امت من در زمان مهدی چنان غرق در نعمت می شوند که چنین نعمتی هرگز پیش از آن سابقه نداشته است.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 83.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

(يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحاً، فَقَالَ رَجُلٌ: «مَا صِحَاحاً؟» قَالَ: «بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ»، وَ يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله غِنىً وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِياً يُنَادِي يَقُولُ: «مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ؟» فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ، فَيَقُولُ: «أَنَا» فَيَقُولُ: «اِئْتِ السَّدَّانَ يَعْنِي اَلْخَازِنَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ

الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالاً»، فَيَقُولُ لَهُ: «اُحْثُ»، حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَ أَبْرَزَهُ نَدِمَ، فَيَقُولُ: «كُنْتُ أَجْشَعَ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ نَفْساً أَعْجَزَ عَمَّا وَسِعَهُم؟!»، فَيَرُدُّهُ، و لَا يَقبَلُ مِنهُ فَيُقالُ لَهُ: «إِنَّا لَانَأْخُذُ شَيْئاً أَعْطَيْنَاهُ»)

((حضرت مهدی علیه السلام) زمین را از قسط و عدل پر خواهد ساخت؛ همچنان که (پیش از ظهور) از ظلم و جور پر شده بود. با (ظهور) مهدی علیه السلام فرشتگان ساکن آسمان و مردم ساکن زمین از او خشنود می گردند. مهدی علیه السلام اموال را درست تقسیم می کند. مردی از حضرت پرسید: «تقسیم درست چیست؟» فرمود: «به تساوی میان مردم تقسیم می کند.»، پس خداوند دل های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی نیازی پر می کند و عدل مهدی علیه السلام همه مردم را فرامی گیرد؛ تا جایی که مهدی علیه السلام فرمان می دهد تا منادی جار زند: «چه کسی به مالی نیاز دارد؟»، پس از میان مردم، به جز یک نفر، کسی برنمی خیزد و آن یک نفر می گوید: «من نیاز دارم.» پس به او گفته می شود: «نزد خزانه دار برو و به او بگو به راستی که مهدی علیهالسلام به تو فرمان می دهد مالی به من بدهی.» خزانه دار می گوید: «بگیر» و مال را به او می دهد. وقتی مال به دست آن فرد می رسد، پشیمان می شود و با خودش می گوید: «(آیا) از جهت نفسانی، من حریص ترین فردِ

امت محمد صـلی الله علیه و آله بودم یا اینکه از آنچه به دیگران رسیده، به من کمتر رسیده است؟!» سپس از پشیمانی مال را برمی گرداند. اما از او پس گرفته نمی شود و به او گفته می شود: «چیزی که بخشیدیم باز پس نمی گیریم.»)

بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 92.

حدیث امام محمد باقر علیه السلام :

(لَا یَجِدُ الرَّجُلُ مِنْکُمْ یَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِصَدَقَتِهِ)

(در آن روز، مردی از شما برای صدقه و نیکیِ خود، جایی نمی یابد.)

الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، یزدی حائری، علی، ج 2، ص 233.

امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی فرمود:

(إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ... وَ یُعْطِي النَّاسَ عَطَایَا مَرَّتَیْنِ فِي السَّنَةِ وَ یَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَیْنِ وَ یُسَوِّيَ بَیْنَ النَّاسِ، حَتَّی لَا تَرَی مُحْتَاجاً إِلَی الزَّکَاةِ، وَ یَجِيءَ أَصْحَابُ الزَّکَاةِ بِزَکَاتِهِمْ إِلَی الْمَحَاوِیجِ مِنْ شِیعَتِهِ فَلَا یَقْبَلُونَهَا فَیُصِرُّونَهَا وَ یَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ، فَیَخْرُجُونَ إِلَیْهِمْ، فَیَقُولُونَ: «لاَ حَاجَةَ لَنَا فِي دَرَاهِمِکُمْ»،... وَ یَجْتَمِعُ إِلَیْهِ

ص: 179

أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا، فَيُقَالُ لِلنَّاسِ: «تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُم فِيهِ الْمَحَارِمَ»، فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ قَبْلَهُ)

(هنگامی که قائم علیه السلام آشکار شود... و در سال دو مرتبه به مردم عطا خواهد کرد؛ و در ماه دو بار روزی آن ها را خواهد داد؛ و در میان مردم با حقوق برابر رفتار خواهد کرد (و مردم بدان پایه از توانگری می رسند) که نیازمند زکات، نمی یابی و زکات داران زکات شان را نزد شیعیان (به ظاهر) نیازمند می آورند ولی (آنان به خاطر بی نیازی) نمی پذیرند. پس مالِ زکات را در کیسه می کنند و میان خانه های مردم می چرخانند و به آنان عرضه می کنند. اما آنان می گویند: «نیازی به اموال شما نداریم»،... تمامی اموال اهل دنیا از درون و برون زمین، نزد آن حضرت جمع می شود. سپس به مردم گفته می شود: «برای گرفتن آنچه (از مال دنیا که برای به دست آوردن آن) قطع رحم می کردید و خون حرام می ریختید و مرتکب محارم می شدید، بیایید.»، پس حضرت بخششی می کند که هیچ کس پیش از آن چنین بخششی نکرده است.)

بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 391-390.

باب سی و نهم

در دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام چنان عدالتی برقرار می شود که همه اهل آسمان و زمین از آن خشنود می شوند. پرندگان هوا شادی می کنند و ماهیان دریا خوشحالی می کنند. تا جایی که وقتی مردم بر سر قبر مردگان خود می روند، به آن ها می گویند: «ای کاش امروز زنده بودید و این حکومت زیبا و لذت بخش را درک می کردید.»

احادیث باب سی و نهم:

حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله :

(أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِي،... فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، وَ يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ)

(شما را به مهدی علیه السلام بشارت می دهم، ... او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر شده بود. به طوری که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند.)

ینابیع المودة لذو القربی، قندوزی، سلیمان، ج 3، ص 344.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فر ماید:

(فَيَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ، مُتَوَجِّهاً اِلَى الشَّامِ، يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ وَ الْحِيتَانُ فِي الْبَحْر)

(از مکه قیام می کنـد و به سوی شام حرکت می کنـد. اهل آسـمان و زمین به خاطر ظهور او خوشـحال می شونـد. پرندگان هوا شادی می کنند و ماهیان دریا خوشحالی می نمایند.)

الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، سید بن طاووس، علی، ص 142.

در حدیث است:

(وَ أَنَّهُ أَخْبَرَ بِخُرُوجِ الْمَهْدِيِّ علیه السلام وَ أَنَّهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً، وَ تَطِيبُ الدُّنْيَا وَ أَهْلُهَا فِي أَيَّامِ دَوْلَتِه)

(و همانا خبر از قیام مهدی علیه السلام می دهد و اینکه زمین را پر از عدل و داد می کند؛ دنیا و اهل آن در دولت آن حضرت، لذت بخش می شود.)

اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، حر عاملی، محمد، ج 5، ص 234.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

(وَ اللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفِ بُيُوتِهِمْ كَمَا يُدْخَلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُّ)

(به خدا قسم مهدی علیه السلام ، عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می شود، وارد خانه های مردمان کند و دادگری او همه جا را فرا بگیرد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، جلد 52، ص 362.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

(يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَآءِ وَ سَاكِنُ الْاَرْضِ... حَتَّى يَتَمَنَّى الْاَحْيَاءُ الْاَمْوَاتُ تَعِيشُ فِي ذَلِكَ)

(اهل آسمان ها و زمین از او راضی باشند... تا جایی که زندگان دوست دارند مردگان نیز در عصر او باشند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 104.

باب چهلم

در دولت جهانی حضـرت مهـدی علیه السـلام ، اکثر مردم جهان، مسـلمان و مؤمن می شوند و سرتاسـر زمین پر از عدل و داد می شود؛ همـان گونه که از ظلم پر شـده بود. پس آسـمان پی در پی برکـات خود را برای آنـان فرو می ریزد و بـاران های رحمت الهی بر روی زمین جاری می شود. رودخانه ها پر از آب می شود. چشـمه سارها به جوشش می آید و زمین آنچه را که دارد، از گیاهان، بیرون می دهد و همه دنیا سرسبز می شود.

احادیث باب چهلم:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

(وَ تُمَدُّ الْاَنْهَارُ، وَ تُفِیضُ الْعُیُونُ، وَ تُنْبِتُ الْاَرْضَ ضَعْفَ اُکُلَهَا)

(و (در زمان ظهور قائم علیه السـلام) رودخانه ها، پر از آب می شود و چشـمه سارها به جوشـش آمـده، لبریز می گردد و زمین چنـد برابر محصول می دهد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 304.

ص: 184

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

(فِي زَمَانِهِ... يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِم مِدْرَاراً، وَ لَا تَدَّخِرُ الْاَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا)

(در زمان ظهور او... آسمان باران رحمت خود را بر آنان می بارد، و زمین از روییدنی های خود چیزی فرو نمی گذارد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 78.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره زمان ظهور فرمود:

(يَتَنَعَّمُ الْاُمَّةُ وَ تَعِيشُ الْمَاشِيَةُ، وَ تُخْرِجُ الْاَرْضُ نَبَاتَهَا، وَ يُعْطِي الْمَالَ صِحَاحاً)

(مردم در رفاه و چهارپایان در آسایش باشند؛ و زمین، روییدنی های خود را بیرون دهد؛ و او اموال را به طور مساوی میان مردم تقسیم کند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 81.

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

(يَتَنَعَّمُ اُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام نِعْمَةٍ لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ، يُرْسَلُ السَّمَآءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً، وَ لَا تَدَعِ الْاَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ)

(امت من در زمان مهدی علیه السلام ، چنان در فراخی معیشت به سر برند که هیچ گاه پیش از آن ندیده باشند. آسمان پی در پی برکات خود را برای آنان فرو می ریزد؛ و زمین آنچه را که دارد از گیاهان، بیرون می دهد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 83.حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :

(يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، يَمْلَأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، وَ تُمْطِرُ السَّمَاءُ مَطَراً كَعَهْدِ آدَمَ، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا، وَ تَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشاً لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ قَطُّ)

(او در امت من مهدی علیه السلام خواهد بود. همه جا را از عدل و قسط پر خواهد کرد؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر شده بود؛ و آسمان مانند زمان حضرت آدم علیه السلام باران می بارد؛ و زمین برکات خود را خارج می کند؛ و امت من در آن زمان طوری زندگی می کنند که قبل از آن هرگز چنین زندگی نکرده باشند و چنین خوشی ندیده باشند.)

التشريف بالمنن في التعريف بالفتن، سید بن طاووس، علی، ص 322.

احداث مساجد و ایجاد محله های مسجد محور

باب چهل و یکم

حضـرت مهدی علیه السـلام ، در اولین نماز جمعه خود که در مسجد کوفه برگزار می شود، بر بالای منبر می رود و شروع به سخنرانی می کند. در آن زمان چنان جو معنوی و احساسی بر جمع حکمفرما می شود که مردم با آغاز سخنان حضرت، شروع به گریه می کنند و چنان می گریند که نمی فهمند حضرت چه فرمایشاتی دارد.

در نماز جمعه هفته دوم حضـرت مهدی علیه السلام ، چنان جمعیتی به مسجد کوفه می آیند که مسجد کوفه با مساحتی بیش از یازده هزار متر مربع ، گنجـایش آنان را نـدارد. پس از پایان نماز جمعه، مردم خـدمت حضـرت مهـدی علیه السـلام عرض می کننـد: «مسـجد کوفه گنجایش ما را ندارد.»، حضرت می فرماید: «من جایی را برایتان پیدا می کنم.»

امام عصر علیه السلام به سوی نجف می رود و مسجدی را نقشه ریزی می کند که

گنجایش آن همه جمعیت را داشته باشد و سپس دستور ساخت آن را می دهد. در بزرگی این مسجد همین بس که دارای هزار در است.

حدیث باب چهل و یکم:

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

(يَدْخُلُ الْمَهْدِيُّ الْكُوفَةَ... فَيَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمِنْبَرَ وَ يَخْطُبَ، وَ لَا يَدْرِي النَّاسُ مَايَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ... فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةُ، قَالَ النَّاسُ: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلصَّلَاةُ خَلْفَكَ تُضَاهِي الصَّلَاةَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ الْمَسْجِدُ لَا يَسَعُنَا» فَيَقُولُ: «أَنَا مُرتَادٌ لَكُمْ»، فَيَخرُجُ إِلَى الْغَرِيِّ فَيَخُطُّ مَسْجِداً لَهُ أَلْفُ بَابٍ يَسَعُ النَّاسَ عَلَيهِ أَصِيصٌ)

(مهدی علیه السلام وارد کوفه می شود... و وارد (مسجد کوفه) می شود، بر منبر می رود و سخنرانی می کند. مردم چنان می گریند که نمی فهمند چه می فرماید... و زمانی که جمعه دوم می شود، مردم می گویند: «ای فرزند پیامبر خدا، نماز پشت سر تو، مانند نماز پشت سر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است و مسجد، گنجایش ما را ندارد.» او می فرماید: «من (جایی) را برایتان می جویم» و به سوی غرب (نجف) می رود و مسجدی را نقشه ریزی می کند که دارای هزار در است و گنجایش آن مردم را دارد.)

بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 331 ؛ الغيبة، طوسي، محمد، ص 469-468.

باب چهل و دوم

یکی از برنـامه های مهم حضـرت مهـدی علیه السـلام ، ایجاد محله های مسـجد محور است. برای همین منظور، ایشان دسـتور ساخت مساجد بسـیار زیادی را می دهد که با توجه به توسـعه اسلام و ازدیاد مسلمانان و روی آوردن آن ها به مساجد و معنویات، احداث مساجد با مساحت های بسیار زیاد در دستور کار ایشان قرار می گیرد.

احادیث باب چهل و دوم:

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود:

(وَ یَسِیرُ الْمَهْدِیُّ... حَتَّي تَبْنِيَ الْمَسَاجِدُ بِالْقُسْطَنْطَنِیَّةِ وَ مَا دُونَهَا)

(حضرت مهدی علیه السلام به حرکت خود ادامه می دهد... تا اینکه در قسطنطنیه و نزدیک آن چندین مسجد می سازد.)

معجم احادیث الامام المهدي علیه السـلام، کورانی، علی، ج 3، ص 119 ؛ الفتن، مروزی، نعیم، ج 1، ص 349 ؛ الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، سید بن طاووس، علی، ص 66.

روایت امیرالمؤمنین علیه السلام :

(تُبْنَى لَهُ أَرْبَعُ مَسَاجِدَ، مَسْجِدُ الْكُوفَةِ أَصْغَرُهَا)

(چهار مسجد برای قائم علیه السلام ساخته می شود که مسجد کوفه (با مساحت بیش از یازده هزار متر مربع) کوچک ترین آن هاست.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 374 ؛ تهذیب الاحکام، طائفة، محمد، ج 3، ص 254.

ص: 190

باب چهل و سوم

حضـرت مهدی علیه السـلام دسـتور ساخت چهار مسجد با مساحت های بسیار زیاد در کوفه را می دهد و این مساجد محل تعالیم علوم مختلف قرآنی و دینی می شود. به طوری که امام مهدی علیه السلام با کمک حضرت عیسی علیه السلام در آن مساجد، قرآن را همان گونه که نازل شـده است، آموزش می دهنـد؛ به طوری که تمامی علوم را از دل قرآن بیرون می کشـند و به مردم می آموزند. از آنجایی که اولین علوم تا آخرین علوم در قرآن وجود دارد، بدین سان تمامی علوم را به مردم آموزش می دهند.

چنانچه گفته می شود، علم بیست و هفت حرف است. آنچه را که تمامی پیغمبران آورده اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی دانند؛ ولی حضـرت مهدی علیه السلام تمامی علوم را تا آخرین حد آن تعلیم می دهد و در میان مردم منتشر می کند و بدین سان علوم بشر در همه زمینه ها کامل می شود.

زمانی که بسیاری از شاگردان حضرت این علوم را فراگرفتند، خودشان به تعلیم دیگر افراد می پردازند و در مساجد کوفه هزاران خیمه درس

آموزی برپا می شود و از سرتاسر جهان به آن منطقه می آیند تا حدی که زمین در آن مناطق بسیار گران می شود و چنان جمعیتی در آنجا ساکن می شود که شهر کوفه تا فاصله بیست و پنج کیلومتریِ خود، به شهر حیره متصل می شود. لذا حضرت دستور ساخت مسجدی را در حیره می دهد که شامل پانصد در است و دوازده امام جماعت به عنوان پیش نماز در آنجا می گذارد.

یکی دیگر از وظایف افراد و شاگردانِ تعلیم دیده، این است که به مناطق دیگرِ دنیا بروند و چنین جلساتی را در مساجد آن مناطقبرگزار کنند تا این علوم به مردم دنیا منتقل شود. در نتیجه ی این برنامه آموزشیِ حضرت، به اندازه ای به مردم حکمت و فهم و علم داده می شود که یک زن می تواند در خانه اش بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت و رفتار کند.

احادیث باب چهل و سوم:

امام علی علیه السلام فرمود:

(كَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ)

(گویا شیعیانم را می بینم که در مسجد کوفه خیمه ها زده اند و در آن مردم را به همان ترتیبی که قرآن نازل شده است، آموزش می دهند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 364.

امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید:

(كَأَنِّي بِشِيعَةِ عَلِيٍّ فِي أَيْدِيهِمُ الْمَثَانِي يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْمُسْتَأْنَفَ)

(گویا می بینیم که شیعیان علی علیه السلام قرآن ها را در دست دارند و مردم را آموزش می دهند.)

الغيبة، نعماني، محمد، ص 318 ؛ بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 364.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

(مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فَلْيُثَوِّرِ الْقُرْآنَ)

(هر که می خواهد به علم اول و آخر دست یابد، در قرآن کندوکاو کند.)

میزان الحکمة، ری شهری، محمد، ج 9، ص 335.

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود:

(اَلْعِلْمِ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفاً، فَجَمِيعُ مَاجَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمَ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ و الْعِشْرِينَ حَرْفاً فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ، وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ، حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةً وَ عِشْرِينَ حَرْفاً)

(علم بیست و هفت حرف است. آنچه پیغمبران آورده اند، دو حرف است و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف را ندانسته اند. پس موقعی که قائم علیه السلام ما قیام می کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد و آن را در میان مردم منتشر می سازد و آن دو حرف را هم به آن ها ضمیمه می کند تا آنکه بیست و هفت حرف خواهد شد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 336 ؛ الخرائج و الجرائح، راوندی، قطب الدین، ج 2، ص 841.

روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام به حیره تشریف برد و فرمود:

(«لَيَتَصِلَنَّ هَذِهِ بِهَذِهِ وَ أَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى الْكُوفَةِ وَ الْحِيرَةِ حَتَّى يُبَاعَ الذِّرَاعُ فِيمَا بَيْنَهُمَا بِدَنَانِيرَ، وَ لَيُبْنَيَنَّ بِالْحِيرَةِ مَسْجِدٌ لَهُ خَمْسُ مِائَةِ بَابٍ يُصَلِّي فِيهِ خَلِيفَةُ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ، لِأَنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ لَيَضِيقُ عَنْهُمْ وَ لَيُصَلِّيَنَّ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً

عَدْلًا.»، قُلْتُ: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَسَعَ مَسْجِدَ الْكُوفَةَ هَذَا الَّذِي تَصِفَ النَّاسَ يَومَئِذٍ؟!»، قَالَ: «تُبْنَى لَهُ أَرْبَعُ مَسَاجِدَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ أَصْغَرُهَا، وَ هَذَا وَ مَسْجِدَانِ فِي طَرَفَيِ الْكُوفَةِ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ وَ هَذَا الْجَانِبِ» وَ أَوْمَى بِيَدِهِ نَحْوَ الْبَصْرِيِّينَ وَ الْغَرِيَّيْنِ)

(«روزی برسد که کوفه به حیره وصل شود و چنان مرغوبیت پیدا می کند که یک زرع زمین آن به چند اشرفی فروخته می شود، و مسجدی در حیره بنا شود که دارای پانصد در باشد! و نماینده قائم علیه السلام در آن نماز می گزارد. زیرا مسجد کوفه برای آن ها تنگ خواهد بود. دوازده پیش نماز عادل در آنجا نماز می گزارد.»، به حضرت عرض شد: «یا امیرالمؤمنین! آیا مسجد کوفه در آن روز گنجایش این همه جمعیت را که می فرمایید دارد؟» حضرت فرمود: «چهار مسجد برای قائم علیه السلام ساخته می شود که مسجد کوفه کوچک ترین آن هاست. مسجد فعلی کوفه و دو مسجد دیگر در آن روز در این دو طرف کوفه واقع می شود» و با دست مبارک اشاره به نهر اهل بصره و کوفه و نجف کرد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 375-374 ؛ تهذیب الاحکام، طائفة، محمد، ج 3، ص 254-253.

ص: 195

امام محمدباقر علیه السلام فرمود:

(وَ تُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله)

(و در روزگار مهدی علیه السلام به اندازه ای به شما حکمت و فهم داده می شود که یک زن در خانه اش، بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت (رفتار) می کند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 352.

ص: 196

امنیت جهانی و عمرهای هزار ساله

باب چهل و چهارم

بـا تعلیم و تربیت مردم دنیا و کامل شـدن فکر و دانش و اخلاق بشـر، کینه ها از بین مردم رخت بر می بنـدد و آزار انسان ها به کسـی نمی رسـد و سرتاسـر دنیا برای همه امن می شود و انسان ها از آسـیب حیوانات نیز مصون می شونـد. تا جایی که اگر زنی بخواهد با زیورآلات خود به تنهایی از شرق عالم به سمت غرب عالم برود، کسی متعرض او نمی شود و حیوان درنده ای نیز به او آسیب نمی رساند.

حدیث باب چهل و چهارم:

حدیثی از امام علی علیه السلام :

(لَو قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَ ذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ عَنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَ اِصْطَلَحَتِ [السِّبَاعُ]

وَ الْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الشَّامِ وَ الْعَرَاقِ لَا تَضَعُ قَدَماً إِلّا عَلَى النَّبَاتِ، وَ عَلَى رَأْسِهَا مِكْتَلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبُعٌ وَ لَا تَخَافُهُ)

(هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام کند، آسمان قطراتش را می ریزد و زمین گیاهان خود را می رویاند، و کینه از دل بندگان می رود و چهارپایان و درندگان در صلح خواهند بود، حتی زمانی که زنی (به تنهائی) از شام تا عراق (از شرق تا غرب) راه برود؛ در حالی که پایش را جز بر سبزه نگذارد، و بر سر او تاج و زیوری است و هیچ درنده ای او را مضطرب نسازد و دچار ترس و وحشت نشود.)

سرور اهل الايمان في علامات ظهور صاحب الزمان، نجفی، علی، ص 78-77 ؛ تحف العقول، حرانی، حسن، ص 115.

ص: 198

باب چهل و پنجم

در حکومت مهـدی علیه السـلام ، مردم مانند پادشاه، آسوده و در ناز و نعمت زندگی می کنند و در سایه کامل شدن علوم، تمامی بیماری ها و ضـعف بشـر درمان می شود و همه افراد توانا و نیرومند می شوند. سلامتی و تندرستی چنان زیاد می شود که مردم هزار سال عمر می کنند؛ و قدرت باروری چنان افزایش می یابد که زنان نه تنها در سـنین جوانی بلکه در طول عمر هزار ساله خود نیز صاحب فرزند می شوند و هر سال یک فرزند از آنان متولد می شود و بدین ترتیب مردم صدها نسل بعد از خود را می بینند.

نمونه دیگر رشـد علم این است که لباسـی که مردم بر تن کودکان خود می کنند، با رشد کودک لباسـش نیز بزرگ تر می شود و رنگ آن به هر رنگی که بخواهد در می آید.

احادیث باب چهل و پنجم:

امام باقر علیه السلام فرمود:

ص: 199

(مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي، مِنْ ذِي عَاهَةٍ بَرَأَ، وَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيَ)

(هر کس قائم علیه السلام را درک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند شود.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 335.

امام سجاد علیه السلام در حدیثی فرمود:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ اَلْعَاهَةَ وَرَدَ إِلَيْهِ قُوَّتُهُ)

(هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، خداوند ناتوانی را از هر مؤمنی دور می کند و قوت او را بازمی گرداند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 364.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد سلطنت حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

(وَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَيَعِيشُ إِذْ ذَاکَ مُلُوکٌ نَاعِمِينَ، وَ لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُولَدَ لِصُلْبِهِ أَلْفُ ذَکَرٍ)

(قسم به آن خداوندی که دانه را شکافت و جان را آفرید که در آن زمان مردم پادشاه وار، آسوده و در ناز و نعمت زندگی می کنند، و هیچ مردی از دنیا نمی رود تا اینکه از صلب او هزار فرزند پسر به دنیا بیاید.)

البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سید هاشم، ج 3، ص 506 ؛ تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی، عبد علی، ج 3، ص 139 ؛ تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد، ج 2، ص 282.

امام جعفر صادق علیه السلام در حدیثی فرمود:

(إِنَّ قَائِمَنَا... وَ عَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ، يُولَدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامٌ، لَا يُولَدُ لَهُ جَارِيَةٌ، يَكْسُوهُ الثَّوْبُ فَيَطُولُ عَلَيْهِ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيَّ لَوْنٍ شَاءَ)

(وقتی قائم علیه السلام قیام کند... و در آن زمان مرد هزار سال عمر می کند و هر سال برایش کودکی متولد می شود. او (فقط) از زن جوان متولد نمی شود (بلکه از زن سالمند و پیر نیز متولد می شود)، لباس بر کودک می پوشانند و چون او رشد می کند، لباسش نیز بزرگتر می شود و رنگ آن به هر رنگی که بخواهند در می آید.)

دلائل الامامة، طبری صغیر، محمد، ص 454.

بخش یازدهم: رجعت ها

رجعت ها

باب چهل و ششم

در حکومت مهدی علیه السلام ، عیسی علیه السلام با زنی از غسان ازدواج می کند تا اینکه چهره کسانی را که می گفتند او انسان نیست سیاه شود و ببینند که او چگونه می خورد و می آشامد و ازدواج می کند. عیسی علیه السلام پس از وزارت حکومت جهانی مهدی علیه السلام و کمک و یاری حضرت صاحب عصر علیه السلام ، پس از مدت ها تلاش و کوشش و فداکاری در دولت امام عصر علیه السلام ، از دنیا می رود و حضرت مهدی علیه السلام بر ایشان نماز می خواند و پس از غسل و کفن و تشییع جنازه ای باشکوه، ایشان را دفن می کند.

حدیث و نکته باب چهل و ششم:

در حدیثی طولانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

ص: 203

(يَنْزِلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ اِنْفِجَارِ الصُّبْحِ... وَ هُوَ الْوَزِيرُ الْآيِمنُ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حَاجِبُهُ وَ نَائِبُهُ، وَ يُبْسَطُ فِي الْمَغْرِبِ وَ الْمَشْرِقِ الْأَمْنُ مِنْ كَرَامَةِ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيهِمَا... وَ يَتَزَوَّجُ عِيسَى بِامْرَأَةٍ مِنْ غَسَّانَ حَتَّى يَسْوَدَّ وَجْهُ مَنْ كَانَ يَقُولُ لَيْسَ مِنَ الْبَشَرِ، وَ يَرَوْهُ كَيْفَ يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ يَنْكِحُ... وَ يَجْمَعُ الْكُتُبَ مِنْ أَنْطَاكِيَةِ حَتَّى يَحْكُمَ بَيْنَ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، وَ يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَاةِ فِي تَوْرَاتِهِمْ وَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ فِي إِنْجِيلِهِمْ وَ أَهْلِ الزَّبُورِ فِي زَبُورِهِمْ، وَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِفُرْقَانِهِمْ... وَ الْقَصْرُ الَّذِي بَنَاهُ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ قُرْبَ مَوْتِهِ، فَيَأْخُذُ مَا بِهِمْ (بِهَا) مِنَ الْاَمْوَالِ وَيقْسِمُهَا عَلَى الْمُسْلِمِينَ. وَ يُخْرِجُ اللَّهُ التَّابُوتَ الَّذِي أَمَرَ بِهِ أَرْمِيَا أَنَّ يَرْمِيَهُ فِي بَحْرِ طَبَرِيَّة: فِيهِ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ، وَ رَضَاضَةُ اللَّوْحِ وَ عَصَا مُوسَى وَ قُبَا هَارُونَ وَ عَشَرَةُ أَوْ صَاعٌ مِنَ الْمَنِّ، وَ شَرَائِحِ السَّلْوَى اَلَّتِي إِدَّخَرُهَا (كَذَا) بَنُو إِسْرَائِيلَ لِمَنْ بَعْدَهُمْ، فَيَسْتَفْتِحُ بِالتَّابُوتِ الْمُدُنِ كَمَا اسْتَفْتَحَ بِهِ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، وَ يَنْشُرُ الْإِسْلَامَ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ الْجَنُوبِ وَ الْقِبلَةَ... ثُمَّ تَقَبَّلُ رِيحٌ بارِدَةٌ صَفْرَاءُ أَلْيَنُ مِنَ الْحَرِيرِ مِثْلُ اَلْمِسْكِ، فَيَقْبِضُ اللَّهُ بِهَا رُوحَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

(عیسی بن مریم علیه السلام در سحرگاهان فرود می آید... او وزیرِ دست راست قائم علیه السلام و نایب اوست. امنیت را در غرب و شرق از کرامت امام زمان علیه السلام گسترش می دهد... عیسی علیه السلام با زنی از غسان ازدواج می کند تا اینکه چهره کسانی را که می گفتند او انسان نیست سیاه شود و ببینند که او چگونه می خورد و می آشامد و ازدواج می کند... او کتاب ها را از انطاکیهجمع آوری می کند تا اینکه بین اهل مشرق و مغرب داوری کند، و بین اهل تورات با تورات شان و اهل انجیل با انجیل شان و اهل زبور با مزامیرشان و اهل قرآن با قرآن شان داوری می کند... و کاخی را که حضرت سلیمان علیه السلام پیش از مرگش ساخت، آشکار می سازد و حضرت دارایی های کاخ را گرد می آورد و آن را میان مسلمانان تقسیم می کند و تابوتی را که خداوند به «ارمیا» دستور انداختن آن را در دریای طبریه داده بود، خارج می سازد. در آن تابوت، بقایایی است از آنچه را که خاندان موسی علیه السلام و هارون به یادگار گذاشته اند و تکه هایی از لوح و عصای موسی علیه السلام و جام هارون و صاع (جام پادشاه مصر که دست حضرت یوسف علیه السلام بود) و مرغ های بریانی که بنی اسراییل برای آیندگان خود ذخیره کرده اند. آن گاه به کمک آن تابوت، شهرها را می گشاید. همان گونه که پیش از او نیز چنین می کردند و اسلام در شرق، غرب، جنوب و قبله

گسترش می یابد... سپس باد سرد و زرد رنگی نرم تر از ابریشم، مانند مشک می آید و خداوند روح عیسی علیه السلام را با آن می گیرد.)

حلية الابرار في احوال محمد و آله الاطهار، بحرانی، سید هاشم، ج 5، ص 308-306 ؛ معجم احادیث المهدی علیه السلام، کورانی، علی، ج 1، ص 531-530.

نکته:

در حدیث فوق، بسیاری از کارهایی را که حضرت مسیح علیه السلام انجام می دهد، همان کارهایی است که در احادیث قبل به حضرت مهدی علیه السلام نسبت داده شده است و این موضوع به دلیل این است که امام عصر علیه السلام ، حضرت عیسی علیهالسلام را به عنوان وزیر و جانشین خود قرار می دهد و کارهایی را که انجام می دهد با کمک و همراهی حضرت عیسی علیه السلام است.

ص: 206

باب چهل و هفتم

آنگاه، زمان حادثه ای بزرگ می رسد. در کربلا، قبر امام حسین علیه السلام و حضرت اباالفضل علیه السلام و همچنین در نه کیلومتری کربلا در نزدیکی منطقه ای به نام کمالیه، زمین شکاف می خورد و امام حسین علیه السلام به همراه یاران شهیدش از آن خارج می شوند و حر بن یزید ریاحی نیز از کمالیه از زمین خارج می شود و به امام حسین علیه السلام و یارانش می پیوندد. همچنین قبر هفتاد پیامبر نیز باز می گردد و آن پیامبران نیز به خدمت امام حسین علیه السلام رفته و به ایشان ملحق می شوند.

اندک افرادِ انگشت شماری در حکومت حضرت مهدی علیه السلام ، جزو مخالفان و معاندان ایشان هستند که به واسطه نوع و ساختار دولت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام توان ایجاد اختلال و بی نظمی در حکومت ایشان را ندارند. لذا رجعت امام حسین علیه السلام و یاران شان فرصتی بسیار مناسب برای آنان است تا شاید بتوانند بین مسمانان اختلاف و شک و شبهه بیندازند و این آخرین سنگی است که شاید به هدف بخورد! این افرادِ مخالف، بدین منظور از ظاهر بعضی از آیات قرآن مانند آیات 99 و 100 سوره مؤمنون استفاده می کنند و می گویند که طبق قرآن، پس از

مرگ، بازگشتی به دنیا نیست و این افراد که می بینید، امام حسین علیه السلام و یارانش نیستند؛ بلکه دجال و شیاطین هستند!

در چنین شرایطی حضرت مهدی علیه السلام به همراه امام حسین علیه السلام و یارانش شروع به روشنگری و تبیین شبهات ایجاد شده می کنند و رجعت در اسلام را اثبات می کنند و به مردم اعلام می کنند که امام حسین علیه السلام نه دجال است و نه شیطان، بلکهامامی است که در میان مردم است و امام بعد از حضرت مهدی علیه السلام است.

در این هنگام حضرت مهدی علیه السلام برای مردم صحنه ای دیگر از رجعت ها را به نمایش می گذارد که موجب روشنگری مردم می شود و خاتمه شبهات ایجاد شده توسط مخالفین است. امام مهدی علیه السلام به مناطق مختلف، نزد قبر مؤمنان خالص و والا مقام می رود و به آنان می گوید: «ای صاحب قبر، همانا امام تو قیام کرد، اگر می خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر دوست داری در کرامت پروردگارت بمانی، در قبر خود بمان!» با شنیدن این ندا، بعضی از صاحبان قبر، از قبور خود بیرون می آیند و صورت های خود را از خاک تمیز می کنند و حضرت را در آغوش می گیرند و با ایشان دیدار می کنند. این پیشامدها موجب مسرت و شادی بسیاری از مردم می شود.

ص: 208

سپس حضـرت ولی عصـر علیه السـلام بر سـر قبر مشـرکین محض و سرسـخت اسـلام می رود که ظلم و جنـایت های زیادی را در حق مسـلمانان انجام داده انـد، و به فرمان حضـرت مهـدی علیه السـلام ، آن ها هم از قبرهای خود بیرون می آیند تا از آن ها به وسـیله مؤمنان انتقام گرفته شود و قصاص شان کنند.

تعدادی از این افراد که برای قصاص از قبر خود برانگیخته می شوند، قاتلان امام حسـین علیه السـلام و اصـحابش در صحرای کربلا هستند که دو گناه بسـیار بزرگ مرتکب شـده اند: اول اینکه در حق امام حسـین علیه السـلام و یارانش و اهل بیتش ظلم کرده اند؛ دوم اینکه مردم دنیا را از داشـتن امام معصوم علیه السـلام محروم کرده اند، لذا انتقام و قصاص ظلم هایشان توسط امام حسـین علیه السلام و یاران و اهل بیتش گرفته می شود.

مؤمنانی که رجعت نموده انـد، دو سال و نیم در حکومت جهانی حضـرت مهـدی علیه السـلام و در بهشتِ روی زمین زنـدگی می کنند. سپس در یک شب، همگی می میرند و دوباره به جوار رحمت الهی و بهشت برزخی خود می روند.

ص: 209

احادیث باب چهل و هفتم:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

(أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا اَلْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

(نخستین کسی که زمین (قبر) به روی او شکافته می شود و به دنیا باز می گردد، حسین بن علی علیه السلام است.)

میزان الحکمة، ری شهری، محمد، ج 4، ص 369.

در تفسیر عیاشی ذیل آیه شریفه «ثم رددنا لکم الکره علیهم، (آیه 6 سوره اسراء: آن گاه شما را به روی آنها برگردانیم)» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

(خُرُوجِ الْحُسَيْنِ فِي الْكُرَّةِ سَبْعِينَ رَجُلاً مِنْ أَصْحَابِهِ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ، عَلَيْهِمُ الْبَيْضُ الْمُذَهَّبُ لِكُلِّ بَيْضَةٍ وَ جِهَانِ الْمُؤَدِّيَ إِلَى النَّاسِ: «إِنَّ الْحُسَيْنَ قَدْ خَرَجَ فِي أَصْحَابِهِ، حَتَّى لَا يَشُكَّ فِيهِالْمُؤمِنُونَ، وَ أَنَّهُ لَيْسَ بِدَجَّالٍ وَ لَا شَيْطَانٍ، اَلْإِمَامُ الَّذِي بَيْنَ أَظْهُرِ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ»)

(مقصود آیه، زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام و هفتاد نفر از اصحابش که با او کشته شده اند در عصر امام زمان علیه السلام است؛ در حالی

که کلاه خودهای طلایی بر سر دارند. به مردم اطلاع می دهند که: «همانا حسین علیه السلام و یارانش رجعت کرده و زنده شده اند، تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند و حسین علیه السلام نه دجال است و نه شیطان، بلکه امامی است که در میان مردم است.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 56 ؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، کورانی، علی، ج 5، ص 219-218 ؛ تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد، ج 2، ص 281.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

(وَ يُقبِلُ الْحُسَيْنُ فِي أَصْحَابِهِ اَلَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ، وَ مَعَهُ سَبْعُونَ نَبِيّاً، كَمَا بُعِثُوا مَعَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ)

(هنگامی که امام حسین علیه السلام همراه یاران شهیدش رجعت می کنند، تعداد هفتاد پیامبر نیز با او رجعت می کنند؛ همچنان که با موسی بن عمران علیه السلام هفتاد پیامبر همراه بودند.)

معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، کورانی، علی، ج 4، ص 89.

مفضل بن عمر می گوید:

(ذَكَرْنَا الْقَائِمَ علیه السلام وَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَصْحَابِنَا يَنْتَظِرُهُ، فَقَالَ لَنَا أبوعَبْدِاللَّهِ علیه السلام : «إِذَا قَامَ أُتِيَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ فَيُقَالُ لَهُ: «يَا هَذَا

إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ! فَإِنْ تَشَأْ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَ إِنْ تَشَأْ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمْ»»)

(قائم علیه السلام و شیعیانی از دوستان مان را که منتظر او بودند و مردند را یاد نمودیم. پس امام صادق علیه السلام به ما فرمود: «وقتی قائم علیه السلام قیام کند، به نزد مؤمن در قبرش می رود و به او می گوید: «ای صاحب قبر همانا امام تو قیام نمود، اگر می خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر دوست داری در کرامت پروردگارت بمانی، در قبر خود بمان!»»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 92-91 ؛ الغیبة، طوسی، محمد، ص 459.

امام کاظم علیه السلام در حدیثی فرمود:

(لَتَرْجِعُنَّ نُفُوسٌ ذَهَبَتْ، وَ لَيَقْتَصَّنَّ يَومَ يَقُومُ أَو مَنْ عُذِّبَ يُقْتَصُّ بِعَذَابِهِ، وَ مَنْ أُغِيظَ أَغَاظَ بِغَيْظِهِ، وَ مَنْ قُتِلَ اقْتُصَّ بِقَتْلِهِ، وَ يُرَدُّ لَهُمْ أَعْدَاوَهُمْ مَعَهُمْ حَتَّي يَأْخُذُوا بِثَارِهِمْ، ثُمَّ يَعْمُرُونَ بَعْدَهُمْ ثَلَاثِينَ شَهْراً، ثُمَّ يَمُوتُونَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ)

(حتماً عده ای پس از مرگ رجعت کنند (زنده شوند)؛ و قطعاً هر که کسی را عذاب کرده باشد، در مقابلش قصاص و عذابش کنند. و هر که از دیگری خشمگین شده باشد، وی را خشمگین کنند. و هر که

کشته شده باشد، قاتلش را قصاص کند، و ستمگران زنده شوند تا مظلومان از آن ها خونخواهی کنند، سپس سی ماه پس از آنان زندگی کنند، سپس در یک شب همه بمیرند.)

مختصر بصائر الدرجات، حلی، حسن، ص 118.

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود:

(إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتِ بِعَامَّةٍ، وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضَا أوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضًا)

(رجعت، همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرك محض باشند.)

میزان الحکمة، ری شهری، محمد، ج 4، ص 371.

ص: 213

باب چهل و هشتم

وقتی مردم این رجعت ها را مشاهده کردند و به حقانیت رجعت یقین کردند، و زمانی که همه مؤمنان، امام حسین علیه السلام را شناختند و تأیید کردند که او حسین علیه السلام ، امام عصرِ بعد از مهدی علیه السلام است که بین مردم ظاهر شده است، آنگاه حضرت مهدی علیه السلام مهر سلطنت را به همراه زمام امور جامعه به امام حسین علیه السلام تقدیم می کند و بعد رحلت می کند. امام حسین علیه السلام ، حضرت مهدی علیه السلام را غسل می دهد و کفن و حنوط می کند و دفن می نماید.

امام حسین علیه السلام نیز آنقدر حکومت می کند و چنان عمر می کند که از کهولت سن، ابروانش بر روی چشمانش می افتد. سپس امام علی علیه السلام رجعت می کند و از قبر خود بیرون می آید. امام حسین علیه السلام نیز حکومت و سلطنت را به امیرمؤمنان علیه السلام می دهد و خود از دنیا می رود.

احادیث باب چهل و هشتم:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ص: 214

(وَ يُقْبِلُ الْحُسَيْنُ فِي أَصْحَابِهِ اَلَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ، وَ مَعَهُ سَبْعُونَ نَبِيّاً، كَمَا بُعِثُوا مَعَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، فَيَدْفَعُ إِلَيْهِ الْقَائِمُ الْخَاتَمَ، فَيَكُونُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الَّذِي يَلِي غَسْلَهُ وَ كَفَنَهُ وَ حُنُوطَهُ، وَ يُوارِي بِهِ (وَ يُوارِيهِ) فِي حُفْرَتِهِ)

(هنگامی که امام حسین علیه السلام همراه یاران شهیدش رجعت می کنند، تعداد هفتاد پیامبر نیز با او رجعت می کنند؛ همچنان که با موسی بن عمران علیه السلام هفتاد پیامبر همراه بودند. قائم علیه السلام به او مهر سلطنت را می دهد (و رحلت می کند) و حسین علیه السلام او را غسل می دهد و کفن و حنوط می کند و در قبر گذاشته و دفن می نماید.)

معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، کورانی، علی، ج 4، ص 89.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

(اِنَّ اَوَّلَ مَنْ يَرْجِعُ لِجَارُكُمْ اَلْحُسَيْنُ علیه السلام ، فَيَمْلِكُ حَتَّى تَقَعَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ)

(همانا اولین کسی که رجعت می کند و برمی گردد حسین علیه السلام است و آنقدر حکومت می کند تا از کهولت سن، ابروهایش بر روی چشمانش بیفتد.)

مختصر بصائر الدّرجات، حلی، حسن، ص 117.

امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید:

(أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا، اَلْحُسَيْنُ ابْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُمَلَّكُ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ)

(اولین کسی که به دنیا بازمی گردد، امام حسین علیه السلام است. پس آنقدر حکومت می کند که از کهولت سن، ابروهایش بر روی چشمانش می ریزد.)

معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، کورانی، علی، ج 5، ص 329 ؛ میزان الحکمة، ری شهری، محمد، ج 4، ص 369.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

(... فَإِذَا اسْتَقَرَّ عِنْدَ الْمُؤْمِنِ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ لَا يَشُكُّونَ فِيهِ، وَ بَلَغَ عَنِ الْحُسَيْنِ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ بَيْنَ أَظْهَرَ النَّاسِ، وَ صَدَّقَهُ الْمُؤْمِنُونَ بِذَلِكَ، جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ الَّذِي غَسَلَهُ، وَ كَفَنَهُ و حَنَطَهُ وَ إِيلَاجِهِ فِي حُفْرَتِهِ الْحُسَيْنُ ... ثُمَّ يَمْلِكُهُمُ الْحُسَيْنُ حَتَّى يَقَعُ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ)

(... هنگامی که همه مؤمنان، امام حسین علیه السلام را شناختند و تأیید کردند که او حسین علیه السلام ، امام عصرِ بعد از مهدی علیه السلام است که بین مردم ظاهر شده است؛ آنگاه رحلت حضرت مهدی علیه السلام فرا خواهد

رسـید و امام حسـین علیه السـلام وی را غسل می دهـد و کفن و حنوط می کنـد و دفن می نماید... سـپس حسـین علیه السـلام به قدری حکومت می کند که از کثرت سن، ابروهایش روی چشمانش می ریزد.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 51، ص 56 ؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السـلام، کورانی، علی، ج 5، ص 219-218 ؛ تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد، ج 2، ص 281.

امام صادق علیه السلام در تأویل آیات شریفه 6 و 7 سوره نازعات: «یوم ترجف الراجفه تتبعها الرادفه، (آن روز که لرزنده بلرزد، و از پی آن لرزه ای دگر افتد)» فرمود:

(اَلرَّاجِفَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام ، وَ الرَّادِفَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام ، وَ أَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍ...)

(«راجفه» یعنی شخصـی که با حرکت سـریع و اضـطراب برمی خیزد، حسین بن علی علیه السلام است؛ و «رادفه» یعنی کسی که از پی او می آیـد، علی بن ابی طالب علیه السـلام است. نخستین کسـی که در رجعت از قبر بیرون می آیـد و خاک از سـر و روی خود می تکانـد، حسین بن علی علیه السلام است...)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 106.

باب چهل و نهم

با به حکومت رسیدن امام علی علیه السلام ، نیکوکارترین و بدکارترین افراد زمان ایشان نیز رجعت می کنند و افراد بدکار قصاص شده و به سزای اعمال خود می رسند. امام علی علیه السلام چهل و چهار هزار سال حکومت می نمایند که در این مدت، تمامی پیامبران، گروه گروه و با فاصله زمانی و پشت سر هم رجعت می کنند و در حکومت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان یاری می رسانند. همچنین بهترین و بدترین افراد زمان هرکدام از پیامبران نیز رجعت می کنند تا بهترین افراد در این حکومت زیبازندگی کنند و بدترین افراد محاکمه شوند و به سزای اعمال بد خود برسند.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رجعت می کند و حضرت علی علیه السلام حکومت را به ایشان می سپرد و خود رحلت می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، حضرت علی علیه السلام را غسل می دهد و کفن و دفن می نماید. سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز پنجاه هزار سال حکومت می کند.

ص: 218

احادیث باب چهل و نهم:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

(مَا مِنْ إِمَامٍ إِلَّا وَ يَكُرُّ فِي قَرْنِهِ، وَ يَكُرُّ مَعَهُ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ فِي دَهْرِهِ، حَتَّى يَمِيزُ الْمُؤْمِنَ مِنَ الْكَافِرِ)

(هیچ امامی نیست، مگر اینکه در زمان خاص خودش رجعت می کند، و با او نیکوکاران و بدکاران زمانش نیز رجعت می کنند تا افراد مؤمن از کافر مشخص و جدا شوند.)

الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، حر عاملی، محمد، ص 362-361.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل گردید:

(مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً مِنْ لَدُنْ آدَمَ فَهَلُمَّ جَرّاً إِلَّا وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا وَ يَنْصُرُ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ علیه السلام)

(خداوند از زمان پیدایش آدم علیه السلام تاکنون پیامبری نفرستاده است، مگر اینکه آنان را به دنیا بازمی گرداند تا امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری نمایند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 61 ؛ الشیعة و الرجعة، طبسی، محمد رضا، ج 2، ص 92.

احمد بن عقبه از پدرش روایت می کند که از حضرت صادق علیه السلام پرسید:

(«عَنِ الرَّجْعَةِ أَحَقٌّ هِيَ؟» قَالَ: «نَعَمْ» فَقِيلَ لَهُ: «مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ؟» قَالَ: «اَلْحُسَيْنُ يَخْرُجُ عَلَى أَثَرِ الْقَائِمِ علیه السلام »، قُلْتُ: «وَ مَعَهُ النَّاسُ كُلُّهُمْ؟» قَالَ: «لَا، بَلْ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجاً» قَوْمٌ بَعْدَ قَوْم.»)

(«آیا رجعت صحیح است؟» فرمود: «آری.» پرسید: «نخستین کسی که می آید کیست؟» فرمود: «حسین علیه السلام است که بعد از ظهور قائم علیه السلام می آید.» عرض کردم: «آیا همه مردم با او هستند؟» فرمود: «نه، بلکه چنان است که خدا می فرماید: «روزی که در صور دمیده شود و گروه گروه بیایید، (آیه 18 سوره نبا)» گروهی بعد از گروهی می آیند.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 103 ؛ مختصر بصائرالدرجات، حلی، حسن، ص 165.

ابی خالد کابلی از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است:

(فِي قَوْلِهِ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ» قَالَ: «يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ صلی الله علیه و آله »)

(امام سجاد علیه السلام در مورد آیه ای که می فرماید: «آنکه (ابلاغ) قرآن را وظیفه تو قرار داد، تو را به معاد و بازگشتگاه برمی گرداند، (آیه 85 سوره قصص)» فرمود: «پیامبرتان بار دیگر به سوی شما برمی گردد.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 56.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

(أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِيّاً سَيَرْجِعَانِ)

(همانا پیامبر علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام رجعت می نمایند.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 39 ؛ میزان الحکمة، ری شهری، محمد، ج 4، ص 369.

روایت امام صادق علیه السلام :

(حِينَ سُئِلَ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ مِقْدَارَهُ فِي الْقُرْآنِ: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ اَلْفَ سَنَةٍ»، (قال:) «وَ هِيَ كَرَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَيَكُونُ مُلْكُهُ فِي كَرَّتِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، وَ يَمْلِكُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فِي كَرَّتِهِ أَرْبَعَةً وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»)

(هنگامی که از او در مورد روزی که خداوند در قرآن ذکر کرده پرسیدند: «در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می روند،(سوره معارج آیه 4)»، حضرت فرمود: «این در واقعبازگشت و رجعت پیغمبر صلی الله علیه و آله به دنیا است که مدت سلطنتش پنجاه هزار سال خواهد بود. و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز چهل و چهار هزار سال سلطنت می کند.»)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 104.

باب پنجاهم

پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، تمامی امامان معصوم علیهم السلام به نوبت رجعت می کنند و هرکدام چندین هزار سال حکومت می کنند. با رجعت هرکدام از معصومین علیهم السلام ، نیکوکارترین و شقی ترین افرادِ زمان آن ها نیز رجعت می کنند تا افراد نیکوکار از حکومت عدل جهانی لذت ببرند و افراد بدکار و شقی، قصاص شوند و به سزای اعمال زشت شان برسند.

در آخرِ رجعت ها، نوبت به رجعت حضرت مهدی علیه السلام می رسد و ایشان نیز چندین هزار سال حکومت می کنند. و بعد از فوت حضرت مهدی علیه السلام ، دوباره رجعت معصومین علیهم السلام تکرار می شود و آنقدر فرمانروایی و حکومت در میان ایشان دست به دست می شود تا آنکه روز قیامت فرا برسد.

احادیث و نکته و دعای باب پنجاهم:

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

(یَرْجِعَ إِلَیْکُمْ نَبِیُّکُمْ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ الْأَئِمَّةُ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ)

ص: 222

(پیامبرِشما صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام به سوی شما مجدداً بازمی گردند.)

معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، کورانی، علی، ج 5، ص 327.

دعای روز دحو الارض:

(اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ (قَائِمُهُمْ) وَ عَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَ أُسْرَتِهِ، وَ ابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ. اَللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَ أَشْهِدْنَا أَيَّامَهُ)

(خدایا! رحمت بفرست به حضرت قائم علیه السلام و جمیع پدارنش؛ و ما را جزء یاران و کسانش قرار بده؛ و در هنگام رجعت و برگشتن او ، ما را برانگیز تا اینکه جزء یاورانش باشیم. خداوندا! ما را در زمان قیام و ظهورش برسان و در ایام حکومتش حاضر نما.)

کلیات مفاتیح الجنان ، قمی، شیخ عباس، دعای دحو الارض، ص 250-249 ؛ مصباح المتهجد، طوسی، محمد، ص 670.

نکته:

در این فراز از دعای روز دحو الارض که در بالا ذکر شد، ابتدا دعا می کنیم که در زمان رجعت امام زمان علیه السلام ما هم رجعت کنیم. سپس از خداوند می خواهیم که در زمان قیام و ظهور امام زمان علیه السلام نیز

حضور داشته باشیم. لذا حضرت مهدی علیه السلام بعد از آنکه قیام کرد و حکومت عدل الهی را در دنیا ایجاد کرد، از دنیا می رود و دیگر امامان معصوم به نوبت، رجعت می کنند. سپس حضرت مهدی علیه السلام نیز با رجعتش دوباره به دنیا برخواهد گشت.

امام علی علیه السلام در حدیثی فرمود:

(وَ إِنِّي لَصَاحِبُ الْكَرَّاتِ)

(همانا من صاحب رجعت ها هستم.)

بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 53، ص 101.

حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :

(وَ لَأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لَأُمَلِّكَنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا... ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكَهُ وَ لَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)

(و صد البته که به وسیله آخرین فرد از آل محمد صلی الله علیه و آله ، زمین را از دشمنانم پاک خواهم ساخت و او را مالک تمام شرق و غرب زمین خواهد ساخت... سپس فرمانروایی او را ادامه خواهم داد و روزگاران را تا روز قیامت میان اولیائم دست به دست خواهم کرد.)

بحارالانور، مجلسی، محمد باقر، ج 52، ص 312.

منابع و مآخذ

1- قرآن کریم

2- بحارالانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، 1403 ق.

3- الغیبة، نعمانی، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، 1397 ق.

4- الروضة من الكافي، شیخ کلینی، دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، 1362 ش.

5- الکافی، شیخ کلینی، دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، 1407 ق.

6- الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف ، یزدی حائری، موسسه الاعلمی، بیروت، چاپ اول، 1422 ق.

7- یوم الخلاص في ظل القائم المهدي علیه السلام، کامل سلیمان، مؤسسة دار المجتبی، قم، چاپ اول، 1427 ق.

8- الغیبة، شیخ طوسي، دار المعارف الإسلامية، قم، چاپ اول، 1411 ق.

9- فلاح السائل و نجاح المسائل، سید بن طاووس، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، 1406 ق.

10- قرب الإسناد، حمیری، مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، قم، چاپ اول، 1413 ق.

11- الممهدون للمهدی علیه السلام، کورانی، الدار الإسلامیة، بیروت، چاپ دوم، 1408 ق.

12- اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، شیخ حر عاملی، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1425 ق.

13- کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، متقی هندی، مؤسسة الرسالة، بیروت، 1405 ق.

14- البرهان في تفسیر القرآن، بحرانی، مؤسسة البعثة، قم، 1415 ق.

15- کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دوم، 1395 ق.

16- تفسیرنور الثقلین، عروسی حویزی، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، 1415 ق.

17- الفتن، مروزي، مکتبة التوحید، القاهرة، چاپ اول، 1412 ق.

18- التشریف بالمنن في التعریف بالفتن، سید بن طاووس، مؤسسه فرهنگی صاحب الامر عجل الله فرجه الشریف، قم، 1416 ق.

19- الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

20- مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، قارى، دار الفكر، بيروت، چاپ اول، 1422 ق.

21- معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، كورانى، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم، چاپ اول، 1411 ق.

22- احقاق الحق و ازهاق الباطل، مرعشى، منشورات مكتبة آية الله المرعشي العامة، قم، 1404 ق.

23- الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر عجل الله فرجه، سيد بن طاووس، منشورات الرّضى، قم، چاپ پنجم، 1398 ق.

24- الفتاوى الحديثية، هيتمى، دار الفكر، بيروت، بدون سال چاپ.

25- الصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم ، نباطى، المكتبة الحيدرية، نجف، 1384 ق.

26- دعائم الاسلام، مغربى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوم، 1385 ق.

27- الجمل و النصرة لسيد العترة في حرب البصرة، شيخ مفيد، كنگره شيخ مفيد، قم، چاپ اول، 1413 ق.

28- ينابيع المودة لذو القربى، قندوزى، دار الاسوة للطباعة والنشر المطبعة، قم، 1416 ق.

29- حلية الابرار في احوال محمد و آله الاطهار، بحرانی، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، 1415 ق.

30- الشيعة و الرجعة، طبسی نجفی، مطبعة الآداب، نجف، 1385 ق.

31- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، صفار، مکتبة آیت الله المرعشي النجفي، قم، چاپ دوم، 1404 ق.

32- علل الشرایع، شیخ صدوق، منشورات المکتبة الحیدریة، قم- نجف، 1385 ق.

33- مجمع البیان في تفسیر القرآن، شیخ طبرسی، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1415 ق.

34- المیزان في تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، منشورات اسماعیلیان، قم، چاپ سوم، 1393 ق.

35- الهدایة الکبری، خصیبی، مؤسسة البلاغ، بیروت، 1419 ق.

36- الخرائج و الجرائح، راوندی، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ اول، 1409 ق.

37- بشارة الإسلام في علامات المهدي علیه السلام، کاظمی، مؤسسة البلاغ، بیروت، 1428 ق.

38- المزار الکبیر، مشهدی، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، چاپ اول، 1419 ق.

39- مستدرك الوسائل، نوری، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت، 1408 ق.

40- المحجة البيضاء، فيض كاشانی، موسسه النشر الاسلامي، قم، چاپ چهارم، 1417 ق.

41- تهذيب الاحكام، شيخ طائفة، دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، 1364 ش.

42- ميزان الحكمة، ری شهری، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، قم، 1389 ش.

43- سرور اهل الايمان في علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف ، نجفی، دليل ما، قم، چاپ دوم، 1428 ق.

44- تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليهم، حرانی، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، چاپ دوم، 1404 ق.

45- تفسير العيّاشي، عياشی، المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، 1380 ق.

46- دلائل الامامة، طبری صغير، مؤسسة البعثة، قم، چاپ اول، 1413 ق.

47- مختصر بصائر الدرجات، حلی، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، 1421 ق.

48- الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، شيخ حر عاملی، دليل ما، قم، 1386 ش.

49- کلیات مفاتیح الجنان، قمی، انتشارات اسوه، قم، بدون سال چاپ.

50- مصباح المتهجد، شیخ طوسی، مؤسسة فقه الشیعة، بیروت، چاپ اول، 1411 ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

جَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملا مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیباني مي‌شود.

براي خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 88318722 ـ 021

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹